نشریه الکترونیکی
معارف
ویژه استادان معارف، مبلغان و دفاتر
نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها
MAAREF
شماره یک / مهرماه ۱۳۹۹
۱

توحیدمحوری در بلایا
تحلیل شیوه مواجهه مقام معظم رهبری با پدیده کرونا
تأملی در «بلا»
از نگاه دین و دنیا
نگاهی به پدیده کرونا
با تامل در آیات و روایات
کرونا، چالشِ دین یا علم؟
پاسخ‌های نقضی و حلّی
به شبهه مطرح در بحران کرونا
تمدن غرب در چالش‌های کرونا
چالش‌های معرفتی، هویتی و کارکردی
کارکردهای فردی اخلاق دینی در مواجهه با بیماری‌های فراگیر
با محوریت کرونا
کارکردهای اجتماعی اخلاق دینی در مواجهه با بیماری‌های فراگیر
با محوریت کرونا
عاشورا از فقه و احکام جدا نیست!
کتابشناسی دین و کرونا
تأملاتی در دینداری در روزگار کرونایی
گزیده‌خوانی نقطه نظرات اندیشمندان

نگاه ما به کرونا

ویژه تحلیل دینی، اخلاقی بلیّه منحوس کرونا و پاسخ به شبهات

با آثاری از:
آیت‌الله محمدجواد فاضل لنکرانی
دکتر علی نصیری
استاد محمدعلی مجد فقیهی
دکتر سید ضیاءالدین میرمحمدی
دکتر محمدهادی منصوری
دکتر علی‌رضا کمالی
دکتر ابوذر رجبی
دکتر محمدجواد فلاح
و...



رهبر انقلاب اسلا
۹۹/۱/۲۱، شیوع ویر
برای دولت ها و ملـ
هایی از عملکرد ای

آزمون جهانی کرونا

نتایج تفاوت فرهنگ اسلامی ایرانی و تمدن مادی غرب







@irane_hamdel
KHAMENEI.IR
دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای

۱ فداکاری مجموعه درمانی کشور

- تحمّل رنج دوری از خانواده
- به جان خریدن بی خوابی و فشار عصبی
- در خدمت مردم قرار دادن جان و سلامت خود

۲ استفاده از همه توان نیروهای مسلّح

- در زمینه‌ی علمی و کشفیّات
- در تولید امکانات بهداشتی و درمانی
- در ساخت بیمارستان‌ها و نقاهتگاه‌ها



نتیجه‌گیری

نشانه عمق و رسوخ
فرهنگ اسلامی در
دل مردم ما

رزمندگان خط مقدم



- پزشکان
- بخشهای خدمات
- بخشهای تحقیقات
- پرستاران
- به‌ورزان خانه‌های بهداشت
- مدیریّتهای فعال در این زمینه
- متخصّصین علوم
- آزمایشگاهی و رادیولوژی

۴ مشارکت‌های مردم



- یک شهر

نامزدی که در انتخابات رأی نیاورده ستادش
خدمت مبارزه‌ی با کرونا سازمان دهی کرد

می، در سخنرانی تلویزیونی مورخ
وس کرونا را یک ابتلا و آزمون عمومی
ت های جهان دانستند و به نمونه
ران و دیگر کشورها اشاره کردند.



۳ | کمک‌رسانی‌های داوطلبانه

- طلّاب جهادی
- دانشجویان جهادی
- هزاران بسیجی پُرتلاش
- آحاد مردم



می

- **سبزوار** — در طرح هر محلّه یک قربانی، اهل محل گوسفند قربانی میکنند و به نیازمندان همان محل میدهند.
- **یزد** — مادر شهیدی با جمعی از بانوان خانه‌هاشان را خیّاط خانه کرده‌اند، ماسک مجّانی به مردم میدهند.
- **نهاوند** — بانوانی که برای جبهه نان میپختند برای کمک به مهار بیماری فعّال شدند.
- **خوزستان** — طلّاب قرارگاه تشکیل داده‌اند و خانه‌های مردم را ضدّ عفونی میکنند.
- **شیراز** — معتمدین محلّی با صاحبان املاک صحبت میکنند که اجاره نگیرند، یا تخفیف و مهلت بدهند.
- **تبریز** — رئیس حوزه‌ی علمیّه به شکل میدانی مشغول فعّالیّت است.
- ...



را در

کشورهای غربی

- آمریکا و چند دولت اروپایی ماسک و دستکش دولت دیگر را مصادره کرد
- اولویّت برای بیمارها قائل شدند که بیمار پیر را معالجه نکنند!
- کسانی برای چند دستمال توالت به جان هم افتادند
- برای خرید اسلحه صف کشیدند







نتیجه‌گیری

نتیجه‌ی طبیعی فلسفه‌ی حاکم بر تمدّن غربی: فردگرایی، مادّی‌گری و غالباً بی‌خدایی

- مردم در مدّت کوتاهی، فروشگاه‌ها را تخلیه کردند
- بعضی از ترس کرونا خودکشی کردند!

بسم الله الرحمن الرحیم



صاحب امتیاز: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها
معاونت آموزشی و پژوهشی استادان و دروس معارف اسلامی
مدیر مسئول: نیکزاد عیسی زاده
سردبیر: سیدمجتبی مجاهدیان
معاون سردبیر و مدیر اجرایی: سید مهدی میرمسیّب
اعضای هیئت تحریریه: حجج‌اسلام محمد امراللهی، اکبر فرحزادی، دکتر عبدالله حاجی علی، و آقایان دکتر محمدحسین دانش کیا، دکتر محمدجواد فلاح و دکتر علیرضا کمالی
امور رایانه، سایت، عکس، طراح گرافیک و صفحه آرا: حجت شعبانی

مشاوران این شماره:
دکتر حسین ارجینی، عضو هیأت علمی دانشگاه معارف اسلامی
استاد محمدعلی مجد فقیهی، عضو هیأت علمی دانشگاه معارف اسلامی

نشانی: قم- بلوار امین- بلوار جمهوری اسلامی
نبش کوچه چهارم، پژوهشگاه فرهنگ و معارف اسلامی، نشریه معارف
صندوق پستی ۳۴۵۶-۳۷۱۸۵
تلفن سردبیر: داخلی ۱۱۴-۳۲۹۱۹۲۱۹-۳۲۹۰۳۵۳۱-۰۲۵
تحریریه: داخلی ۱۱۶- ۳۲۹۱۹۲۱۹
امور مشترکین: داخلی ۱۱۵- ۳۲۹۱۹۲۱۹- ۰۲۵
نمابر: ۳۲۹۰۳۵۳۱- ۰۲۵

نشانی اینترنتی:
www.maarefmags.ir
به صورت تمام متن و pdf قابل دریافت است.

آدرس کانال‌ها در پیام‌رسان‌های داخلی سروش و ایتا:
@maarefmags.ir

رایانامه:
maaref.mag@gmail.com
پیامک: **۱۰۰۰۲۱۱۰۱**

قابل توجه مشترکین و خوانندگان گرامی:
۱. مقالات و مطالب منتشره از سوی معارف لزوماً بیانگر دیدگاه‌های این نشریه نیست.
۲. معارف از مقالات علمی و پژوهشی در حوزه اندیشه معارف اسلامی استقبال می‌کند.
۳. معارف در ویرایش و تلخیص مقالات ارسالی آزاد است.
۴. در صورت امکان مقالات و مطالب ارسالی را به همراه فایل حروفچینی شده آن به آدرس پستی و یا به آدرس الکترونیکی نشریه ارسال نمایید.
۵. با توجه به رویکرد نشریه اطلاع رسانی معارف در زمینه تولید علم، لطفاً از ارسال مقالاتی که قبلاً چاپ شده خودداری فرمایید.
۶. محتوای نشریه همزمان با چاپ، در سایت نشریه قابل دسترسی می‌باشد.
۷. از آنجا که این نشریه با هزینه بیت‌المال تهیه می‌شود برای جلوگیری از هدر رفتن آن در صورت تغییر آدرس لطفاً ما را مطلع فرمایید.
۸. اگر از تدریس دروس معارف به کلی منصرف شده‌اید یا از نشریه استفاده نمی‌نمایید مراتب را جهت قطع اشتراک به دفتر نشریه اطلاع دهید.
۹. ارسال پیشنهادات، موضوعات، پرسش‌ها و شبهات معارفی مطرح در دانشگاه‌ها نقش مؤثری در پربار شدن نشریه معارف دارد.

فهرست

- **توحیدمحوری در بلایا.....۱**
  تحلیل شیوه مواجهه مقام معظم رهبری با پدیده کرونا
  دکتر محمدهادی منصوری
- **تأملی در «بلا».....۴**
  از نگاه دین و دنیا
  استاد محمدعلی مجد فقیهی
- **نگاهی به پدیده کرونا.....۹**
  با تامل در آیات و روایات
  دکتر علی‌رضا کمالی
- **کرونا، چالشِ دین یا علم؟.....۱۴**
  دکتر ابوذر رجبی
- **پاسخ‌های نقضی و حلّی.....۱۹**
  به شبهه مطرح در بحران کرونا
  دکتر علی نصیری
- **تمدن غرب در چالش‌های کرونا.....۲۱**
  چالش‌های معرفتی، هویتی و کارکردی
  دکتر سید ضیاءالدین میرمحمدی
- **کارکردهای فردی اخلاق دینی در مواجهه با بیماری‌های فراگیر با محوریت کرونا.....۲۵**
  دکتر محمد جواد فلاح
- **کارکردهای اجتماعی اخلاق دینی در مواجهه با بیماری‌های فراگیر با محوریت کرونا.....۲۸**
  با محوریت کرونا
  دکتر محمدجواد فلاح
- **عاشورا از فقه و احکام جدا نیست!.....۳۱**
  آیت‌الله محمدجواد فاضل‌لنکرانی
- **کتابشناسی دین و کرونا.....۳۶**
  دکتر ابوذر رجبی
- **تأملاتی بر دینداری در روزگار کرونایی.....۳۹**
  گزیده‌خوانی نقطه نظرات اندیشمندان

توحیدمحوری در بلایا

تحلیل شیوه مواجهه مقام معظم رهبری با پدیده کرونا



دکتر محمدهادی منصوری
عضو هیأت علمی دانشگاه معارف اسلامی

درآمد

این ایام، جهان با پدیده شومی به نام کرونا (کووید ۱۹) مواجه است. ایران نیز از کشورهایی است که دچار این چالش گردیده است. رهبران جهان در مواجهه با آن گفتار و رفتار متفاوت داشته‌اند. در این میان بررسی شیوه مواجهه مقام معظم رهبری بر پایه آموزه‌های اسلامی، از ابعاد گونه‌گون می‌تواند برای جامعه راه‌گشا باشد.

از مجموعه بیانات و رفتارهای معظم له از زمان اعلام رسمی شیوع کرونا در ایران تاکنون می‌توان دانست، شیوه مواجهه ایشان متکی بر شاخصه‌های اسوه حسنه‌ای است که قرآن کریم برای مسلمانان ترسیم و آنان را به تأسی به آن فراخوانده است.

یکی از شیوه‌های تربیتی قرآن کریم، شیوه اسوه‌سازی و معرفی الگو برای جامعه بشری است. در هندسه آیات قرآن کریم، رهبران الهی هماره الگوهای ممتازی برای بشریت بوده‌اند. از این‌رو پیامبرانی همچون حضرت ابراهیم علیه‌السلام و حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله به عنوان اسوه معرفی شده‌اند.[۱] خدای سبحان می‌فرماید: «قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَ الَّذِينَ مَعَهُ... رَبَّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَ إِلَيْكَ أَنَبْنَا وَ إِلَيْكَ الْمَصِيرُ* رَبَّنَا لَا تجعَلْنَا فِتْنَةً لِّلَّذِينَ كَفَرُواْ وَ اغْفِرْ لَنَا رَبَّنَا إِنَّكَ أَنتَ الْعَزِيزُ الحَكِيمُ* لَقَدْ كَانَ لَكم فِيهِمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُواْ اللهَ وَ الْيَوْمَ الآخِرَ وَ مَن يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللهَ هُوَ الْغَنى الحَمِيدُ»[۲]. بر پایه این آیات علاوه بر حضرت ابراهیم علیه‌السلام، پیروان راستین ایشان که در عرصه اعتقاد و رفتار از ایشان تبعیت می‌نمایند، به عنوان «اسوة حسنة» معرفی شده‌اند.

بر اساس آیات یاد شده می‌توان به شاخصه‌های اسوه حسنه همچون «توکل بر خدا، توبه، دعا و معادباوری» دست یافت. اسوه حسنه هماره دارای اطمینان قلب و آرامش درونی است.

محور مشترک همه این شاخصه‌ها که ریشه اصلی و خاستگاه همه خوبی‌هاست، اعتقاد راسخ به توحید خدای سبحان است. بنابراین می‌توان گفت مهم‌ترین ویژگی کسانی که به عنوان اسوه حسنه برای اهل ایمان معرفی شده‌اند، توحید محوری است که در عرصه نگرش، گرایش و رفتار تأثیرگذار است.

یکی از بسترهای مهمی که نقش اسوه در آن بیشتر نمود و بروز دارد و پیروی از اسوه در آن بیش از سایر موارد بایسته است، سختی‌هایی است که در برهه‌هایی از زندگی اجتماعی انسان‌ها در زمینه اعتقادی، اقتصادی، اخلاقی، امنیتی و... پدید می‌آید. از ویژگی‌های بارز مقام معظم رهبری در مواجهه با مشکلات، تأسی به اسوه حسنه است.

توحیدمحوری، در شیوه مواجهه با کرونا

چنانچه بیان شد توحید محوری، وجه اشتراک همه شاخصه‌های اسوه



حسنه است. بر این پایه، هر آنچه در جهان رخ می‌نماید همه در نظام احسن حضرت حق تحقق می‌یابد و از آن خارج نیست. با این نگاه، در شیوه مواجهه مقام معظم رهبری با کرونا می‌توان به مصادیقی از توحید محوری به شرح ذیل دست یافت:

۱. مصداق ابتلاء دانستن کرونا

مسأله شرور یکی از مسائلی است که فلاسفه و اندیشمندان درباره آن دیدگاه‌های مختلفی ارائه کرده اند. اینکه کرونا از لحاظ فلسفی جزو شرور است یا نه بحثی است که در جای دیگری باید تحلیل شود اما بر پایه اعتقادات اسلامی، یک مسلمان هماره خویش را در معرض ابتلائاتی می‌داند که زمینه‌ساز رشد و سعادت ابدی اوست. خدای سبحان بر خیال عافیت‌طلبی در سایه ایمان لفظی این‌گونه خط بطلان کشیده است: «أَحَسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَ هُمْ لا يُفْتَنُون؛ آیا مردم پنداشتند، همین که بگویند: «ایمان آوردیم» رها می‌شوند در حالی که آنان آزمایش نمی‌شوند؟!»[۳].

کلمه «فتنه» به معنای آزمایش است.[۴] یکی از سنت‌های الهی سنت آزمایش است. خدای سبحان در سوره بقره مصادیقی از ابتلاء را بیان فرموده است. مقام معظم رهبری با استناد به این آیه می‌فرماید: «این[بیماری] مصداق آیه شریفه «وَ لَنَبلُوَنَّكُم بِشَيءٍ مِنَ الخَوفِ وَالجوعِ وَ نَقصٍ مِنَ الاَموالِ وَ الاَنفُسِ وَ الثَّمَرات» است که هم با خودش خوف می‌آورد و عدّه‌ای واقعاً می‌ترسند، هم مسئله مشکل اقتصادی را به وجود می‌آورد، هم نقص اموال و انفس و ثمرات را همراه دارد؛ لکن در ادامه می‌فرماید: «وَ بَشِّرِ الصابِرين»؛ اینجا هم صبر لازم است. صبر در اینجا یعنی کار درست و عاقلانه انجام دادن»[۵].

چنانکه ابتلائات الهی فرصتی است برای نیل به مقام صابران، پدیده کرونا نیز با همه سختی‌هایی که برای جامعه ایجاد نموده، فرصتی برای قدرتمند شدن و تعالی ملت است. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید: «این [مسأله کرونا] یک آزمون دشوار بود.... غلبه بر دشواری‌ها و عبور از دشواری‌ها با روحیه، این خود موجب قدرتمند شدن یک ملّت است. یک ملّت با راحت‌طلبی و رفاه‌جوییِ محض نخواهد [توانست] به جایی برسد؛ مواجهه با مشکلات و حفظ روحیه خود در مقابله با مشکلات و غلبه بر مشکلات -که ان‌شاءالله این غلبه را ملّت ایران

کرده است و بعد از این هم خواهد کرد- است که به ملّت‌ها اقتدار و اعتبار می‌دهد[۶]».

۲. مسبب الاسباب دانستن خدا در مواجهه با کرونا

یکی از مصادیق توحید محوری در مواجهه با کرونا این است که انسان مؤمن، در همه امور خدا را مسبب‌الاسباب می‌داند و نتیجه و اثر به کارگیری اسباب را در پرتو عنایات حضرت حق معنا می‌نماید. از آنجا که در عصرکنونی پیشرفت‌های خوب و قابل توجهی در علوم پزشکی و مسائل بهداشتی در جهان رخ نموده است اما همواره از آفت‌های چنین پیشرفت‌هایی، فراموش نمودن نقش خدای سبحان در پدیداری آنهاست.

مقام معظم رهبری در پندی حکیمانه، با اشاره به این مهم فرموده‌اند: «همه ابزارهای عالم وسایل الهی هستند. او مسبّب‌الاسباب است؛ با این اسباب باید کار کنیم، از این اسباب استفاده کنیم، امّا نتیجه و اثر را از خدای متعال بخواهیم[۷]».

این مهم برخاسته از تعالیم اهل‌بیت علیهم‌السلام است؛ چنانکه امام سجاد علیه‌السلام خدا را چنین معرفی فرموده است: «ذَلَّتْ لِقُدْرَتِكَ الصِّعَابُ وَ تَسَبَّبَتْ بِلُطْفِكَ الْأَسْبَابُ وَ جَرَى بِقُدرَتِكَ الْقَضَاءُ وَ مَضَتْ عَلَى إِرَادَتِكَ الْأَشْيَاءُ. فَهِيَ بِمَشِيَّتِكَ دُونَ قَوْلِكَ مُؤْتَمِرَةٌ وَ بِإِرَادَتِكَ دُونَ نَهْيِكَ مُنْزَجِرَةٌ. أَنْتَ الْمَدْعُوُّ لِلْمُهِمَّاتِ وَ أَنْتَ الْمَفْزَعُ فِي الْمُلِمَّاتِ، لَا يَنْدَفِعُ مِنْهَا إِلَّا مَا دَفَعْتَ وَ لَا يَنْكَشِفُ مِنْهَا إِلَّا مَا كَشَفْتَ[۸]؛ دشواری‌ها در برابر قدرتت آسان گردد و وسایل زندگی و اسباب حیات، به لطفت فراهم آید و فرمان و حکم به نیرویت جریان یابد؛ و همه چیز بر اساس اراده‌ات می‌گذرد پس همهٔ موجودات به خواست تو بی آن‌که فرمان کلامی دهی، فرمان برند و به اراده‌ات، بی آن‌که با گفتار نهی کنی از کار باز ایستند. تنها تو را در دشواری‌ها می‌خوانند و در بلاهای سخت و دشوار، تنها تو پناهگاهی. بلاهای سخت و دشوار از انسان دور نمی‌شود، مگر آنچه را که تو دور کنی و از گره‌های رنج‌آور، چیزی گشوده نمی‌شود، مگر آنچه را تو بگشایی.

۳. باور به ضعف انسان در برابر خدا

نوع نگاه توحید محور چنین است که در مواجهه با مشکلاتی نظیر کرونا واقعیت‌نگر است و عقلانیتی که اسلام به آن دعوت نموده و از مواهب الهی برای زندگی فردی و اجتماعی برشمرده است را در شناخت مشکلات به کار می‌گیرد. بر این اساس مقام معظم رهبری با نگاه واقعی به مسأله کرونا تأکید دارند که مسأله کرونا را نباید کوچک شمرد؛ و نه آنکه دچار بزرگ انگاری گردید که در این صورت عامل ایجاد یأس و ناامیدی است. اما از دیگر سو پدیده کرونا می‌تواند اوج ضعف انسان در برابر خدای سبحان را نشان دهد.

این حوادث انسان را متوجّه ضعف‌های خودش می‌کند؛ چه ضعف‌های طبیعیِ خودمان، که انسان بداند جای مغرور شدن نیست. ما همه ضعیف هستیم، آسیب‌پذیر هستیم، و چه ضعف‌هایی که در مواجهه با حوادث، انسان به طور قهری دچار آن می‌شود... ضعف‌های خودمان را بشناسیم؛ انسان از غرور و غفلت خارج بشود، متوجّه خدا گردد.

۴. صبوری اندیشمندانه

یکی دیگر از مصادیق توحید محوری در مواجهه با کرونا توجه به دستور حضرت حق در برابر ابتلائات دنیایی است. بر پایه آیاتی، پیامبر مأمور به بشارت دهی به صابرانی است که در ابتلائات صبوری می‌ورزند.

در هندسه آیات قرآنی، شرور یکی از عوامل جزع و فزع انسانِ آزمند است «إِنَّ الْاِنسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا»؛ در حقیقت انسان آزمند و کم طاقت آفریده شده است، هنگامی‌که بدی به او رسد بی‌تابی می‌کند.

اما در مقابل صابران کسانی هستند که همه چیز را از آنِ خدا می‌دانند. از این رو پس از ابتلاء به «نَقصٍ مِنَ الاَموالِ وَ الاَنفُسِ وَ الثَّمَرات» و هنگام مصیبت می‌گویند «إِنَّا لِلّٰهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»[۱۰]. مراد از گفتن (إِنَّا لِلّٰهِ)، صرف تلفظ به این الفاظ و بدون توجه به معنای آن نیست و حتی با گفتن و صرف توجه به معنا هم نیست بلکه باید به حقیقت معنایش ایمان داشت؛ به اینکه آدمی مملوك خداست و مالکیت خدا به حقیقت ملك است و این‌که دوباره بازگشتش به سوی مالکش می‌باشد. اینجاست که بهترین صبر تحقق پیدا می‌کند، صبری که ریشه و منشا هر جزع و تأسفی را در دل می‌سوزاند و قطع می‌کند، و چرك غفلت را از صفحه دل می‌شوید.[۱۲]

مقام معظم رهبری با استناد به بشارتی که خدای سبحان به صابران می‌دهد چگونگی صبر در مقابل پدیده کرونا را اینگونه بیان فرموده است: «خداوند می‌فرماید: «وَ بَشِّرِ الصابِرين»؛ اینجا هم صبر لازم است. صبر در اینجا یعنی کار درست و عاقلانه انجام دادن[۱۳]».

در این صورت است که صابران لیاقت رحمت خاص الهی را می‌یابند و خدای سبحان بر ایشان صلوات می‌فرستد: «أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِن رَّبِّهِمْ وَ رَحْمَةٌ»[۱۴].

۵. تجلی تعاون اسلامی در جامعه

از مصادیق توحیدمحوری بروز روحیه ایثار و فداکاری در مواجهه با مسأله کروناست. جامعه اسلامی بر پایه اعتقادات و تعالیم رهبران الهی هماره در تحقق تعاونی که اسلام به آن سفارش کرده، کوشاست. مقام معظم رهبری تجلی تعاون اسلامی در مواجهه با کرونا را تبدیل کردن تهدید کرونا به فرصت دانسته و از آن به عنوان رزمایشی عمومی یاد کرده و در این باره فرمودند: تجربیّاتی که ما در این زمینه به دست می‌آوریم و فعّالیتی که مردم و دستگاه‌ها می‌کنند و در واقع یک رزمایش عمومی در این زمینه انجام می‌گیرد، این می‌تواند یک دستاورد باشد. اگر این دستاوردها را داشته باشیم، بلا برای ما تبدیل به نعمت و تهدید تبدیل به فرصت می‌شود؛ که خوشبختانه شنیدم در مردم هم از این قبیل همکاری‌ها و محبّت‌ها زیاد هست. فرض بفرمایید که دکان‌دار بیرون دکانش در خیابان، شیر آب و وسایل شوینده گذاشته که رهگذرها اگر مایلند بیایند آنجا دست خود را صابون بزنند -من باب مثال- خب این‌ها خیلی با اهمّیّت است. یا فلان پرستار، عروسی خودش را عقب انداخته برای این‌که بتواند به این کار برسد؛ یا بعضی‌ها کمک‌های مالی مثلاً در مجموع می‌کنند؛ این‌ها بسیار کارهای خوبی است. این در واقع یک رزمایش عمومی مردمی و دستگاه‌های ذی‌ربط است[۱۵].

از نشانه‌های تعاون اسلامی بروز فداکاری‌های چشمگیر مردمی است. مقام معظم رهبری با اشاره به این مهم فرموده است: «در قضیّه این بیماری اخیر، [یعنی] کرونا، فداکاری‌ها به قدری چشمگیر بود که افرادی را که خارج از این

کشور هم هستند به تحسین وادار کرد؛ در درجه اوّل مجموعه‌های درمانی؛ پزشکان، پرستاران، بهیاران، مدیران، کارکنان حول و حوش بیمارستان‌ها. در کنار این‌ها مجموعه‌های مردمی داوطلب، دانشجویان، طلّاب، بسیجی‌ها و عناصر گوناگون که رفتند در خدمت درمان و پرستاری از این بیماران قرار گرفتند، به یاری درمان‌کنندگان رفتند؛ همه این‌ها مایه عزّت و آبرو است. مجموعه‌های پشتیبانی، کسانی‌که کارخانه‌های خود، حتّی بعضی خانه‌های خودشان را در اختیار تولید وسایل و امکانات مورد نیاز مثل دستکش یا ماسک و از این قبیل برای بیماران یا برای عامّه و آحاد مردم قرار دادند. مجموعه‌های خدماتی، مثل کسانی که رفتند درون خیابان‌ها برای ضدّعفونی کردنِ خیابان یا حتّی نقاطی که مردم به آن‌ها مراجعه می‌کنند. یا مجموعه‌هایی مثل جوان‌هایی که تصمیم گرفتند به افراد مسن کمک کنند، درِ خانه‌های آن‌ها بروند، خریدهای آن‌ها را انجام بدهند. یا آن‌هایی که اجناسی را تهیه کردند و مجّانی به مردم دادند؛ دستکش مجانی، ماسک مجانی. بعضی به کسبه مشکل‌دار کمک کردند؛ اجاره نگرفتند، طلبکاری‌های خودشان را به تأخیر انداختند و از این قبیل خدماتی که انجام گرفت. این‌ها آن زیبایی‌هایی است که در خلال حوادث سخت خودش را نشان می‌دهد؛ ملّت ایران، فضایل خودش را در این مجموعه‌ها و این کارهایی که من به اندکی از آن‌ها اشاره کردم نشان داد. من قلباً و صمیمانه از همه کسانی‌که اشاره کرده و نام بردم تشکّر می‌کنم و مژده می‌دهم که پاداش الهی در انتظار آن‌هاست؛ چه پاداش دنیوی و چه اخروی»[۴].

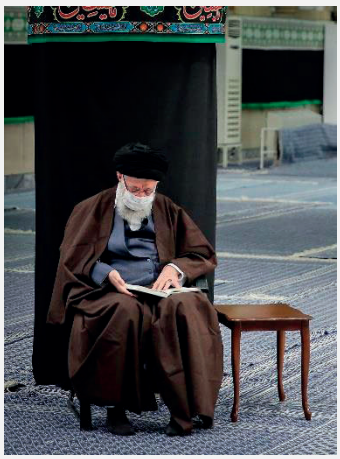
۶. فقط از خدا کمک خواستن

از مصادیق توحید محوری در مواجهه با مشکلات، کمک خواستن از خدای سبحان است. بر همین اساس از سفارشات مقام معظم رهبری در مسأله کرونا توجه خالصانه به درگاه الهی و تضرع و دعاست. ایشان در این باره تأکید دارند که فقط به درِ خانه خدا باید رفت؛ درِ خانه «دیگری» برویم، ناامید بر می‌گردیم؛ دست به طرف «دیگری» غیر از خدا دراز کنیم، دستمان تُهی برخواهد گشت[۵].

ایشان در جایی دیگر با استناد به آیات قرآنی به مسأله دعا و توجه به درگاه الهی اشاره نموده و می‌فرماید: «توسّلات و توجّهات به پروردگار و درخواست کمک الهی امر لازمی است و قرآن کریم به ما دستور می‌دهد: «قُل ما یَعبَؤُا بِکُم رَبّی لَولا دُعاؤُکُم»[۶]؛ در جای دیگری: «وَ اَنیبوا اِلی رَبِّکُم وَ اَسلِموا لَه»[۷]؛ در جای دیگر: «وَ اذکُر رَبَّکَ فی نَفسِکَ تَضَرُّعًا وَخیفَة»[۸]؛ و موارد متعدّدی که ما را دستور می‌دهند در مقابل حوادث گوناگون دست توسّل به سوی خدای متعال دراز کنیم[۹].

بر همین اساس مقام معظم رهبری به خواندن ادعیه‌ای نظیر دعای هفتم صحیفه سجادیه که از دعاهای امام سجاد علیه‌السلام در حوادث غم‌انگیز یا پیش‌آمدهای ناگوار است سفارش فرموده است.

انسان با دقت در مفاهیم والای چنین ادعیه‌ای می‌تواند توحید محوری را در زندگی خویش تقویت سازد. در فرهنگ امام سجاد علیه‌السلام است که می‌آموزیم خدای را چگونه بخوانیم و بگوییم: «أَنْتَ الْمَدْعُوُّ لِلْمُهِمَّاتِ وَ أَنْتَ الْمَفْزَعُ فِي الْمُلِمَّاتِ، لَا يَنْدَفِعُ مِنْهَا إِلَّا مَا دَفَعْتَهُ وَ لَا يَنْكَشِفُ مِنْهَا إِلَّا مَا كَشَفْتَ» تنها تو را در دشواری‌ها می‌خوانند و در بلاهای سخت و دشوار، تنها تو پناهگاهی. بلاهای سخت و دشوار از انسان دور نمی‌شود، مگر آنچه را که تو دور کنی و از گره‌های رنج‌آور، چیزی گشوده نمی‌شود، مگر آنچه را تو بگشایی[۱۰].



در چنین مکتبی است که انسان فقط از خدا طلب یاری می‌کند و خدای را چنین می‌خواند: «وَ افْتَحْ لِي يَا رَبِّ بَابَ الْفَرَجِ بِطَوْلِكَ وَ اكْسِرْ عَنِّي سُلْطَانَ الْهَمِّ بِحَوْلِكَ وَ أَنِلْنِي حُسْنَ النَّظَرِ فِيمَا شَكَوْتُ وَ أَذِقْنِي حَلَاوَةَ الصُّنْعِ فِيمَا سَأَلْتُ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَ فَرَجاً هَنِيئاً وَ اجْعَلْ لِي مِنْ عِنْدِكَ مَخْرَجاً وَحِيّاً» پس بر محمّد و آلش درود فرست، ای پروردگارم! به توان و توانایی‌ات درِ گشایش و فرج را به روی من باز کن و به چاره سازی‌ات، تسلّط غم و اندوه را از من بشکن و مرا در موردی که از آن شکایت دارم به تأمل و تدبّر نیک برسان؛ و در آنچه از تو درخواست می‌کنم، شیرینی اجابت را بچشان و از جانب خودت، رحمت و گشایشی گوارا به من ببخش و برای من از نزد خود، راه نجاتی سریع قرار بده»[۱۱].

پی‌نوشت‌ها:

۱ . مجادله: ۴.
۲ . ممتحنه:۶.
۳ . عنکبوت:۲.
۴ . طباطبایی، المیزان، ج ۱۶، ص ۹۹.
۵ . سخنرانی نوروزی خطاب به ملت ایران ۹۹/۰۱/۱.
۶ . پیام نوروزی به مناسبت آغاز سال ۱۳۹۹.
۷ . همان.
https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۴۵۲۷۱
۸ . صحیفه سجادیه، دعای هفتم.
۹ . پیام نوروزی به مناسبت آغاز سال ۱۳۹۹شمسی
۱۰ . معارج: ۱۹ و ۲۰.
۱۱ . بقره : ۱۵۶.
۱۲ . طباطبایی، المیزان، ج ۱، ص ۳۵۳.
۱۳ . سخنرانی نوروزی خطاب به ملت ایران ۹۹/۰۱/۳.
۱۴ . بقره: ۱۵۷.
۱۵ . بیانات پس از کاشت نهال در آستانه روز درختکاری ۹۸/۱۲/۱۳.
۱۶ . پیام نوروزی به مناسبت آغاز سال ۱۳۹۹شمسی .
۱۷ . پیام نوروزی به مناسبت آغاز سال ۱۳۹۹شمسی.
۱۸ . فرقان:۷۷.
۱۹ . زمر:۵۴.
۲۰ . اعراف:۲۰۶.
۲۱ . بیانات پس از کاشت نهال در آستانه روز درختکاری ۹۸/۱۲/۱۳.
۲۲ . صحیفه سجادیه، دعای هفتم.
۲۳ . همان.



تأملی در «بلا»

از نگاه دین و دنیا



استاد محمدعلی مجد فقیهی
عضو هیئت علمی دانشگاه معارف اسلامی

درآمد

وقتی زندگیِ آرام یا آرامشِ زندگی با طوفان حوادث ناگوار و بلایا متلاطم می‌شود، بشر با دوگونه سؤال ذهنی مواجه می‌شود؛

۱. بلاست: چرا دنیا پر از رنج و بلا است؟

۲. چگونگی برون رفت از این بلاها: چه کنیم تا گرفتار بلاها نشویم؟ اگر گرفتار شدیم چگونه از آن‌ها و آثار ناخوشایندشان رهایی یابیم تا بلا در درون ما تأثیر مخرب و منفی نداشته باشد؟

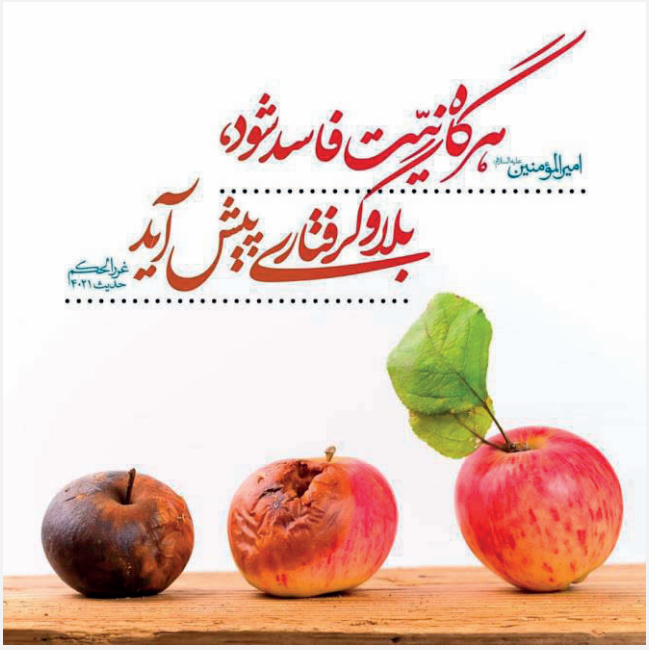
اگر فلسفه زندگی را بدانیم پاسخ بسیاری سؤالات برای ما روشن خواهد شد. ما برای چه به دنیا آمده‌ایم؟ به دنیا آمدیم تا خوب باشیم یا خوش؟ خدا در قرآن می‌فرماید: «الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا». خداوند مرگ و زندگی را آفرید تا امتحانمان کند کدامین ما عملمان را نیکوتر و زیباتر انجام می‌دهیم. پس فلسفه زندگی، خوب شدن است نه خوش بودن! طبیعتاً وقتی از این زاویه نگاه کنیم تحلیل خوبی هم در مورد ابتلائات دنیا می‌توانیم داشته باشیم. اگر مبنای ما این باشد که در دنیا خوش باشیم در نتیجه از مسئولیت‌ها و تکلیف‌ها غافل می‌شویم. کسانی که در پی خوش‌گذرانی در دنیا هستند و لذت‌گرایی آرزویشان است شکار لذت می‌شوند؛ لذا آرامش باطنی و اطمینان یک مؤمن را ندارد و فرصت عمر را هدر داده و به رنجی ابدی خود را گرفتار می‌کنند. ولی با خوب بودن انسان در درونش نهایت خوشی را دارد، در دنیا احساس آرامش دارد و در آخرت نیز به خوشی و خوبی جاودانه می‌شود؛ چون خداوند در قرآن می‌فرماید:

«إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ وَ أَقامُواالصَّلاةَ وَ آتَوُاالزَّكاةَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَ لا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لا هُمْ يَحْزَنُونَ» همانا کسانی‌که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام دادند(یعنی خوب بودند)... نه ترسی بر آن‌هاست و نه اندوهی در آن‌ها ادامه پیدا می‌کند. این چیزی است که هیچ دانشی از دانش‌های بشری نمی‌تواند این اثر را بر انسان ایجاد کند. تنها فرمول رسیدن به مقامِ لا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لا هُمْ يَحْزَنُون، ایمان و عمل صالح است. در واقع انسان‌هایی که به سوی خوب شدن حرکت می‌کنند در نهایت آرامش هستند.

امام هادی علیه‌السلام می‌فرماید: «إِنَّ اللهَ جَعَلَ الدُّنْيَا دَارَ بَلْوَى وَ الْآخِرَةَ دَارَ عُقْبَى وَ جَعَلَ بَلْوَى الدُّنْيَا لِثَوَابِ الْآخِرَةِ سَبَباً وَ ثَوَابَ الْآخِرَةِ مِنْ بَلْوَى الدُّنْيَا عِوَضاً» خدا دنیا را سرای بلوا و آخرت را سرای عقبا قرار داده و این ابتلائات دنیا سبب پاداش اخروی است و پاداش اخروی عوض و اجر این بلاهای دنیاست. پس حکمت این ابتلائات این است که زمینه‌ساز دستیابی انسان به پاداشی ابدی است، رنجی کوتاه برای رسیدن به لذت و آسایش و آرامشی ابدی!

امام علی علیه‌السلام در مورد متقین می‌فرماید: «صَبَرُوا أَيَّاماً قَصِيرَةً أَعْقَبَتْهُمْ رَاحَةً طَوِيلَةً» ایام کوتاهی را صبر کردند و پیامدش این شد که راحتی و آسایش طولانی سراغ آن‌ها آمد.

امام علی علیه‌السلام در صفات متقین می‌فرماید: «نُزِّلَتْ أَنْفُسُهُمْ مِنْهُمْ فِي الْبَلَاءِ كَالَّتِي نُزِّلَتْ فِي الرَّخَاءِ» یعنی در شرایط ناخوشایند



همانگونه هستند که در شرایط خوشایند بودند. در طوفان بلاها دارای وقارند؛ یعنی عقاید و حالات و احساسات و رفتارشان متزلزل نمی‌شود. هم در آسایش شاکرند و هم در میانه بلاها صبر را با شکر می‌آمیزند، هر دو حالت و وضعیت را تبدیل به بهترین فرصت‌ها برای آخرت خودشان می‌کنند و در عین حال در آرامش کامل به سر می‌برند. علم‌گرایی و عقل‌گرایی و معنویت‌گرایی و خیرگرایی آن‌ها در شرایط بلا متوقف نمی‌شود. اگر انسان بلا و آسایش را از ناحیه خدا ببیند در هیچ شرایطی متزلزل نمی‌شود.

دنیا جایگاه بلا

زندگی دنیا همانگونه که در تعبیر امیرالمؤمنین علیه‌السلام آمده است؛ «دَارٌ بِالْبَلَاءِ مَحْفُوفَةٌ وَبِالْغَدْرِ مَعْرُوفَةٌ لا تَدُومُ أَحْوَالُهَا وَلَا يَسْلَمُ نُزَّالُهَا»[۶]. دنیا سرایی پر از بلا و بلاخیز است و به غدر و نیرنگ معروف و شناخته شده است. احوالش دوام ندارد(حال خوش و ناخوش آن دوام ندارد) و کسانی‌که در دنیا زندگی می‌کنند، از این دگرگونی‌ها در امان نیستند. روزی جوان هستند قطعاً پیر خواهند شد، سالم هستند بیماری سراغشان می‌آید. روزی باید از دلبستگی‌ها دل بکنند.

گونه‌های بلا

بلاهایی که در این دنیا وجود دارد به دو دسته قابل تقسیم است:

اول بلاهای عام؛ که برای همه انسان‌ها وجود دارد و هیچ انسانی نمی‌تواند در معرض آن‌ها قرار نگیرد؛ «وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ». ما حتماً شما را با ترس و گرسنگی و فقر و کاهش مال و کاهش نفس، مثلا جوانی تبدیل به پیری شود یا مصیبتی بیاید و یا به عزیزان انسان مصیبت یا بیماری وارد شود، امتحان می‌کنیم. در آخر می‌فرماید، «وَ بَشِّرِ الصَّابِرِين»، بشارت باد بر کسانی‌که بر این بلاها صبر می‌کنند. در این آیه واکنش ما در برابر بلاهای عام را تعبیر به صبر می‌کند.

دوم بلاهای خاص؛ بلاهایی است که بر اهل ایمان وارد می‌شود؛ «أَحَسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لا يُفْتَنُونَ وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ» آیا مردم گمان می‌کنند همین که بگویند ایمان آوردیم رها می‌شوند و آن‌ها را آزمایش نمی‌کنیم؟ (اینگونه نیست) ما قبلی‌ها را هم امتحان کردیم، آن‌ها را به بلا گرفتار کردیم برای این‌که بفهمیم چه کسانی صادق، و چه کسانی کاذبند. این بلا و ابتلای خاصی است، چون قبلی‌ها را هم بیان می‌کند، و آن ابتلای امت اسلامی است به این که باید در برابر امر الهی تسلیم شوند و بیان است از اینکه پس از پیامبر دچار ارتداد نشوند و از امام به حق او جدا نگردند. در بلاهای عام صابر بودن و در بلای خاص صادق بودن مورد سنجش قرار می‌گیرد.

نعمت هم نوعی بلاست

همانگونه که خوشی‌ها که در ظاهر لذت و آرامش هستند در باطنشان چه قرار دارد؟ این را انسان باید تحلیل کند. نعمت‌ها هم نوعی بلا و ابتلاست اما چون سطح ظاهر نعمت بسیار خوش و همراه با آرامش و آسایش هست فرد این را درک نمی‌کند که بلاست. اما خداوند در قرآن می‌فرماید: «أَيَحْسَبُونَ أَنَّمَا نُمِدُّهُم بِهِ مِن مَّالٍ وَبَنِينَ نُسَارِعُ لَهُمْ فِي الْخَيْرَاتِ بَل لَّا يَشْعُرُونَ» گمان نکنید کسانی‌که به آن‌ها ثروت و فرزند دادیم (در آن‌ها توسعه ایجاد می‌کنیم) خیرات به آن‌ها سرازیر می‌کنیم. اینگونه نیست، آن‌ها باید در نعمت هم توجه کنند که در حال آزمون هستند. در جای دیگر می‌فرماید: «إِنَّ الْإِنسانَ لَيَطْغى أَنْ رَآهُ اسْتَغْنى»[۱]. خیلی‌ها در نعمت دچار طغیان و سرکشی، دچار حرص و بخل و بسیاری از امور هلاک کننده می‌شوند. شهوت و قدرت و ثروت که در دید بعضی سه نعمت دنیایی هستند، بستری برای ابتلا هستند لذا از این‌ها هم صفات رذیله و هم صفات فضیلت و ارزشمند می‌جوشد و تابع این است که من با این‌ها چگونه برخورد می‌کنم.

بلاها در درون خودشان نعمت هستند. امام حسن عسگری علیه‌السلام می‌فرماید: «ما مِن بَلِيَّةٍ إلاّ و للهِ فيها نِعمَةٌ تُحيطُ بِها»[۱]. هیچ بلیه‌ای نیست مگر اینکه در آن نعمتی وجود دارد.

اسرار بلا در دنیا

اولین نکته: دنیا مضطرب قرار داده شده است، تا انسان به این دنیا دل نبندد. اگر انسان موقعیت‌های دنیایی دارد، ثروت و قدرت و زیبایی و... دارد، با داشتن تمام این‌ها، نباید اسیرشان شود بلکه باید امیرشان باشد و به این‌ها دل نبندد!

امام جعفرصادق علیه‌السلام می‌فرماید: «عَجَبٌ لِمَنْ يَرَى الدُّنْيَا وَ تَصَرُّفَ أَهْلِهَا حَالًا بَعْدَ حَالٍ كَيْفَ يَطْمَئِنُّ إِلَيْهَا»[1] عجب دارم از کسی‌که دنیا و دگرگونی مردم دنیا را مشاهده می‌کند چگونه به دنیا دل می‌بندد و می‌خواهد آرامش خاطر به دست بیاورد! انسان باید به خدا دل ببندد و با او به آرامش برسد. خدا در قرآن می‌فرماید:« أَلاَ بِذِكْرِ اللهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»[2] جار و مجرور مقدم شده که افاده حصر می‌کند، یعنی فقط یاد خدا دل‌ها را آرام می‌کند. هیچ چیزی در عالم به انسان آرامش نمی‌دهد، چون موقت هست و دوام ندارد و همه این‌ها روزی از انسان گرفته خواهد شد. اگر انسان در دام لذت‌های دنیا بیفتد اسیر می‌شود در نتیجه رنج‌ها و بلاها می‌آید که انسان در این دنیا بسیار آزار ببیند و به دنیا دل نبندد و دنیا را مایه آرامش نداند بلکه تنها خدا را مایه آرامش خودش بداند.

حضرت علی علیه‌السلام مثلثی را ترسیم می‌کند؛ أمل(آرزو)، عمل و أجل(مدت عمر). اگر فرد به أجل(زمان پایانی عمر انسان) نگاه کند یعنی به محدودیت عمرش توجه نماید دو اتفاق خوب برایش می‌افتد: اول این‌که آرزوهایش را مدیریت می‌کند، دوم این که تلاش می‌کند عمل صالح انجام دهد. با این درک از محدود بودن عمر و این‌که جاودانه نیست، عمرش را فرصت‌گاه می‌بیند نه تفرج‌گاه، دنیا را دار تکلیف می‌بیند نه دار تفریح؛ در نتیجه خیرگرا و از شر گریزان می‌شود. توجه به بلا و محدودیت دنیا ممکن است در مسیر زندگی ما تغییر ایجاد کند.

دومین نکته: دنیا محدود است، ولی انسان از این محدودیت زمانی غافل و احساس جاودانگی در دنیا می‌کند؛ و بلا نقش غفلت‌زدایی دارد. زرق و برق دنیا انسان‌ها را از مسئولیت‌ها و تکلیف‌ها و از پدیده قطعی مرگ غافل می‌کند؛ این بلاها به انسان این هشدار را می‌دهد که به مرگ توجه کند. این بلاها فرد را در آستانه این خطر قرار می‌دهد که می‌خواهند موقعیت‌های خوب زندگی را از او بگیرند و فرد در رنجی قرار بگیرد که گاه ممکن است به مرگ منتهی شود. قرار گرفتن انسان در آستانه این رنج‌ها باعث می‌شود جدی‌تر به پدیده مرگ فکر کند.

حضرت علی علیه‌السلام مثلثی را ترسیم می‌کند؛ أمل(آرزو)، عمل و أجل(مدت عمر). اگر فرد به أجل(زمان پایانی عمر انسان) نگاه کند یعنی به محدودیت عمرش توجه کند دو اتفاق خوب برایش می‌افتد: اول این‌که آرزوهای خودش را مدیریت می‌کند؛ یعنی در این فرصت محدود باید چه آرزوهایی را در سر بپرورانم تا برایم مفید و ماندگار و قابل دسترس باشند! اتفاق دوم این است که تلاش می‌کند عمل صالح انجام دهد. با این درک از محدود بودن عمر و این‌که جاودانه نیست، عمرش را فرصت‌گاه می‌بیند نه تفرج‌گاه، دنیا را دار تکلیف می‌بیند نه دار تفریح؛ در نتیجه خیرگرا و از شر گریزان می‌شود. توجه به بلا و محدودیت دنیا ممکن است در مسیر زندگی ما تغییر ایجاد کند.

سومین نکته: این است که در بلاها انس انسان با خدا بیشتر و خداشناسی او قوی‌تر می‌شود. در بلاها به انسان فهمانده می‌شود که چقدر عاجز است و قدرت قاهره الهی را در بلاها متوجه خواهد شد. بلاها زمینه‌ساز است که انسان به خودش توجه کرده و خودسازی کند و متوجه خدای خودش شود و بداند که تمام آنچه در دنیا در جریان است گذراست و به آن‌ها دل نبندد. خدا در عین حال که دارای صفات جمال است، صفات جلال هم دارد. در این بلاها انسان متوجه قدرت قاهر خدا و عجز خودش می‌شود. انسان موجودی است که وقتی در موقعیت نعمت قرار می‌گیرد متکبر می‌شود، احساس استغنا و بی‌نیازی و طغیان می‌کند تا جایی که خودش را خدا تصور می‌کند؛ «أَنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلَى»[3] با بلاها و امواج طوفانی انسان متوجه می‌شود که چقدر عاجز است و در برابر خدا فقر محض است لذا زمینه پناه بردن به خداوند برای او فراهم می‌شود و می‌فهمد قدرت، قدرت الهی است و برای خودش قدرتی در برابر خدا قائل نمی‌شود.

امام علی علیه‌السلام در نامه به مالک اشتر می‌فرماید: «وَإِذَا أَحْدَثَ لَكَ مَا أَنْتَ فِيهِ مِنْ سُلْطَانِكَ أُبَّهَةً أَوْ مَخِيلَةً فَانْظُرْ إِلَى عِظَمِ مُلْكِ اللهِ»[4] اگر این مقامی که داری در تو عظمت یا خودبینی و غروری ایجاد کرد به عظمت ملک الهی در بالای سرت توجه کن! عظمت

خود خدا که برای ما قابل فهم نیست، پس عظمت هستی را بنگر، عقل رفته تو باز خواهد گشت! انسان وقتی توجه کند و بداند قدرت دست خداست و عظمت مال خداست، خودش را در پیشگاه خدا کوچک می‌بیند. این بلاها برای انسان درس توحید می‌آورد و انسان را با خدای خویش آشناتر و نزدیک‌تر می‌کند و انس بیشتری به او نسبت به خدا می‌دهد.

راه برون رفت از بلا و آثار مخرب آن

سئوال دوم این بود که چگونه از بلا و آثار مخرب آن نجات یابیم؟ قرآن می‌فرماید: «أَخَذْنا أَهْلَها بِالْبَأْساءِ وَ الضَّرّاءِ لَعَلَّهُمْ يَضَّرَّعُونَ»[۶] ما اهل آن قریه را به حالت‌های ناراحت کننده و رنج‌آوری می‌گیریم شاید تضرع کنند؛ یعنی به دامن خدا برگردند. یکی از مطالبی که در بلاها و سختی‌ها انسان‌ها متوجه آن می‌شوند، دعا و روی آوردی به سوی خداست؛ به مخصوص جایی که همه سبب‌ها قطع می‌شود و هیچ چیزی نمی‌تواند پاسخ دهد، مثلاً دارویی برای فلان بیماری وجود ندارد!

یکی از نعمت‌هایی که در درون این بلاهاست، نعمت ارتباط با خداست. اگر نگاه توحیدی برای انسان پدید بیاید و دست به دعا ببرد و با خدا انس پیدا کند، می‌بیند که خداوند انس از هر وحشتی است.

نگاه به دعا در این شرایط دوگونه است؛ گاهی نگاه طریقیتی به دعاست، گاهی نگاه موضوعیتی. طریقیت یعنی افرادی که دچار بلا شده‌اند باید دعا کنند که بلا از بین برود. امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: «وَ ايمُ‌اللهِ مَا كَانَ قومٌ قطُّ فِي غَضِّ نِعمَةٍ مِن عَيشٍ فَزَالَ عَنهُم إلّا بِذُنُوبٍ اجتَرَحُوهَا لأَنَّ اللهَ لَيسَ بِظلّامٍ لِلعَبِيدِ وَ لَو أَنَّ النّاسَ حِينَ تَنزُلُ بِهِم النِقَم و تَزُولَ عَنهُم النِّعَم فَزَعُوا إِلَى رَبِّهِم بِصِدقٍ مِن نِياتِهِم وَ وَلَهٍ مِن قُلُوبِهِم لَرَدَّ عَلَيهِم كُلَّ شَارِدٍ وَ أَصلَحَ لَهُم كُلَّ فاسِدٍ»[۷] به خدا سوگند که هیچ قومی در نعمت گوارا و تازه‌ای از زندگی دنیا نبودند که آن نعمت از آن‌ها زائل شد، مگر این‌که علت زوال نعمت گناهانی بوده است که انجام داده‌اند، چون خداوند به شده به پروردگار فزع کنند، به دامن خدا پناه ببرند، به شرط این‌که با صدق نیت و با شوق و محبت قلبی به درگاه خدا بروند، هر نعمتی برمی‌گردد و هر فاسدی اصلاح خواهد شد.

نقش دعا این است که خداوند یا از طریق اسباب، سببی را فراهم می‌کند، تا بلا را دفع کند، مثلاً دانشمندی پیدا شود و دارو را کشف کند و این بیماری مرتفع شود یا به طریق معجزه‌آسایی خدا بلا را برطرف می‌سازد. این نقش طریقیتی دعاست. پس در زمان بلا انسان باید به خدا پناه ببرد و تنها نجات‌بخش همین است. البته در یکی از دعاها امام سجاد علیه‌السلام می‌فرماید: «خدایا مرا از کسانی قرار نده که در بلا و مصیبت و اضطرار به تو روی می‌آورند و دعا می‌کنند»[۸] یعنی انسان باید در همه حال اهل دعا و ارتباط با خدا باشد. در روایات داریم که «به وسیله امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف بلا از زمین برطرف می‌شود»[۹]. پس ما باید رابطه‌مان با امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف را تقویت کنیم.

نگاه موضوعیتی؛ دعا کردن یک نوع آرامش است و کسانی که در بلا گرفتارند علاوه بر رنجی که بر آن‌ها وارد می‌شود دچار اضطراب و ترس هم می‌شوند. چیزی نمی‌تواند این‌ها را آرامش دهد جز دعا و ارتباط با خدا. پس دعا در این شرایط نقش آرام‌بخش برای این‌ها دارد. قلب انسان در دنیا مشغول است وقتی بلا می‌آید از دنیا انصراف پیدا می‌کند و متوجه خدا می‌شود و طعم انس با خدا را می‌چشد. اینجا خود دعا و همین که انسان با خدا ارتباط برقرار کند برای وی مضوعیت پیدا می‌کند.

نگاه به دعا در این شرایط دوگونه است؛ گاهی نگاه طریقیتی به دعاست، گاهی نگاه موضوعیتی. طریقیت یعنی افرادی که دچار بلا شده‌اند باید دعا کنند که بلا از بین برود. نگاه موضوعیتی به دعا این است که دعا یک نوع آرامش است و کسانی‌که در بلا گرفتارند علاوه بر رنجی که بر آن‌ها وارد می‌شود دچار اضطراب و ترس هم می‌شوند. چیزی نمی‌تواند این‌ها را آرامش دهد جز دعا و ارتباط با خدا. پس دعا در این شرایط نقش آرام‌بخش برای این‌ها دارد. نقش دعا این است که خداوند یا از طریق اسباب، سببی را فراهم می‌کند، تا بلا را دفع کند، مثلاً دانشمندی پیدا شود و دارو را کشف کند و این بیماری مرتفع شود یا به طریق معجزه‌آسایی خدا بلا را برطرف می‌سازد. این نقش طریقیتی دعاست.

پنجمین نکته: بلاهایی که در بیرون سراغ انسان می‌آید نوعی آیه هست؛ همه عالم هستی آیه و نشانه است. آیه بودن یعنی یک پیامی دارد. بلاها پیامی برای ما دارند و حکایت از نکته‌ای می‌کنند. دو نوع بلا داریم که یکی از آن‌ها خطرناک‌تر از دیگری است؛ بلای درونی انسان از بلای بیرونی خطرناک‌تر و بلای اخروی از بلای دنیوی خطرناک‌تر است. وقتی یک ویروس تن ما را مورد

هجمه قرار می‌دهد، یا یک دشمن تن ما را مورد هجمه قرار می‌دهد ولی به جان ما نمی‌تواند آسیبی بزند. در این بلا تن ما در معرض خطر است که ما می‌لرزیم و می‌ترسیم و می‌خواهیم به هر نحوی این بلا را از خودمان دفع کنیم. اسم این بلاهای بیرونی و دنیایی، طَوَارِقَ اللَّیْلِ وَ النَّهَار است. طوارق جمع طارق، یعنی کوبنده‌های شب و روز. این حوادث سخت و کوبنده شب و روز است. اما توجه کنیم که یک‌سری ویروس‌ها و بلاهای درونی داریم که کوبنده حقیقت انسانی است و وجود انسان را نابود می‌کند؛ مثل شک، شرک، کبر و عجب. امام علی علیه‌السلام در این زمینه می‌فرماید: «إنَّ مِن البَلاءِ الفاقه وَ أشَدُّ مِن ذَلِکَ مرضُ البَدَن وَ أشَدُّ مِن ذلِکَ مَرضُ القَلب»[۲] همانا یکی از بلاها فقر است و سخت‌تر از بلای فقر بیماری بدن است (چون فرد وقتی بیمار شد حاضر است تمام اموالش را بدهد تا سالم شود، پس بلای مریضی بدتر از بلای بی‌پولی است) اما از این‌ها شدیدتر و سخت‌تر بیماری قلب است. بیماری است که رذایل اخلاقی را در وجود انسان پیاده می‌کند. حضرت امیر علیه‌السلام تعبیر عجیبی دارد که می‌فرماید: «إستَعیذُوا بِاللهِ مِن لِوَاقِعِ الکِبَر کَما تَستَعیذُونَه مِن طَوارِقِ الدَّهر»[۲] همان‌گونه که از کوبنده‌های روزگار و طوارق و بلاهای روزگار(مثل بیماری و زلزله و سیل و... که بلاهای دنیایی و بیرونی هستند) به خدا پناه می‌برید، از تولیدات تکبر(بلاهای درونی) هم به خدا پناه ببرید. این بلا خطرناک‌تر است. فقیر ممکن است یک‌روزه غنی شود، بیمار ممکن است خوب شود؛ اما بخیل به این راحتی کریم نمی‌شود، بد خلق به راحتی خوش خلق نمی‌شود! ما هیچ‌گاه در دعاها و تضرعاتمان چنین حسی نسبت به بلاهای درونی خودمان نداریم؛ این‌که از این بلاهای درونی به خدا پناه ببریم و از خدا بخواهیم که این‌ها را برطرف کند و بلای بزرگ‌تر که بلای آخرتی است.

در دعای کمیل آمده است؛ «عَلَی أنَّ ذَلِکَ بلاءٌ وَ مَکرُوهٌ قَلیلٌ مَکثُه یَسِیرٌ بَقائُه قَصیرٌ مُدَته فَکیفَ اِحتِمالی لِبَلاءِ الآخِره ... وَ هُو بَلاءٌ تَطُولُ مُدَتُه وَ یَدُومُ مَقامهُ وَ لا یُخَفَّفُ عَن أهلِه»، بلای دنیا می‌گذرد و سختی آن کوتاه است اما بلای آخرت دوام‌دار و طولانی است.



بلاهای بیرونی و دنیایی به ما توجه می‌دهد که به بلاهای گریز ناپذیر و ماندگار و درونی و اخروی توجه کنیم. پس یکی از پیام‌ها و حکایت‌های بلاها و رنج‌های دنیا این هست که انسان طعم رنج را بچشد و از رنج‌های دائمی و درونی که خطرناک‌ترند به خدا پناه ببرد و از آن‌ها بگریزد.

پی‌نوشت‌ها:

۱. ملک:۲.

۲. بقره :۲۷۷.

۳. بحارالأنوار، ج۷۵، ص۳۶۵، ح۱.

۴. نهج‌البلاغه خطبه همام.

۵. نهج‌البلاغه، خطبه ۱۹۳.

۶. نهج‌البلاغه، خطبه ۲۲۶.

۷. بقره: ۱۵۵.

۸. عنکبوت: ۲و۳.

۹. مؤمنون : ۵۵و ۵۶.

۱۰. علق: ۶ و۷.

۱۱. بحارالأنوار، ج۷۵، ص۳۷۴.

۱۲. بحارالأنوار، ج۱۳، ص ۲۸.

۱۳. رعد :۲۸.

۱۴. نازعات: ۲۴.

۱۵. نهج‌البلاغه، نامه ۵۳.

۱۶. اعراف: ۹۴.

۱۷. نهج‌البلاغه، خطبه ۱۷۸.

۱۸. صحیفه سجادیه، دعای۲۱.

۱۹. «بِهِ یَدْفَعُ الْبَلَاءَ عَنْ أَهْلِ الْأَرْضِ». بحارالأنوار، ج۵۲، ص ۲۴.

۲۰. بحار الانوار ، ج ۶۷ ص۵۱.

۲۱. نهج‌البلاغه، خطبه ۱۹۲.



نگاهی به پدیده کرونا

با تامل در آیات و روایات



دکتر علی‌رضا کمالی
مدیر گروه پژوهشی معارف قرآن و حدیث دانشگاه معارف اسلامی

درآمد

دنیا در پایان قرن چهارده شمسی شاهد تحولی عظیم است و ویروسی به ظاهر بسیار کوچک و بی‌مقدار به‌شدت اوضاع جهان را تکان می‌دهد. ویروس کووید ۱۹ که به کرونا مشهور گشت، کمتر از یک‌سال است که تمام نقاط کره خاکی را در نوردیده و افزون بر تلفات انسانی، خسارات بی‌شماری را در عرصه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی پدید آورده است. تاریخ تاکنون چنین اپیدمی که به‌سرعت قابل انتقال باشد و میزان خسارات آن چنین فزاینده باشد، به خود ندیده است.

کرونا، آزمونی عمومی

خدای متعال، حکیم است و جهان هستی را بر پایه حکمت آفریده است. همچنین خدای متعال قدرت، اختیار و اراده را در وجود انسان نهاده و مصائب و سختی‌ها را لازمه نظام احسن قرار داده و جهان بدون سختی‌ها، مشکلات و امتحان‌ها مکانی مناسب برای تکامل برآمده از اختیار و اراده نیست. از این‌رو ابتلاءها و مصائب بر اساس حکمت است و جوهر کمال انسان در مسیر این بلایا و سختی‌ها شکوفا می‌شود.

سلامتی، بیماری، فقر و رفاه از جمله ابتلائاتی است که هر انسانی با آن مواجه می‌شود؛ حتی انبیاء، امامان و اولیای الهی نیز از این قاعده و سنت الهی مستثنا نیستند. فقر و بیماری حضرت ایوب علیه‌السلام، غم و اندوه حضرت یعقوب علیه‌السلام در فراق یوسف علیه‌السلام، ابتلائات پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله در طول مدت رسالت، رنج فراوان امیرمومنان علیه‌السلام در طی ۲۵ سال پس از رحلت پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله و مصیبت جانکاه

قیام کربلا ـ که بر سیدالشهداء علیه‌السلام و اهل‌بیت و یاران او وارد شد و امام حسن مجتبی علیه‌السلام در پیش‌گویی از این مصیبت فرمود: «لَا یَوْمَ کَیَوْمِكَ یَا أَبَا عَبْدِ اللهِ علیه‌السلام» را می‌توان نمونه‌های بارز آن دانست.

سنت الهی بیانگر آن است که آدمیان همواره در معرض آزمایش‌های الهی قرار دارند، چنانکه بر پایه آیات قرآن کریم خداوند گاهی انسان‌ها را به‌وسیله ترس، گرسنگی و کاهش اموال و جان‌ها می‌آزماید: «وَ لَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَیْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَ الْجُوعِ وَ نَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَ الْأَنْفُسِ وَ الثَّمَرَاتِ ...»[۲]. کرونا در طول مدت شیوع خود توانسته است تمام آنچه در این آیه شریفه ذیل واژه «مِن» به آن اشارت رفته است را به منصه ظهور بنشاند؛ چرا که با شیوع این ویروس ترس بر اغلب مردم جهان حاکم گشت، حتی آن‌هایی که در ظاهر وانمود می‌کنند که هیچ هراسی از کرونا ندارند، هنگام بروز آثار ابتلا به کرونا و مثبت شدن تست آن، گاه ترس از کرونا چنان بر جان آن‌ها مستولی می‌گردد که جانشان را از ترس، به جان آفرین تسلیم می‌کنند. از این‌رو اگر آمار کسانی‌که بیماری‌شان از ترس کرونا تشدید شد و به وضعیت وخیم رسید یا جانشان را به این سبب از دست دادند، ارائه گردد، آماری بس قابل‌توجه خواهد بود.

کرونا باعث گرسنگی عده‌ای از مردم شد؛ افراد زیادی از جامعه به‌واسطه شیوع این بیماری، بیکار یا ورشکسته شدند و سفره خانه آنان از غذا تهی گشت.

کرونا موجب کاهش اموال بخش زیادی از مردم به دلایل مختلف گردید. همچنین مطابق آمار سازمان‌های بهداشتی، کرونا روزانه جان هزاران نفر از مردم را در اقصی نقاط جهان می‌گیرد. همچنین این ویروس خطرناک باعث کاهش تولیدات باغی، زراعی و صنعتی به شکل فزاینده‌ای شده است.

بنابر این عامل اصلی انتشار این ویروس در جهان هر چه باشد؛ (انسانی و از روی عمد و انسانی به غیرعمد و ...) شیوع این ویروس یک آزمون بزرگ را در کل جهان به اجرا درآورده است. آزمون همیشه ابزاری برای محک زدن افراد است. در آزمون می‌توان میزان راست‌آزمایی مدعیان را سنجید.

سؤال‌های آزمون کرونا، جهانی و فهم آن برای همگان با هر نوع زبان، ملیت، مذهب و نژاد، یکسان است؛ از این‌رو از طریق میزان ابتلا و جان باختن افراد هر جامعه می‌توان شکست یا پیروزی آن جامعه بر کرونا را تجزیه و تحلیل نمود و به‌عنوان معیار در این راستا قرار داد. «غربی‌ها در این آزمون بین‌المللی انصافاً شکست خوردند!... غربی‌ها در این امتحان بزرگی که در همه دنیا- از شرق و غرب- پیش آمد، در چند عرصه شکست خوردند... می‌بینید آمار جان‌باختگان در آمریکا چقدر بالاست، در بعضی از کشورهای اروپایی چقدر بالاست؛ مشکلات گوناگون زندگی در این کشورهایی که از لحاظ ثروت و توانایی‌های گوناگون در سطح خیلی بالایی هم هستند

سلامتی، بیماری، فقر و رفاه از جمله ابتلائاتی است که هر انسانی با آن مواجه می‌شود؛ حتی انبیاء، امامان و اولیای الهی نیز از این قاعده و سنت الهی مستثنا نیستند. سنت الهی بیانگر آن است که آدمیان همواره در معرض آزمایش‌های الهی قرار دارند، چنانکه بر پایه آیات قرآن کریم خداوند گاهی انسان‌ها را به‌وسیله ترس، گرسنگی و کاهش اموال و جان‌ها می‌آزماید: «وَ لَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَیْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَ الْجُوعِ وَ نَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَ الْأَنْفُسِ وَ الثَّمَرَاتِ ... ». کرونا در طول مدت شیوع خود توانسته است تمام آنچه در این آیه شریفه ذیل واژه «مِن» به آن اشارت رفته

امّا این‌ها در زمینه گرفتاری‌های زندگی برای مردم ـ چه بیکاری‌ها، چه ابتلای به بیماری، چه جا پیدا نکردن در بیمارستان‌ها و پشت در بیمارستان خوابیدن ـ مشکلات فراوانی پیدا کردند.»[۳]

کرونا، نشانه قدرت و علم الهی

یکی از پایه‌های قدرت، علم است، از این‌رو هر چه علم بیشتر باشد، قدرت هم فزون‌تر خواهد بود. چنانکه بلوک غرب به واسطه در اختیار گرفتن علم و حفظ آن برای خویش توانسته‌اند برتری خویش را اثبات کنند و به استعمار دیگر کشورها بپردازند.

بر پایه آیات و روایات اسلامی خدای‌متعال از هر آنچه که در جهان هستی ـ با آن عظمت و گستره بزرگش ـ در حال رخ دادن است، آگاهی دارد و هیچ ذره و حرکتی، از دایره علم او خارج نیست. از این‌رو هیچ زبانی قادر به توصیف دقیق علم لایزال الهی نمی‌باشد؛ چنانکه امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: «وَ لا يَصِفُهُ لِسَانٌ لا يَعْزُبُ عَنْهُ عَدَدُ قَطْرِ الْمَاءِ وَ لا نُجُومِ السَّمَاءِ وَ لا سَوَافِي الرِّيحِ فِي الْهَوَاءِ وَ لا دَبِيبُ النَّمْلِ عَلَى الصَّفَا وَ لا مَقِيلُ الذَّرِّ فِي اللَّيْلَةِ الظَّلْمَاءِ يَعْلَمُ مَسَاقِطَ الأَوْرَاقِ وَ خَفِيَّ طَرْفِ الأَحْدَاقِ»[۴] ؛ و هیچ زبانی وصف او نیارد، و از علم او پنهان نیست شمار قطره‌های باران، و نه ستارگان آسمان، و نه آن خاکریزه‌ها که باد با خود به هوا بردارد، و نه موری که بر سنگی صاف پای گذارد، و نه آرام جای مورچه‌ای خرد و باریك در شبی سیاه و تاریك. می‌داند جای افتادن برگ‌های درختان را و آهسته باز و بسته شدن دیدگان را.

کرونا با جثه بسیار ریزش، نمایشی از قدرت خدای متعال را به نمایش گذارده است؛ چرا که این ویروس توانایی جهان غرب که یکه‌تاز میدان علم و تکنولوژی است و غرور علمی سراپای او را فراگرفته را به چالش کشاند. این ویروس تمام عالم را درگیر خود ساخت و همگان را مبهوت و مغلوب خود گرداند و نزدیک به یک‌سال است که عجز و ناتوانی ابرقدرت‌های علمی و اقتصادی جهان در دستیابی به ساخت واکسن برای پیشگیری از ابتلا به آن و دارو برای درمان قطعی مبتلایان را بر همگان آشکار ساخته است.

بحران کرونا، صحنه عقلانیت دینی مسلمانان است. این امر نشان‌دهنده آن است که دین برای جان مردم ارزش زیادی قائل است به حدی که حتی همه مناسک خود یا بخش اعظم آن را تعطیل می‌کند. تعطیلی نمازجمعه و جماعات، تعطیلی زیارت اماکن مقدسه و تجمات مذهبی و اتفاقاتی از این قبیل نمونه‌هایی از عملکرد دین در حیطه حفظ جان مردم است که در این دوره اتفاق افتاده است. طبیعی است چنین تدابیری بدون نظر بزرگان نظام و مراجع بزرگوار نمی‌توانست رخ دهد. حتی رهبری فراتر از آن توجه به نگاه کارشناسی در این باره را حسنه و بی‌توجهی به آن را سیئه دانست.

بحران کرونا، صحنه عقلانیت دینی مسلمانان

یکی از منابع احکام شریعت اسلام، «عقل» است. همان‌گونه که ما برای بازشناسی احکام الهی از آیات قرآن و سنت معصومان علیهم‌السلام بهره‌مند می‌شویم، از عقل و دستاوردهای آن نیز در این مسیر استفاده می‌کنیم. یعنی هرچه را که عقل با تحقیق عاقلانه و معتبر به آن برسد، دین از آن استفاده می‌کند، به نحوی که قاعده «کلما حکم به الشرع حکم به العقل و کلما حکم به العقل حکم به الشرع» در لسان اصولیان وضع گردیده است. بر این پایه عقلانیت در دین مبین اسلام موج می‌زند. بر همین اساس است که جهت پیشگیری از شیوع کرونا در میان مردم، مناسک و برنامه‌های دینی که گاه با حضور میلیون‌ها نفر از مسلمانان برگزار می‌گردد، برای نخستین بار در تاریخ تعطیل شد.

این امر نشان‌دهنده آن است که دین برای جان مردم ارزش زیادی قائل است به حدی که حتی همه مناسک یا بخش اعظم آن را تعطیل می‌کند. تعطیلی نمازجمعه و جماعات، تعطیلی زیارت اماکن مقدسه و تجمات مذهبی و اتفاقاتی از این قبیل نمونه‌هایی از عملکرد دین در حیطه حفظ جان مردم است که در این دوره اتفاق افتاده است. مواردی از این قبیل تاکنون در طول دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی به جز این دوره تحت هیچ شرایطی وجود نداشته است. حتی در دوران دفاع مقدس و حملات موشکی نیز با اتفاقی مانند تعطیلی نمازجمعه یا جماعات مواجه نبوده‌ایم.

طبیعی است چنین تدابیری بدون نظر بزرگان نظام و مراجع بزرگوار نمی‌توانست رخ دهد. در حقیقت نظرات مرجعیت شیعی و رهبر انقلاب اسلامی به خصوص تأکیدات ایشان بر اجرای دستورات کارشناسی و توجه به نظرات متخصصان باعث شد چنین تصمیماتی برای حفظ جان مردم اتخاذ گردد. حتی رهبری فراتر از آن توجه به نگاه کارشناسی در این باره را حسنه و بی‌توجهی به آن را سیئه دانست.[۵] این موارد نشان می‌دهد در حقیقت یک تبلور و تجلی عقلانیت تفکر انقلابی، دینی و شیعی در نظام جمهوری اسلامی در مواجهه با پدیده کرونا صورت گرفته است.

بر پایه عقلانیت است که وجود اطباء و پزشکان در زمان پیامبراکرم ﷺ و ائمه اطهار علیهم‌السلام هیچ‌گاه مورد مخالفت واقع نشد. از این‌رو شاهد انیم که حتی طبیبان برای مداوای ائمه علیهم‌السلام بر بالین آنان حاضر می‌شدند، چنانکه داستان حضور طبیب بر بالین امیرمومنان علیه‌السلام پس از ضربت خوردن مشهور است.

این امر به خوبی جایگاه درخشان تمدن اسلامی را در میان تمدن‌ها نشان می‌دهد، تمدنی که ولی‌فقیه آن هنگامی که حکمی را صادر می‌کند و به چیزی امر یا از انجام کاری نهی می‌کند، خود نخستین کسی است که به آن جامه عمل می‌پوشاند. چنانکه معظم‌له نظر ستاد ملی مبارزه با کرونا در شیوه برپایی آیین‌های مذهبی را فصل‌الخطاب نظرات قرار می‌دهد و افزون بر این‌که کوچک‌ترین مداخله‌ای در این باره نمی‌کنند، برنامه‌های خود را نیز بر پایه آن تنظیم می‌نمایند. این روش برگرفته از سیره امیرمؤمنان علی‌بن ابی طالب علیه‌السلام است که می‌فرمود: «إِنِّی وَ اللهِ مَا أَحُثُّکُمْ عَلَی طَاعَةٍ إِلاَّ وَ أَسْبِقُکُمْ إِلَیْهَا وَ لا أَنْهَاکُمْ عَنْ مَعْصِیَةٍ إِلاَّ وَ أَتَنَاهَی قَبْلَکُمْ عَنْهَا؛[۶] ای مردم به خدا من شما را به طاعتی برنمی‌انگیزم، جز که خود پیش از شما به گزاردن آن برمی‌خیزم و شما را از معصیتی باز نمی‌دارم، جز آنکه خود پیش از شما آن را فرو می‌گذارم».

کرونا و رعایت بهداشت فردی و عمومی

رعایت مسائل بهداشتی جزء لاینفک آموزه‌های اسلامی است. شعار «النَّظَافَةُ مِنَ الْإِیمَانِ[۷]» بیش از ۱۴۰۰ سال پیش در آموزه‌های اسلامی تبلور یافته و جزء جدانشدنی دستورات اسلام قرار گرفته است. در دین مبین اسلام افزون بر باب وضو و غسل، بر استحمام و شستن دستان به شیوه‌های مختلف توصیه شده است. چنانکه امام جعفرصادق علیه‌السلام در روایتی به نقل از اجداد طاهرینشان از پیامبراکرم ﷺ می‌فرماید: «یَا عَلِیُّ أُوصِیکَ بِوَصِیَّةٍ فَاحْفَظْهَا فَلَا تَزَالُ بِخَیْرٍ مَا حَفِظْتَ وَصِیَّتِي ... وَ غَسْلُ الْیَدَیْنِ[۸]. بر اساس دستورات و سفارش‌های دینی، انسان موحد و متشرع روزانه در چند نوبت برای اقامه نماز به وضو می‌پردازد و ممکن است در طول هفته چندین غسل واجب و مستحبی را انجام دهد.

افزون بر دستورات صریح، قواعد مختلفی نیز بر لزوم رعایت مسائل بهداشتی تصریح دارد، مانند: قاعده «لَا ضَرَرَ وَ لَا ضِرَارَ فِي الْإِسْلَامِ» که بر پایه آن ما نه حق ضرر رساندن به خود را داریم و نه به دیگران را. در این شرایط کرونایی که با بیماری مسری مواجه هستیم، عدم رعایت بهداشت در حد متعارف، اگر مصداق ضرر زدن به خود یا دیگران باشد، حرام شرعی به‌شمار می‌آید. بر این پایه، این نکته درخور توجه است: در حالی که بیش از ۱۴۰۰ سال رعایت نظافت جزوی از دینداری مسلمانان است، در اروپای ۴۰۰ سال پیش هیچ خبری مبنی بر وجود حمام به ثبت نرسیده است!

کرونا، نمایش همدلی مردم نسبت به یکدیگر

آموزه‌های اسلامی همواره مسلمانان را نسبت به احوال‌جویی و گره‌گشایی از مشکلات دیگران ترغیب نموده است؛ چنانکه پیامبراکرم ﷺ فرمود: «مَنْ أَصْبَحَ وَ لایَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِینَ فَلَیْسَ بِمُسْلِمٍ؛[۹] هر کس صبح کند و نسبت به رسیدگی به امور مسلمانان اهتمام نداشته باشد، مسلمان نیست».

قرآن کریم، تقوا را تنها معیار ارزش‌گذاری انسان‌ها نزد خدا می‌داند؛ از این‌رو زبان، نژاد، رنگ، دارا و ندار بودن نشانه تفوق بر دیگران نیست، و تنها معیار در برتری انسان‌ها نزد خدا، تقواست که: «إِنَّ أَکْرَمَکُمْ عِنْدَ اللهِ أَتْقَاکُمْ».[۱۰]

تقوا در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی دارای نمود است. از این‌رو توجه و رسیدگی به احوال مسلمانان را می‌توان لازمه تقوای الهی دانست و لازم است کسانی‌که بیش از دیگران از نعمت‌های الهی برخوردارند، به اندازه وسع و توان خویش به یاری برادران و خواهران کم‌برخوردار بشتابند و با کمک‌های خویش باری را از دوش آن‌ها بردارند تا در قیامت که از نعمت‌ها سؤال می‌شود؛ «ثُمَّ لَتُسْئَلُنَّ یَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِیمِ»[۱۱] زبان، به آسانی پاسخ‌گوی پرسش‌های الهی باشد.

بر اساس این بینش، ما شاهد روانه سیل کمک‌های مؤمنانه، بی‌منت و گاه در کمال گمنامی انسان‌های فهیم و رشدیافته در عرصه‌های مختلف هستیم که نظیر آن را نمی‌توان در جای دیگر جست‌وجو کرد. این کمک‌های صادقانه تنها به حیطه مالی

اختصاص ندارد و در عرصه‌های مختلف دیگر مانند: پزشکی، پرستاری، حمل و نقل بیماران، تغسیل و تدفین فوت‌شدگان و... نیز نمود می‌یابد و این یاری‌کنندگان گاه آگاهانه و عاشقانه جان خویش را در طبق اخلاص نهاده و در مسیر بهبودی و سلامت هموطنان، به جان آفرین تقدیم می‌کنند. نمونه‌های عینی این امر را می‌توان در کادر درمانی و دفاع‌کنندگان از حریم سلامت جست‌وجو نمود. رهبر معظم انقلاب اسلامی با قدردانی از زحمات و تلاش‌های کادر درمانی، فرمود: «کارتان بسیار با ارزش است؛ هم ارزش جامعه پزشکی و پرستاری را در جامعه بالا می‌برد .که برده .هم مهم‌تر از این، ثواب الهی است که خدای متعال قطعاً به شما اجر خواهد داد و ثواب خواهد داد.»[۱۲]

گرچه در ایام شیوع ویروس کرونا عده‌ای در جهت تکاثر و مال‌اندوزی به احتکار کالاهای مورد نیاز مردم پرداختند و در افزایش بی‌حد و حصر قیمت‌ها کوشیدند و با این‌گونه اعمال، پای خویش را بر گلوی هموطنان وامانده در زیر خط فقر فشردند، اما در آن سوی دیگر افراد مؤمن و مردم دوست زیادی از اقشار مختلف را می‌توان مشاهده نمود که با مجاهدت و بذل مال و وقت و جان خود در این آزمون بزرگ افتخار آفریدند و خوش درخشیدند، که اوج این افتخار ملّی متعلّق به مجموعه درمانی کشور است.

کرونا، نشانه سنجش صبوری و استقامت

تاریخ معاصر تاکنون چنین ویروسی که در تمام جهان منتشر شده باشد و همه مردمان را دچار گرفتاری و بلا نموده باشد، به خود ندیده است. مردمی که یک عمر آزادانه در رفت و آمد و گشت و گذار و حضور در اجتماعات و محافل و... بودند، به یک‌باره باید در خانه‌ها می‌نشستند، از برگزاری هر نوع اجتماعی اجتناب می‌ورزیدند و حضورشان در اجتماعات بر پایه رعایت مفاد آیین‌نامه‌های بهداشتی باشد و....

برای قطع زنجیره اتصال و ارتباط افراد سالم و مبتلا و پیشگیری از شیوع این بیماری راهی جز رعایت دستورالعمل‌های بهداشتی وجود ندارد و پشتوانه مهم اجرای این امر و کلید موفقیت در این آزمون بزرگ اتخاذ صبوری و شکیبایی است؛ چنانکه قرآن کریم می‌فرماید: «وَ لَنَبْلُوَنَّكُمْ حَتَّى نَعْلَمَ الْمُجاهِدِينَ مِنْكُمْ وَ الصَّابِرِينَ؛[۱۳] و البتّه شما را می‌آزماییم تا مجاهدان و شکیبایانِ شما را باز شناسانیم».

به هر حال با گذر زمان این بلا و گرفتاری نیز مانند هر حادثه سخت دیگری رخت برخواهد بست و آن چیزی که تحمل گذر از این مرحله را بر انسان آسان می‌کند، توکل به خدای متعال و صبوری در رعایت دستورات بهداشتی است. با استقامت و شکیبایی ورزیدن در این مسیر، افراد سالم از ابتلای خویش به این ویروس پیشگیری خواهند نمود و مبتلایان دوره درمان را به خوبی سپری خواهند کرد و از ابتلای دیگران به این بیماری ممانعت به عمل خواهند آورد.

آموزه‌های اسلامی مبتلایان به بلا را به تضرع و دعا و توسل به درگاه باری‌تعالی دعوت کرده و از آنان خواسته است تا راه صابران را در پیش گیرند و برای هموارشدن راه صبوری اسوه‌های صبر و مقاومت را به مردم معرفی نموده است؛ چنانکه حضرت ایوب علیه‌السلام در تحمل مصائب و بیماری‌ها، اسوه جهانیان گشته است: «وَ أَيُّوبَ إِذْ نادى رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ * فَاسْتَجَبْنا لَهُ فَكَشَفْنا ما بِهِ مِنْ ضُرٍّ وَ آتَيْناهُ أَهْلَهُ وَ مِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنا وَ ذِكْرى لِلْعابِدِينَ * وَ إِسْماعِيلَ وَ إِدْرِيسَ وَ ذَا الْكِفْلِ كُلٌّ مِنَ الصَّابِرِينَ؛[۱۴] و ایوب را [یاد کن] هنگامی که پروردگارش را ندا داد که: «به من آسیب رسیده است و تویی مهربان‌ترین مهربانان». پس [دعای] او را اجابت نمودیم و آسیب وارده بر او را برطرف کردیم، و کسان او و نظیرشان را همراه با آنان [مجدداً] به وی عطا کردیم[تا] رحمتی از جانب ما و عبرتی برای عبادت‌کنندگان [باشد]. و اسماعیل و ادریس و ذو الکفل را [یاد کن] که همه از شکیبایان بودند».

پی‌نوشت‌ها:

۱. صدوق، الامالی، ص ۱۱۶.

۲. بقره: ۱۵۵.

۳. https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۴۵۵۶۲.

۴. سید رضی، نهج‌البلاغه، خطبه ۱۷۸.

۵ https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۴۵۰۷۶.

۶ . سید رضی، نهج‌البلاغه، خطبه ۱۷۵.

۷ . مجلسی، بحارالأنوار، ج ۵۹، ص ۲۹۱.

۸ . صدوق، من لایحضره‌الفقیه، ج ۴، ص ۳۵۵.

۹. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۶۳.

۱۰ . حجرات: ۱۳.

۱۱ . تکاثر: ۸.

۱۲. https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=۴۵۰۳۳

۱۳. محمد: ۳۱.

۱۴. انبیاء: ۸۵ ـ ۸۳.

کرونا

چالشِ دین یا علم؟



دکتر ابوذر رجبی
استادیار دانشگاه معارف اسلامی



درآمد

جهان پس از کرونا، به ناچار در خیلی از امور، از جمله سیاست‌های علمی نیازمند تجدید نظر است. به نظر می‌رسد دیگر تابوی قطعیت علم و یکه‌تازی آن که سال‌ها در غرب مدرن به خصوص از سوی فیلسوفان پوزیتیوست ایجاد شده بود، در هم کوبیده شده است چنان که اکنون بی‌رمق از راه رفتن، باید از مسئله انحصارگرایی روشی دست بردارد. اقتدارگرایی علم که چند قرن همه ساحت‌ها و از جمله دین را تحت تأثیر خود قرار داده بود، دیگر توان مقابله با ساحت‌های معرفتی دیگر را ندارد.

کرونا استیضاح کننده علم‌گرایی مدرن

کرونا یا بیماری کوئید ۱۹ را می‌توان بهترین استیضاح کننده علم‌گرایی مدرن دانست. روزگاری علم به ناصواب همه عرصه‌های معارف بشری را به استیضاح می‌کشاند و قدرت‌گری برای یکه‌تازی و میدان ندادن به معرفت‌های متافیزیکی داشت. اگر چه همان زمان نیز متفکرانی با این امر به مخالفت برخاستند، اما هیمنه عالمان تجربی و شعارهای پوزیتیویستی مانع مقابله آنان با علم می‌شد. اما امروزه به صراحت می‌توان گفت کرونا این هیمنه را به هم ریخت. در واقع باید گفت ویروس کرونا بیش و پیش از آنکه برای دین و الهیات و اخلاق چالش درست کرده باشد، برای خود علم دردسرساز شده است. آیا واقعاً انسان امروزی برای نجات خود ـ دست‌کم در حوزه سلامت و بهداشت ـ به علم، قطع و یقین دارد؟!

معناشناسی علم

مراد از علم، معنای عام آن نیست بلکه به معنای ساینس (Science) است. علم در این معنا مجموعه قضایای حقیقی است که از راه تجربه حسی، قابل اثبات باشد. در قرن نوزدهم پوزیتیویست‌ها این معنا را رواج داده و سایر معارف بشری از جمله الهیات را دیگر به معنای علم تلقی نمی‌کنند.[۱]

علم در دوره رنسانس

غرب بعد از رنسانس با تحولات صنعتی و پیشرفت‌های توسعه محور توانست برتری علم را بر دین مسیحیت و نگاه قرون وسطایی از دین برافرازد؛ به وزان پیشرفت و اکتشافات علمی، قلمرو دین را روز به روز محدودتر کرد. این امر از قرن هیجده سرعت گرفت و در قرن بیستم شعار رسمی حذف دین و دفن و تشییع جنازه آن از ناقوس علم به صدا درآمد. البته تلاش‌هایی برای دین مسیحی در غرب صورت گرفت و راهکارهایی در مقابل مسئله تعارض و ضدیت علم و دین ارائه گردید. آنچه مطرح می‌شود صرف ادعا نیست، بلکه مستندات آن از ناحیه خود متفکران غربی ارائه می‌شود.[۲] اشاره مختصری به این تاریخچه برای نشان دادن ناتوانی علم در دوران کرونایی خالی از لطف نیست.

در دوره‌ای از تاریخ مغرب زمین شاهد آن هستیم که توجهی به علم و تجربیات بشری نمی‌شود و با وجود حضور دین، سخن گفتن از علم را بی‌فایده می‌دانستند.[۳] در قرون وسطی چالش جدی برای غربیان در عرصه علم و دین مطرح نبود. باربور با بیان ویژگی‌های این دوره، اخلاقی بودن قوانین به جای مکانیکی دیدن آن و همراهی فلسفه و علم با دین مبتنی بر عقل و وحی، همچنین نقش محوری داشتن انسان در جهان خلقت را از اوصاف این دوره برمی‌شمارد.[۴]

اقدام‌های کپلر، کپرنیک، گالیله، تیکو براهه، بویل و فرانسیس بیکن آغاز چالش جدی علم و دین و طرح مسئله تعارض این دو بود.[۵] در قرن هیجدهم این نزاع خود را آشکار ساخت و به صراحت بر مقابله دین و علم سخن رانده شد.[۶] از این قرن که به عصر روشنگری یاد می‌شود، عقلِ ابزاری به میدان آمد و ابزار توسعه برای بشر قرار گرفت. دیگر وحی و خدا جایگاهی نداشت و یا نهایتاً در حد خدای ساعت‌ساز لاهوتی بود. حتی در این حدّ نیز برخی خدا را برنتافته و آن را کاملاً کنار گذاشتند.[۷] اگر از خدایی یاد می‌کنند، خدایی طبیعی در برابر خدای وحیانی است. خداپرستان طبیعی با کلیسا درافتاده و این معارضه زمینه را برای رشد شکاکیت و الحاد فراهم ساخت.[۸]

داروئیسیسم و مسئله چالش علم و دین

با طرح نظریه داروین، تعارض علم و دین جدی‌تر شد و حتی پاره‌ای از کشیشان نیز از تعامل و هماهنگی علم با دین دست برداشتند. زیست‌شناسی در این دوره به عنوان دانش قابل توجه برای دین مسیحی چالش جدی درست کرد:

-مناقشه در برهان نظم (بر وجود خدا)، از طریق توصیف نظم موجود در جهان موجودات زنده، با انتخاب طبیعی داروینی؛

-مناقشه در تمایز واقعی انسان‌ها از حیوانات دیگر؛

-مناقشه در دستور العمل‌های اخلاقی دین؛

-مناقشه در خلقت خاص انسان.[۹]

چالش علم با دین در حوزه علوم انسانی

در قرن بیست و بیست و یک، بیش‌ترین چالش میان علم و دین در حوزه علوم انسانی تجربی با مسائل و گزاره‌های دینی بود. این امر خود را در عرصه‌های مختلف جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، اقتصاد، علوم سیاسی و ... نشان داد. بحث فروید در طرح ریشه و منشاء دین در حوزه روان‌شناسی است. او زندگی دینی را نوعی آرزواندیشی و سرکوب امیال و شهوات می‌دانست. او دین را نوعی روان رنجوری می‌دانست که در گذشته انسان ریشه داشته و از عقده ادیپ ناشی می‌شد. مطابق نظریه فروید، تمایل افراد به پذیرش و اعتقاد به خدای فوق طبیعی انسان‌وار، دست‌کم تا حدودی، معلول تمایل به فرافکنی تصویر پدر در دوران کودکی است که در ناخودآگاه انسان قرار دارد.

در حوزه جامعه‌شناسی نیز از دیدگاه دورکیم، منشأ همه ادیان توتم‌پرستی است و پرستش توتم نیز نمادی از پرستش جامعه است. بنابراین آنچه در همه ادیان مورد پرستش قرار می‌گیرد و ویژگی‌های فراطبیعی به آن نسبت داده می‌شود، چیزی جز جامعه نیست. جامعه از همه ویژگی‌های خداوندی برخوردار است: در اندیشه پرستندگان بر آن‌ها برتری دارد، در آن‌ها احساس وابستگی ایجاد می‌کند و از آن‌ها فرمان‌برداری می‌طلبد. جامعه نیازمند تبعیت افراد از خویش برای حفظ وحدت و انسجام اجتماعی است و وحدت و انسجام جامعه اقتضا می‌کند که هرکس از منافع و علایق فردی خود بگذرد و تسلیم خواست جامعه گردد.

تحلیل مارکس از دین، ساده‌انگارانه است و بسیاری از ابعاد و جنبه‌های اساسی دین را نادیده گرفته است. او با فروکاستن این جنبه‌های اساسی، به تعمیم‌های بسیار بعید، ناگزیر شده است. او نقش دین را در معنا دادن به زندگی، مرگ و رنج و هدف‌دار کردن آن‌ها، که بسی فراتر از منافع طبقاتی است، نادیده گرفته است.[۱۰] با حضور شخصت‌های یادشده، شرایط برای طرح مهمل بودن گزاره‌های دینی از سوی پوزیتیویست‌ها فراهم شد.[۱۱] این مسئله در عصر کنونی نیز محل مناقشه بین متفکران غربی است.

مدعای قطعیت علم

در این مجال قصد ندارم به تحلیل انواع رابطه علم و دین و نوع نگاهی که در میان غربیان مطرح است، اشاره کنم. ضمن این‌که به مسئله تأثیر ارزش‌ها بر دانش نیز بنای پرداختن ندارم؛ اگرچه جزو مسائل بسیار مهم در حوزه اخلاق علم و حتی فلسفه علم است و به گونه‌ای در به چالش کشیده شدن دیدگاه عالمان تجربی قرن هیجده و نوزده غربی تأثیر جدی دارد. در این فرصت صرفاً به تحلیل مدعای



قطعیت علم اشاره خواهم کرد و اینکه مدعای فلاسفه علم غربی با آسیب جدی از این منظر مواجه است.

متأسفانه علم تجربی (به معنای اعم آن که شامل علوم انسانی نیز می‌شود) زیربنای اساسی خود را نفی ساحت‌های معرفتی وحیانی قرار داد. این امر نه تنها حوزه وحی که حتی فلسفه و متافیزیک را هم دربر گرفت. به همین جهت سردمداران جریان‌های علمی امروزه به صراحت از نفی دین و فلسفه هم سخن می‌گویند. اینان تنها راه رسیدن به حقیقت را علم می‌دانند.[۱۲] ریچارد داوکینز، زیست‌شناس شهیر انگلیسی معاصر، به صراحت بیان می‌دارد: «اگر علم نتواند برخی پرسش‌های غایی را پاسخ گوید، چرا باید فکر کنیم که دین می‌تواند؟!»[۱۳] یا در جایی دیگر می‌گوید: «الهی‌دانان چه مهارتی دارند که دانشمندان ندارند؟».[۱۴] او در کتاب «پندار خدا» بیان می‌دارد که برای هر چیزی اگر نتوان تبیین علمی ارائه کرد، باید از پذیرش آن سر باز زد. به هیچ‌وجه برای امور مختلف نباید تبیین مافوق طبیعی و الهی ارائه کرد. به این جمله او توجه کنید: «کسانی که به خاطر سردرگمی شخصی در مقابل یک پدیده طبیعی فوری به فراطبیعی بودن آن می‌رسند، دست کمی از احمق‌هایی ندارند که وقتی می‌بینند یک شعبده‌باز قاشقی را خم می‌کند فوری نتیجه می‌گیرند که با یک پدیده فراطبیعی روبرو هستند».[۱۵]

استیون هاوکینگ هم دست کمی از داوکینز نداشته و در عرصه

دانش فیزیک، نفی خدا و الهیات و غیب را سرلوحه فعالیت‌های علمی خود قرار می‌دهد. وی نیز پذیرش خدا را در تعارض با علم می‌بیند و بیان می‌دارد: «اگر مانند من بپذیرید که قوانین، ثابت و تغییرناپذیر هستند، بلافاصله خواهید پرسید که: پس نقش خداوند چیست؟ این یکی از مهم‌ترین تضادهای بین علم و دین است».[۱۶]

شرایط علمی تلقی کردن گزاره‌ها

شاید تلقی شود که افرادی مانند هاوکینگ و داوکینز به جهت تفکرات الحادی چنین سخن می‌گویند و دیگران این‌گونه نیستند؛ اما

تعارض و تقابل در غرب صرفاً ناشی از درک نادرست از رابطه علم و دین بوده است. اگر مرزهای واقعی این دو به درستی شناخته می‌شد، هیچ‌گاه تعارضی شکل نمی‌گرفت. علم و تجربه در مسیر شناخت به انسان قدرت محدودی می‌دهد؛ اما قادر نیست او را به حقیقت مطلق برساند. اگر خودخواهی‌ها و سلطه‌گری‌های بشر در دوران بعد از رنسانس نبود، علم و دین مسیر همکاری خود را برای سعادت بشر به درستی و تعامل طی می‌کردند.

این تلقی درست نیست. چرا که در فضاهای آکادمیک غربی، علم بودن امر و گزاره‌ای منوط به داشتن شرایطی است و در صورت برخوردار بودن از این شرایط دیگر علمی به حساب نمی‌آید. اولاً علم بودن گزاره‌ها به یقین روانی شخص بستگی ندارد، ثانیاً کلی بودن در آن‌ها لحاظ شده، ثالثاً موضوع در آن‌ها مشروط به عینی‌بودن است. ولی علاوه بر این شرایط، قید دیگری نیز در آن شرط شده و آن عبارت است از این که اثبات محمول برای موضوع باید از راه تجربه حسی مستقیم، امکان‌پذیر بوده، قابل ارائه به دیگران هم باشد. بنابراین، بر اساس این اصطلاح، تنها قضیه‌ای علمی است که به وسیله تجربه حسی ثابت شود، و به گونه‌ای باشد که نتیجه تجربه را بتوان به دیگران ارائه داد؛ اما درصورتی‌که راه اثبات آن چنین نباشد، بلکه از راه قیاس عقلی، وحی، یا شهود عرفانی اثبات شود، از حوزه علم خارج است و معتبر نخواهد بود. و جالب‌تر آنکه این اصطلاح شامل فرضیه‌ها و تئوری‌هایی هم می‌شود که امکان اثبات آن‌ها به وسیله تجربه وجود دارد، هرچند هنوز تجربه دقیقی روی آن‌ها انجام نگرفته باشد، یا وسایل تجربه آن‌ها در دسترس نباشد.[۱۷]

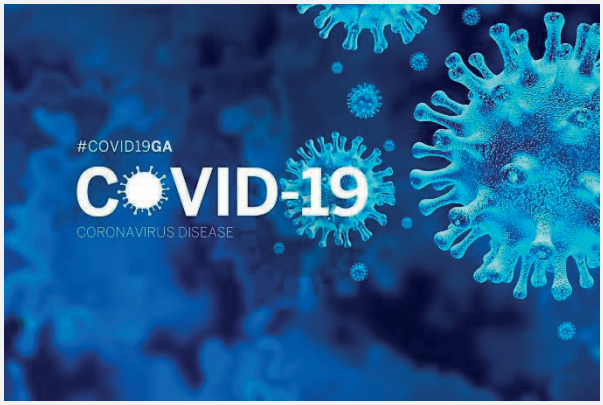
به همین خاطر در غرب معاصر تحت سیطره این اندیشه‌ها بحث از وحی و غیب و خدا، بحثی غیرعلمی و برخلاف مد علمی سخن گفتن محسوب می‌شود؛[۱۸] چرا که شرایط یادشده در آن‌ها وجود ندارد. برخی از متفکران غربی مانند هولباخ، فیلسوف عصر روشنگری به صراحت بیان کردند باید از روش تجربی نه تنها در فیزیک و شیمی، حتی در دین و اخلاق و سیاست و هنر نیز بهره برد.[۱۹] البته تا زمان پوپر این امر قطعی تلقی می‌شد، اما بعد از او به خصوص با ظهور شخصیت‌هایی مانند توماس کوهن و فایرابند در فلسفه علم، دیگر از آن نگاه انحصارگرایانه تجربی و مشاهده‌پذیری خبری نبود.[۲۰] تعبیری را برخی از فلاسفه علم به کار می‌برند و آن این‌که علم امروزه به ضد علم تبدیل شده است. دقیقاً همین نکته‌ای که تاکنون اشاره کردیم در این نگره آمده است. انحصارگرایی و تک‌نگری علم و تأکید صرف بر ساحت تجربی در خود علم سبب تعارض شد و فروپاشی علم را فراهم آورد.[۲۱] علم دیگر قهرمان عصر روشنگری نیست و با آسیب‌ها و چالش‌های زیادی دست و پنجه نرم می‌کند.[۲۲]

نقد تلقی انحصارگرایی روش علم

ویروس کرونا نشان داد که علم، بسیار آسیب پذیرتر از آن است که بتواند برای بشر سعادت آفرین باشد. اگر بشر داعیه بلندپروازی در سر نمی‌پروراند و به علم آنگونه که شایسته و بایسته این ساحت معرفتی است می‌نگریست، امروز سربلند از آزمون‌هایی مانند کرونا بر می‌خواست؛ اما متاسفانه یک‌جانبه‌نگری و انحصارگرایی روشی، او را با چالش‌های جدی مواجه ساخت. استاد شهید مطهری در دهه پنجاه هم به عالمان تجربی مغرب زمین و هم روشنفکران داخلی این امر را گوشزد کرده و آنان را به بازنگری در هستی‌شناسی علم فراخواند. ایشان جهان‌بینی علمی را اگرچه در حد خود درست، اما نارسا دانستند. معرفت تجربی اگرچه با ابزارهای اندازه‌گیری که در اختیار دارد، دقیق و مشخّص و توانایی‌بخش است، اما به جهت محدودیت در ساحت شناخت نمی‌تواند از جهان ماده عبور کند و به انسان، معرفتی کلی و خطاناپذیر ارائه کند. علم حتی در قوانین خود نیز نمی‌تواند به این کلیت دست یابد و باید از ساحت‌های معرفتی دیگر کمک و بهره گیرد و در کلیات به «نمی‌دانم» می‌رسد.[۲۳]

در رویکرد عالمان مسلمان، هیچ‌گاه نگاه مطرح شده در غرب مطرح نبود. عالمان مسلمان در عین اقرار به ضعف حیطه و ساحت علم، آن را به عنوان یکی از حوزه‌های معرفتی بشر قبول کردند و برنتافتند تا سخن از تعارض و تقابل علم با دین به میان آید. علم ابزاری در دست انسان برای رشد و تعالی روحی است، نه اینکه از آن برای فضل فروشی و کسب امتیازات اعتباری و سلطه بر دیگران استفاده شود. دقیقاً آن چیزی که امروزه در «حیات طبیعی» علم را برای تخدیر انسان و غلبه قدرت برحق می‌خواهند.[۲۴] اسلام معتقد است که در ارتباط انسان با

خویشتن در هر دو قلمرو شناخت خویشتن آن‌چنان‌که هست و اصلاح خویشتن آن‌چنان‌که باید، باید از هرگونه علم و معرفت که به‌وسیله تجارب عینی، تعقل منافع اصل دین و اکتشافات در گذرگاه زمان به دست می‌آید بهره‌برداری شود».[۲۵]



تعارض و تقابل در غرب صرفاً ناشی از درک نادرست از رابطه علم و دین بوده است. اگر مرزهای واقعی این دو به درستی شناخته می‌شد، هیچ‌گاه تعارضی شکل نمی‌گرفت یا دعوا و نزاعی مطرح نبود تا جانب یکی گرفته شود. علم و تجربه در مسیر شناخت به انسان قدرت محدودی می‌دهد؛ اما قادر نیست او را به حقیقت مطلق برساند. اگر خودخواهی‌ها و سلطه‌گری‌های بشر در دوران بعد از رنسانس نبود، علم و دین مسیر همکاری خود را برای سعادت بشر به درستی و تعامل طی می‌کردند.[۲۶] علم مدرن بدون توجه به بسیاری از مسائل فرهنگی و اجتماعی و اخلاقی، برای غرب مشکلاتی به وجود آورد.[۲۷] از آنجایی که روش تجربی قادر به درک و کشف رابطه علّی انحصاری میان پدیده‌های حسی و همچنین کشف و مطالعه علل غیر محسوس و تأثیر آن‌ها بر پدیده‌های مادی نیست، لذا یافته‌ها و دستاوردهای آن یقینی و ابطال ناپذیر نیستند؛[۲۸] به عبارتی نمی‌توان به مطابقت آن‌ها با واقع، قطع و یقین داشت. به باور خود فلاسفه علم، قضیه علمی باید کلی باشند و این کلیت در علم حاصل نمی‌شود. بیشتر قضایای کلی در علم هم ظنّی هستند نه قطعی. با این وضعیت چه داعیه‌ای بر برتری قضایای علمی بر فهم دینی وجود دارد؟[۲۹]

از آن‌رو که تجربه‌گرایان ادراکات حسی را نقطه اتکاء خود قرار داده‌اند و این شناخت‌ها بی‌اعتبارترین شناخت‌ها می‌باشند، درک و شناخت به‌وسیله تجربه، بیشتر از هر شناختی در معرض اشتباه و خطا خواهد بود.[۳۰]

نکته قابل توجه آن است که نباید تلقی حاکمیت معرفت علمی بر دیگر ساحت‌های معرفتی شکل گیرد. معرفت تجربی محدود و محصور به حس و عالم ماده است. به اذعان فلاسفه علم این معرفت مبتنی بر فرضیه است و هر فرضیه‌ای زمانی اعتبار پیدا می‌کند که مشاهده‌پذیر و قابلیت تکرار داشته باشد.[۳۱] بنابراین مبتنی بر احتمال است و بر آن تأیید و ابطال همواره سایه می‌افکند؛ از این جهت یقین‌آور نیست تا برای بشر قطع به دنبال آورد.

به آن سبب که در علوم تجربی، ابزار دستیابی به شناخت، فقط حس و تجربه است، زمانی می‌توان رابطه بین دو پدیده را کشف کرد که شرایط تحقق آن دو پدیده، کاملاً تحت کنترل باشد و یقین حاصل کنیم که هیچ عامل دیگری در این رابطه دخالتی ندارد، در حالی‌که چنین چیزی به هیچ عنوان قابل اثبات تجربی نیست؛ زیرا عوامل مؤثر بر پدیده‌ها آن‌قدر متنوع و گسترده هستند که کنترل همه آن‌ها برای انسان مقدور نیست و حتی ممکن است عواملی بر ارتباط بین پدیده‌ها مؤثر باشند، که برای ما ناشناخته‌اند. بنابراین نمی‌توان از آزمایش‌های حسی، نتیجه یقینی به‌دست آورد[۳۲] و یا به عبارتی نمی‌توان از مطابق بودن نتیجه آزمایش تجربی و حسی با واقع، یقین حاصل کرد.

نتیجه

دانش تجربی به معنای عام آن با تمام تلاشی که برای رفاه آدمی داشته، مشکلات و آسیب‌های فراوانی نیز برای او به دنبال آورده است. از مهم‌ترین آن‌ها عدم برطرف کردن نیازهای درونی و معنوی اوست. با اینکه الحاد رویکرد رسمی در جهان امروز است و به دنبال حذف باورهای معنوی از حیات آدمی؛ اما به اقرار محققان، معنویت با اقبال فراوانی مواجه بوده است و مکاتب بشری نتوانسته‌اند در کاستن گرایش

چالش‌های عرصه فلسفه علم و هستی‌شناسی علمی نیز مهم است. اگرچه این امر سالیانی است که برای متفکران غربی مطرح شده است، اما ویروس کرونا بر ابهامات حوزه دانش بشری افزود. دانش پزشکی نتوانست بشر را به نجات برساند. بحرانی که در این زمینه به وجود آمده سبب تغییر نگرش در پارادایم علم جدید خواهد شد. بنابراین چالش‌ها و آسیب‌های حاصل از بیماری کرونا برای علوم تجربی بشر به مراتب بیش از آنی است که برای حوزه متافیزیک و الهیات درست شده است. ابهامات و چالش‌ها محدود به دانش پزشکی نیست. تمامی علوم جدید که با پارادایم‌های فلسفه علمی معاصر دنبال می‌شوند با این امور مواجهند. آسیب‌های کرونایی در حوزه‌های روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، مدیریت، اقتصاد، علوم سیاسی و... ما را به تأمل و بازنگری جدی در علم جدید و فاصله گرفتن از انحصارگرایی روشی آن وا می‌دارد.



انسان‌ها به معنویت کاری پیش ببرند.[۳۳]

فارغ از اشکال مطرح شده در حوزه معنویت، چالش‌های عرصه فلسفه علم و هستی‌شناسی علمی نیز مهم است. اگرچه این امر سالیانی است که برای متفکران غربی مطرح شده است، اما ویروس کرونا بر ابهامات حوزه دانش بشری افزود. دانش پزشکی نتوانست بشر را به نجات برساند. مرگ و میرهای حاصل از بیماری کروناو به تبع آن آسیب‌ها و مشکلات روحی و روانی برای بیماران و خانواده‌های درگیر با این مسئله از جمله چالش‌هایی است که علم پزشکی و دیگر شاخه‌های تجربی مرتبط با آن امروزه دست و پنجه نرم می‌کنند. بحرانی که در این زمینه به وجود آمده سبب تغییر نگرش در پارادایم علم جدید خواهد شد. بنابراین چالش‌ها و آسیب‌های حاصل از بیماری کرونا برای علوم تجربی بشر به مراتب بیش از آنی است که برای حوزه متافیزیک و الهیات درست شده است. بدون شک ابهامات و چالش‌ها محدود به دانش پزشکی نیست. تمامی علوم جدید که با پارادایم‌های فلسفه علمی معاصر دنبال می‌شوند با این امور مواجهند. آسیب‌های کرونایی در حوزه‌های روانش‌شناسی، جامعه‌شناسی، مدیریت، اقتصاد، علوم سیاسی و... ما را به تأمل و بازنگری جدی در علم جدید و فاصله گرفتن از انحصارگرایی روشی آن وا می‌دارد.

پی‌نوشت‌ها:

۱. مصباح یزدی، آموزش فلسفه، ج ۱، ص ۶۷-۶۶. چالمرز، چیستی علم، ص ۹

۲ . پترسون و دیگران، عقل و اعتقاد دینی، ص ۳۵۹.

۳. ربانی گـلپایگانی، «رابطه علم و دیـن در مـسیحیت»، ص ۱۴۱- ۱۲۳.

۴. باربور، علم و دین، ص۲۷ – ۱۸.

۵ همان، ص۳۶.

۶. ویلیامز، «عقل‌گرایی»، ص ۱۰۹.

۷ باربور، علم و دین، ص ۹۸-۶۹.

۸ . مهدوی‌نژاد، دین ودانش، ص ۸۰.

۹ . گلشنی، آیا علم می‌تواند دین را نادیده بگیرد، ص ۶-۵.

۱۰ . علی زمانی، علم عقلانیت دین، ص ۱۸۳-۱۸۱.

۱۱ . پترسون و دیگران، عقل و اعتقاد دینی، ص ۲۶۲-۲۶۱؛ دونالداتول، فلسفه سیاسی قرن بیستم، ص ۱۴۰.

۱۲ . هات، علم دین از تعارض تا گفت‌وگو، ص ۴۲.

۱۳. Dawkins, The God Delusion, 56 .

۱۴. Ibid.

۱۵. Ibid, p 128,129 .

۱۶. Hawking, Brief Answers To The Big Question, p28 .

۱۷. مصباح یزدی، رابطه علم و دین، ص ۶۱.

۱۸. گلشنی، فیزیکدانان غربی و مسئله خداباوری، ص۶۵.

۱۹ . گلشنی، از علم سکولار تار علم دینی، ص ۲۱.

۲۰ . حقی، « گذر از روش شناسی علم به روش ستیزی علم»، ص ۲۳.

۲۱ . لاوسن، خوداندیشی پسامدرن، ص ۶۳-۵۵.

۲۲ . لیوتار، وضعیت پست مدرن: گزارشی درباره دانش، ص ۱۹-۱۵.

۲۳ . مطهری، مجموعه‌آثار،ج۳،ص ۲۸.

۲۴ . جعفری، علم و دین در حیات معقول، ص۳۸-۳۴.

۲۵ . جعفری، همگرایی دین و دانش، ص ۱۴۳.

۲۶ . جعفری، فلسفه دین،ص ۴۰۳.

۲۷ . احمدی، معمای مدرنیته، ص ۲۹۶.

۲۸. مصباح یزدی، رابطه علم و دین، ص ۱۴۸.

۲۹ . لاریجانی، معرفت دینی، ص ۱۰۳.

۳۰. مصباح یزدی، آموزش فلسفه، ج۱، ص ۲۰۵.

۳۱ . لازی، درآمدی تاریخی به فلسفه علم، ص ۱۷۹.

۳۲. مصباح یزدی، رابطه علم و دین، ص ۶۶.

۳۳ . هیلنز، ادیان زنده جهان، ج۲، ص ۱۲۸۲؛ مظاهری سیف، جریان‌شناسی انتقادی عرفان‌های نوظهور، ص ۲۲-۲۱؛ حمیدیه، مقاله «بازخوانی انتقادی تحولات اخیر دین‌داری و معنویت‌گرایی»، نشریه قبسات، ش ۵۶، ص ۱۸۸.

پاسخ‌های نقضی و حلّی

به شبهه مطرح در بحران کرونا



دکتر علی نصیری
استاد دانشگاه علم و صنعت

اخیراً به عنوان تحلیل پدیده کرونا سخنانی از برخی اهل علم منتشر شده است؛ که از یک جهت مثبت و چند جهت منفی دارد و قابل نقد است.

در بخشی از صحبت‌ها گفته می‌شود: «این ویروس، علم و دانش بشر را به عجز و ناتوانی وادار کرده و مدعیان نجات بشریت را به زمین زده است». این حرف متین و نکته مثبت کلام است. می‌توان گفت این ویروس که می‌گویند کل وزنش در دنیا به اندازه ۵ گرم هم نیست، واقعاً دانش بشر را به سخره گرفته است! اما در بخشی از صحبت‌ها، مسئله متافیزیک مطرح می‌شود و کرونا از منظر دینی و فلسفه دینی مورد بحث قرار می‌گیرد که در واقع، تشیع و به یک معنا جهان اسلام مورد خطاب است. مطرح می‌شود که «اگر یک ژاپنی یا کره‌ای یا چینی به سمت جهان اسلام بیاید و بگوید شما چه چیزی دارید که ما به سمت شما بیاییم؟! نه اقتصاد درستی دارید نه مسائل اجتماعی و فرهنگی درستی دارید» پاسخ این بخش از صحبت روشن است، به قول حافظ:

هر چه هست از قامت ناساز بی‌اندام ماست
ورنه تشریف تو بر بالای کس کوتاه نیست

ما چه زمانی مدعی شده‌ایم که اسلام و ارزش‌های دینی را درست پیاده کرده‌ایم؟ کدام کشور اسلامی می‌تواند مدعی باشد که نظام اقتصادی و اجتماعی و عدالتی که اسلام می‌گوید را پیاده کرده است؟ کسی ادعا نکرده که ما توانسته‌ایم اسلام را در روند جاری کشور مجسد و متبلور کنیم. ما ضعف‌ها فراوانی داریم ولی اگر ایرادی هست از زمام‌داران و مدیران جامعه و خود مسلمانان است. در واقع از این منظر اشکالی متوجه اسلام و بنیان‌گذاران و پیشوایان دین نخواهد بود.

اما بخش اساسی و بنیادین کلام او که محل چالش اساسی صحبت اوست مورد خطاب قرار دادن شیعه و حوزه‌های علمیه شیعه و امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف است؛ «شما که مدعی هستید امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف دارید و می‌گویید حضرت حجت عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف حضور دارد و مراقب و مواظب شماست، اثر و نقش و حضورش کجاست؟! فرقِ منِ منکر امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف با شما چیست؟!». یک پاسخ نقضی و دو پاسخ حلی برای این سخنان قابل طرح است.

پاسخ نقضی

اگر قرار باشد ما این‌گونه با امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف برخورد کنیم و بگوییم: شما الان نزدیک ۱۳۰۰ سال است حضور دارید و حیات دارید، پس نقش و کار و فعالیت شما کجاست و اصلاً در این خطرات و بلایا شما کجا هستید؟ اگر کمی بالاتر بیاییم، تمام کسانی که ملحد و کافر هستند می‌توانند به دین‌داران همین گونه استدلال کنند و بگویند: شما که می‌گویید خدا هست، شما که خدا را به علم و حکمت و درایت و مصلحت و خیرخواهی و... می‌ستایید، پس این خدای شما کجاست؟! چه نقشی در جهان بازی می‌کند؟! آقای ریچارد داوکینز کتابی به نام «پندار خدا» دارد. او در آنجا به صراحت می‌گوید: خدای شما پنداری بیش نیست! باد می‌آید و ابرها را به هم می‌زند و باران می‌بارد. کشت و زراعت می‌کنیم و خودمان محصول را تولید می‌کنیم. ما آب را جاری می‌کنیم و سرزمین‌هایمان را سیراب می‌کنیم. ما از آب برق تولید می‌کنیم. پزشک می‌آید و بیمار را معالجه می‌کند. پس همه کارها را خودمان انجام می‌دهیم! این خدای شما چه کار می‌کند؟!

پاسخ قرآن دقیق است؛ «أفَرَایتُم ما تَحرُثُون أأنتُم تَزرعُونَه أم نحن الزّارِعون»

خواجه پندارد که روزیِ ده دهد
او نمی‌داند که روزی ده دهد

ما خدا را با نگاه متافیزیکی و ایمان به غیب پذیرفتیم نه آن خدایی که مستقیماً بیاید دست خودش را نشان دهد که ابرها و بادها را جابه‌جا کرده و باران باریده است.

ما خدا را با تمام حضور و وجود پذیرفته‌ایم، اما نه حضور و وجودی مادی و محسوس و با چشم سر! تمام سخن مؤمنان به غیب این است که خدا به تمام معنا از آفتاب هم روشن‌تر و تابناک‌تر است به جهان اما باید آن نگاه و آن چشم باشد؛ در واقع ایمان به غیب باشد. بنای خدا این نیست که دستش را آشکارا از آستین در بیاورد و نشان بدهد که در جهان چه می‌کند. اگر لحظه‌ای فیض او نباشد هستی بر باد می‌رود. چنین نگاهی را ما به حضرت حجت داریم، یعنی وقتی آقا فرمودند: «إِنَّا غَیرُ مُهمِلِینَ لِمُرَاعَاتِکُمْ وَ لَا نَاسِینَ لِذِکْرِکُمْ» ما ایشان را واسطه فیض می‌دانیم و معتقدیم؛ «بِیُمنِه رُزِقَ الوَراء و بِوُجُودِه ثبتت الأَرضُ

و السَّماء﴾[1] ما این نگاه را به حضرت حجت عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف داریم. اگر کسی ایشان را باور ندارد، ما نمی‌توانیم بگوییم پرده غیب را کنار بزن و ببین در جهان چه خبر است! اینکه غیب را چگونه باور کردیم و چگونه پذیرفتیم، مسئله مهمی است.

پاسخ حلی

پاسخ اول؛ اساساً دین و انبیا نیامده‌اند پدیده‌ای به نام ویروس و باکتری و بیماری بدن را علاج کنند. قلمرو ادیان مسئله‌ای به نام طب، بهداشت بدن، تغذیه و سلامت بدن نیست! اساساً انبیا خودشان طبیب داشتند و به پزشک مراجعه می‌کردند. در مدینه، طبیبی به نام بخت‌شیوع بوده که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله به او مراجعه می‌کرد. اهل‌بیت علیهم‌السلام کسانی داشتند که آن‌ها را حجامت و فصد می‌کردند. حضرت امیر علیه‌السلام وقتی سر مبارکش را شکافتند، طبیب بالای سرشان آوردند. نمونه‌های فراوانی از این دست در تاریخ وجود دارد.

البته این به آن معنا نیست که انبیا و اهل بیت علیهم‌السلام به چنین علومی آگاهی نداشتند. علم ائمه و انبیا، علیهم‌السلام به حسب مراتبشان علم بی‌کران است. طبق روایات کتاب کافی اگر علم الهی ۷۰ بخش باشد، ۶۹ بخش به این بزرگواران داده شده است. اما مسئله این است که قرار نیست علمشان را آشکار کنند و بروز و ظهور دهند. چون اگر بروز دهند نقش آن‌ها تغییر می‌کند. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله اگر برای مردم نسخه می‌پیچید یک طبیب حاذق می‌شد ولی دیگر پیامبر نبود! تعلیم و تربیت و پرورش روان سخت‌ترین و دشوارترین کاری است که انبیا به عهده گرفتند. مباحث طب و بدن و بهداشت و برای کارهای این دنیا خدا در قرآن می‌فرماید: «فَبَعَثَ اللهُ غُرابًا یَبحَثُ فِی الارض﴾ کنایه از اینکه برای کارها و امور دنیایی من از دور به شما کمک می‌کنم و نیاز نیست انبیا را بفرستم که پزشک شوند و برای شما نسخه طب و بهداشت بپیچند! بنابراین اساساً نباید این توقع را از امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف داشت که برای کرونا یا هر بیماری یا مسئله بهداشتی دیگر نسخه بپیچد؛ چون این جزء وظایف حضرت نبوده و نیست. در مدینةالنبی، در زمان پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله وقتی بیماری آمد همه مردم خیلی طبیعی به پزشک مراجعه کردند. در مدینه سیل آمد برای جلوگیری از آن راه طبیعی را طی کردند. یا در مدینه حوضچه‌های آب بود که هزار آفت و آسیب برداشته بود و برای برطرف کردن آن راه طبیعی را طی کردند.

پاسخ دوم؛ در عین اینکه ما تأکید می‌کنیم قلمرو دین، طب و بهداشت و صحت و سلامت نیست اما اگر چنین بیماری و آفتی بیاید اینگونه نیست که خدا و اولیای الهی بیکار نشسته باشند. وقتی زکریا بن آدم به امام رضا علیه‌السلام نامه نوشت که جوانان قم جهالت دارند، من از این شهر بروم، امام رضا علیه‌السلام فرمودند: «بمان، تو برای مردم قم امن هستی، همانگونه که پدرم برای مردم بغداد امن بود»[2]. در تاریخ هزار و چند صد ساله که حضرت حضور داشتند بلاها و گرفتاری‌های بسیار فراوانی علیه شیعه وجود داشت، یکی از آن‌ها حمله مغول در سده هفتم بود که سرزمین‌های اسلامی را ویران کردند، اما همان کسانی که وارد این سرزمین‌ها شدند و همه را با خاک یکسان کردند، عاقبت مسلمان شدند. همان‌ها گوهرشادها و سلاجقه شدند، مساجد و پل‌ها و ساختمان‌ها و منابر را آن‌ها ساختند و همان‌ها بزرگ‌ترین مدافعان تبلیغ دین و اسلام گشتند. بهترین مغزهای ما، مغزهای متفکر اسلامی در خدمت در آمدند، خواجه نصیر در خدمت هلاکوخان در آمد. چون این‌ها در اسلام ذوب شدند.

آیا این‌ها نقش نیست؟ شیعه چطور با این همه دشمن باقی ماند؟ همین الان زمین و زمان را به هم دوخته و بافته‌اند که اثری از شیعه و اهل‌بیت و ولایت نماند. چطور جهان لبریز است، چطور بیست‌میلیون آدم پیاده به کربلا می‌روند؟ آیا دست ولی عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف نیست؟ انتظار داریم نقش حضرت را چگونه ببینیم؟ امام جعفرصادق علیه‌السلام به آن زندیق فرمود: «خواب و بیداری تو از خدا است، نفس تو از اوست، چشم و بینایی و شنوایی تو از اوست، همه وجود تو از اوست... »[3] اگر درست بیاندیشیم دست حضرت صاحب عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف هم دست پنهانی نیست. چه بسا اگر پرده کنار برود، با این همه ضعف‌ها و عیب‌هایی که داریم، بر ما بسیار آشکارتر خواهد شد که حضرت چه دفاعی از شیعه و کیان شیعه و کشور شیعه می‌کنند.

قرار نیست انبیا و اولیا همه علمشان را بروز و ظهور دهند؛ چون اگر بروز دهند نقش آن‌ها تغییر می‌کند. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله اگر برای مردم نسخه می‌پیچید یک طبیب حاذق می‌شد ولی دیگر پیامبر نبود! تعلیم و تربیت و پرورش روان سخت‌ترین و دشوارترین کاری است که انبیا به عهده گرفتند. خدا می‌فرماید: «فَبَعَثَ اللهُ غُرابًا یَبحَثُ فِی الارض» کنایه از اینکه برای کارها و امور دنیایی از دور به شما کمک می‌کنم. بنابراین نباید این توقع را از امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف داشت که برای کرونا یا هر مسئله بهداشتی دیگر نسخه بپیچد.

پی‌نوشت‌ها:

۱. واقعه:۶۳ و ۶۴.

۲. بحار الأنوار ، ج۵۳، ص ۱۷۵، ح۷.

۳. مفاتیح‌الجنان، دعای عدیله.

۴. مائده:۳۱.

۵. «لَا تَفْعَلْ فَإِنَّ أَهْلَ قُمَّ یدْفَعُ عَنْهُمْ بِکَ کَمَا یدْفَعُ عَنْ أَهْلِ بَغْدَادَ بِأَبِی الْحَسَنِ علیه‌السلام». بحارالأنوار، ج۴۹، ص۲۷۸، ح۳۲.

۶. طبرسی، الإحتجاج، ج۲، ص۳۳۱، احتجاج أبی‌عبد الله الصادق علیه‌السلام فی أنواع شتی من العلوم الدینیة علی أصناف کثیرة من أهل الملل و الدیانات.

تمدن غرب در چالش‌های کرونا

چالش‌های معرفتی، هویتی و کارکردی

دکتر سید ضیاءالدین میرمحمدی
عضو هیأت عملی گروه تاریخ و تمدن دانشگاه معارف اسلامی





درآمد

ممکن است در آینده تمدن غرب، این تمدن فعال جهانی، تحولاتی ببینیم که بخشی از آن به‌خاطر این پدیده طبیعی کرونا، باشد. سه محور چالش‌های معرفتی و هویتی و کارکردی که این پدیده طبیعی برای تمدن غرب ایجاد کرده در این نوشتار مورد بحث قرار می‌گیرد. این نوشته درآمد و مقدمه‌ای است بر اینکه چگونه پدیده‌ای طبیعی، که در جهان طبیعی شکل می‌گیرد، می‌تواند پدیده‌های انسانی و تاریخی و تمدنی را تحت‌الشعاع قرار دهد.

سه نکته در انحطاط تمدن غرب

قبل از ورود به اصل مطلب به بیان سه نکته به عنوان مقدمه پرداخته می‌شود:

نکته اول؛ اینکه می‌توانیم چالش‌های کرونا برای تمدن غرب را با رویکردهای مختلف تمدنی از جمله رویکرد فلسفی، راهبردی، الهیاتی، نظریه‌های علوم انسانی، تاریخی، میان رشته‌ای و فرا رشته‌ای مورد بررسی قرار دهیم؛ که در ایران معمولاً با رویکرد تاریخی مطالعات و مباحث تمدنی انجام می‌شود. این مقاله در حد درآمد و مقدمه‌ای است که با رویکرد فلسفی و راهبردی به این چالش‌ها می‌پردازد و پرداختن بیش از این نیاز به کاری پژوهشی و تأمل مضاعف دارد.

نکته دوم؛ سؤال از انحطاط تمدن غرب مانند دیگر تمدن‌ها، قبل از جنگ جهانی اول و دوم، بین فیلسوفان نظری تمدن غرب مطرح بوده است؛ اما جواب این سؤال تابع مبنای اتخاذ شده است؛ انحطاط تمدن غرب تابع کدام یک از جبر فلسفی یا جبر تاریخی است؟ اگر مبنا جبر فلسفی باشد، انحطاط تمدن‌ها قطعاً یک فرایند جبری و ذاتی است و تمدن غرب هم از این قاعده مستثنا نیست. اگر مبنا جبر تاریخی باشد، انحطاط و عدم انحطاط تابع عوامل و شرایط تاریخی است. در نبود برخی علل و عوامل و شرایط تاریخی، ممکن است یک تمدن به سمت انحطاط برود و با وجود این علل و عوامل و شرایط تاریخی ممکن است جلوی این انحطاط گرفته شود.

پدیده‌های طبیعی، مخصوصاً بعد از رنسانس، به ندرت توانستند جهان انسانی و تاریخی و به طریق اولی جهان تمدنی را تحت‌الشعاع قرار دهند. آیا این پدیده طبیعی، تمدن‌ها و از جمله تمدن غرب را که بعد از رنسانس تا امروز یک تمدن فعال جهانی بوده و معادلات عمده سیاسی فرهنگی اجتماعی در دنیا توسط آن رقم خورده، می‌تواند دچار انحطاط کند؟

این سؤال در حالی مطرح است که بخشی از انحطاط تمدن‌های بزرگی که در قرآن از آن‌ها نام برده می‌شود، بر اساس سنت‌های طبیعی رقم خورده است. بنابراین کرونا یک فرصت است که ما فضای جهان طبیعی و پدیده‌های طبیعی را وارد حوزه مطالعات تمدنی کنیم. اما در مطالعات تمدنی در ایران، کمتر بین جهان طبیعی و جهان انسانی و جهان تمدنی نسبت برقرار می‌کنیم.

یک آسیب جدی که در مطالعات تمدنی ما و جهان اسلام وجود دارد این است که وقتی وارد مباحث پیدایش، گسترش، تعالی و انحطاط تمدنی می‌شویم، معمولاً اینها را با پدیده‌های انسانی و جهان انسانی گره می‌زنیم؛ اما چیزی که امروز اتفاق افتاده یک پدیده طبیعی است و این پدیده نظام نیازهای

یکی از فلسفه‌های اصلی چالش غرب با انقلاب اسلامی ایران در این چهل سال، چالش تمدنی است. جهان‌بینی تمدنی که انقلاب اسلامی ایران ایجاد می‌کند و توسعه می‌دهد کاملا با جهان بینی تمدنی غرب در تضاد است و این نکته را هانتینگتون نیز تأکید می‌کند. بنابراین تمدن غرب در وضعیت چالشی با تمدن‌های کشورهای آسیای شرقی و روس‌ها و کشورهای اسلامی با محوریت ایران و انقلاب اسلامی قرار دارد و این چالش به واسطه کرونا سرعت و شتاب بیشتری می‌گیرد.



رهبر معظم انقلاب در ارتباط تصویری با ستاد ملی کرونا تأکید کردند:

توانایی مدیریت، فلسفه اجتماعی و اخلاق سه عرصه شکست غرب در کرونا

تمدن غرب را به شدت تحت‌الشعاع قرار داده است. از این حیث فرصتی ایجاد شده که مؤلفه‌ها و ارکان جهان تمدنی را صرفاً از نوع انسانی و تاریخی نبینیم و پدیده‌های طبیعی(این پدیده طبیعی چه مستقیماً به واسطه خدا اتفاق افتد و چه بر اساس یک اسباب طبیعی ، که الان در دنیای امروز شاهد آن هستیم اتفاق افتد) را نیز بخشی از اجزا و مؤلفه‌های درون جهان تمدنی به حساب آوریم که می‌توانند در پیدایش و تعالی یا انحطاط تمدن نقشی، حتی مستقیم، ایفا کنند. نمونه‌های تاریخی و قرآنی این بحث نیز کاملا قابل بررسی است.

کرونا به عنوان یک پدیده طبیعی تمدن‌های شرقی را کمتر از تمدن غرب تحت‌الشعاع قرار داده است، یعنی تمدن غرب بیشترین آسیب را از این پدیده طبیعی دیده است. چه کرونا به‌وجود می‌آمد، چه نمی‌آمد، بر مبنای جبر فلسفی یا جبر تاریخی انحطاط تمدن‌ها، فرضیه‌ای جدی بوده است. بخش مهمی از فیلسوفان نظری تمدن غرب مقوله انحطاط تمدن غرب را مطرح کرده‌اند که گویا کرونا این بحث را شتاب بخشیده و انحطاط تمدنی غرب را با شتاب بالاتری در آینده خواهیم دید. نتیجه این شتاب در انحطاط تمدنی غرب، جابه‌جایی در کانون‌های فعال تمدن جهانی است. البته قبل از کرونا هم این جابه‌جایی در حال انجام بود ولی کرونا، به عنوان یک پدیده طبیعی، این جابه‌جایی کانون‌های فعال تمدنی از مغرب زمین به مشرق زمین را، تسریع کرده است.

آن دسته از متفکران آمریکایی که نظراتشان در اخبار رسمی و پایگاه‌های ما منتشر می‌شود اخیراً بحث جابه‌جایی کانون‌های تمدنی را مطرح کرده‌اند. برخی از فیلسوفان نظری غرب مثل اشنپگلر، آلبرت شوایتزر، سوروکین، کروبرو دانیلفسکی، بدیلر شخصیت‌هایی هستند که حتی قبل از جنگ جهانی دوم تأکید داشتند تمدن غرب یک مسیر انحطاطی را شروع کرده و دهه به دهه قدرت و توان تمدنی غرب کاهش پیدا می‌کند. آقای هانتینگتون، رئیس مرکز استراتژیک کاخ سفید، با رویکردی راهبردی تمدن‌های موجود جهان، از جمله تمدن غرب را مورد تحلیل قرار می‌دهد و تز وی این است که تمدن غرب به سمت انحطاط می‌رود.

هانتینگتون تز نظم «نوین جهانی و برخورد تمدن‌ها» را ارائه می‌دهد تا جلوی انحطاط تمدن غرب را بگیرد. اساساً کتاب «نوین جهانی و برخورد تمدن‌ها»، با نگاهی راهبردی به تجویز سیاست‌های تمدنی برای کاخ سفید پرداخته است تا جلوی انحطاط تمدن غرب را بگیرد. تمام حرف این کتاب این است که تمدن‌هایی که در جریان هستند چالش‌هایی را برای توانِ تمدنیِ تمدن

مهم‌ترین چالش کرونا در جامعه غرب، چالش‌های کارکردی است. در چالش‌های کارکردی پاسخ‌های تمدن غرب به نیازهایی که در جهان تمدنی پیش می‌آید پاسخ‌های کاملی نیست و این پاسخ‌های ناقص یک چالش کارکردی جدی برای تمدن غرب ایجاد می‌کند. کرونا یک پدیده طبیعی است ولی کارکرد نظام تمدنی، کارکرد نظام فرهنگی، سیاسی و اقتصادی تمدن غرب را نشانه گرفته و در این نشانه‌گیری با عدم پاسخ‌های جدی از طرف نظام‌های تمدنی غرب مواجه هستیم.

غرب ایجاد می‌کنند. تمدن‌های در جریان و چالش‌زا برای تمدن غرب از جمله تمدن اسلامی به محوریت انقلاب اسلامی ایران، تمدن روس‌ها با محوریت یک تمدن مسیحی ارتدوکس، تمدن آسیای شرقی با محوریت چین هستند که اگر برخورد تمدنی اتفاق نیفتد مسیر انحطاطی تمدن غرب رقم می‌خورد. او در این کتاب دهه ۶۰-۷۰-۸۰-۹۰ میلادی را با هم مقایسه می‌کند و می‌گوید هر دهه میلادی که جلو می‌رویم نشان از کاهش قدرت تمدنی غرب هست. این کاهش قدرت را در عرصه اقتصاد و سیاست و فرهنگ با یک سری آمارها و استقراءهای تاریخی نشان می‌دهد.

نکته سوم؛ وضعیت موجود تمدن غرب است. براساس دو نکته قبلی تمدن غرب، تمدن مسلط رایج جهان است، رایج از این حیث که تمدن فعال جهانی است. بعد از جنگ جهانی دوم و جنگ سرد تا ۲۰-۳۰ سال اخیر تمدن غرب با محوریت اروپای غربی و آمریکا یکه تازی می‌کرد و رقیبی نداشت. اما در ۲۰-۳۰ سال اخیر با حضور چینی‌ها و کشورهای آسیای شرقی از یک طرف و کشورهای اسلامی با محوریت ایران از طرف دیگر وضعیت فرق کرده است. هانتینگتون می‌گوید: چالش غرب در آینده به لحاظ تمدنی با تمدنی است که انقلاب اسلامی ایران ایجاد کرده است و دلیل او هم مبتنی بر استدلال تاریخی است؛ چون ایران

سه دوره تجربه تمدن جهانی را دارد و دوره چهارم نیز با محوریت ایران اسلامی و انقلاب اسلامی در جهان اسلام اتفاق می‌افتد.

یکی از فلسفه‌های اصلی چالش غرب با انقلاب اسلامی ایران در این چهل سال، چالش تمدنی است. جهان‌بینی تمدنی که انقلاب اسلامی ایران ایجاد می‌کند و توسعه می‌دهد کاملاً با جهان‌بینی تمدنی غرب در تضاد است و این نکته را هانتینگتون نیز تأکید می‌کند. بنابراین تمدن غرب در وضعیت چالشی با تمدن‌های کشورهای آسیای شرقی و روس‌ها و کشورهای اسلامی با محوریت ایران و انقلاب اسلامی قرار دارد و این چالش به واسطه کرونا سرعت و شتاب بیشتری می‌گیرد.

تمدن معیار در بوته نقد

اگر بخواهیم تحلیل جامعی از تمدن غرب ارائه دهیم باید به تحلیل پارادایمی که شامل تحلیل هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی و روش‌شناسیِ تمدن غرب است، بپردازیم. تمدن غرب خود را به عنوان تمدن معیار معرفی می‌کند یعنی هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی و روش‌شناسیِ خود را معیار می‌داند. البته از نظر ما و جهان شرق، نه این تمدن و نه سه گانه مذکور هیچ‌کدام معیار نیستند و شاهد ما بر این ادعا ناکارآمدی هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی و روش‌شناسی تمدن غرب نسبت به تحلیل و رویارویی با پدیده طبیعی کروناست.

اولین چالشی که کرونا در حال حاضر برای تمدن غرب ایجاد کرده، چالش معرفتی است. کرونا حیثیت معرفتی و بالتبع حیثیت وجودی تمدن غرب را تحت‌الشعاع قرار داده است. تمدن غرب در دنیا به این شناخته می‌شود که توان پاسخ‌گویی به هر چالش و نیازی را دارد. تمدن غرب مدعی است در حوزه نیازهای معرفتی قدرت پاسخ‌گویی به چالش‌هایی که در حوزه‌های معرفتی و وجودشناسی و هستی‌شناسی ایجاد می‌شود را دارد اما نظام معرفتی تمدن غرب تاکنون در برابر شناخت و مهار این ویروس ناتوان بوده است!

در حوزه معرفتی بحث مهم به لحاظ چالش تمدنی، تمدن معیار است. در دهه‌های اخیر، آن چیزی که تمدن غرب در دنیا روی آن تأکید می‌کند این است که فرهنگ و تمدن غرب، فرهنگ و تمدن معیار است! جهانی‌سازی را اساساً بر این الگو بنیان نهاد. در پایان تاریخ هم از منظر فلسفه نظری تاریخ، هم از منظر فلسفه نظری تمدن، تمدن غرب به این رسید که پایان تاریخ و پایان تمدن، حاکمیت تمدن غرب ست. با همین مبنا الگوهای مطالعاتی را دستکاری کردند، الگوهایی که اینها درست کردند به این شکل است که در پایان تمدنی تنها حاکمیت از آن غرب است.

حتی غربی‌ها در پیدایش و استمرار و پایان تمدنی اصل‌های جعلی به نام اصل وحدت تمدنی برساختند. به این معنا که شروع و استمرار و پایان تمدن، صرفاً با تمدن غربی است. معیارهایی را برای بررسی تمدن‌ها، به عنوان الگوهای مطالعاتی برای تحلیل و درک تمدن‌های جهانی، طراحی کردند که نهایت آن معرفی تمدن غرب به عنوان تمدن معیار می‌شد! در مرحله بعد می‌خواستند تمدن معیار را در دنیا به عنوان قاعده معرفی کنند که تمدن‌های دیگر تابع و پیرو این تمدن شوند، اما یک پدیده طبیعی مثل کرونا معیارِ معیار بودن تمدن غرب را به هم زد. یعنی به دلیل عدم پاسخگویی به خیلی از نیازهای تمدنی که الان در جهان غربی ایجاد شده، غرب به شدت با چالش جدیِ معیار بودن تمدن غرب برای جهان شرق و جهان اسلام و حتی خود غرب، مواجه است.

محور اصلی تمدن غرب نظم مدنی و نظم مکانیکی است که در جهان تمدنی خود ایجاد کرده؛ اما یکی از عوارض و چالش‌های جدی کرونا در اروپای غربی و آمریکا، بر اساس مستنداتی که خودشان ارائه کرده‌اند، بر هم خوردن همین نظم مدنی و نظم مکانیکیِ تمدن غرب است. یک پدیده طبیعی توانسته یک تمدن با قدرت و دامنه چهارصد ساله را زمین‌گیر کند.

در کمترین مدت بین چند ماه تغییر وضعیت فرهنگی، حتی به لحاظ نظام توزیع و مصرف، در آمریکا و کشورهای اروپای غربی اتفاق افتاد. باید توجه شود منظور از اختلال در نظام توزیع و مصرف، صرفاً ایستادن در صف مواد غذایی نیست. منظور این است که یک پدیده طبیعی مثل کرونا، تعاون به معنای همبستگی اجتماعی را کلاً از بین می‌برد. همبستگی اجتماعی حتی از نوع مکانیکی آن که یکی از کارکردهای اصلی تمدن غرب برای جامعه غربی بوده است، در کوتاه مدت به گسست اجتماعی منجر شده است. اینکه ناگهان فروشگاه‌ها خالی می‌شود و صف‌های کیلومتری برای تأمینِ مایحتاج ابتدایی تشکیل می‌شود نشان می‌دهد این تمدن با کمترین پدیده طبیعی با چالش‌های تمدنی مواجه است؛ نظم مکانیکی و مدنی خودش را از دست می‌دهد و به جای همبستگی اجتماعیِ جبری و ماشینیِ حاکم در جامعه غربی، شاهد گسست اجتماعی هستیم.

چالش هویتی

دومین چالشی که تمدن غرب در مواجهه با کرونا با آن مواجه است چالش هویتی است. هانتینگتون در کتاب خود می‌گوید: جنگ آینده در جهان تمدنی، هویت‌های تمدنی است. در آینده وقتی از یک حوزه یا شخص یا گروه انسانی سؤال می‌شود که شما به کجا تعلق دارید، هویت تمدنی پاسخ این تعلق است و اصلاً نزاع‌ها و برخوردها با هویت تمدنی است و در نهایت یک هویت تمدنی واحد در جهان تمدنی حاکم خواهد شد! هویت تمدن غرب مبتنی بر خیلی مؤلفه‌ها و شاخص‌هاست که در کتاب نام می‌برد و به نوعی هویت تمدنی غرب را یک هویت تاریخی اتصالی تصویر می‌کند که اصلا نمی‌شود آن را زیر سؤال برد! حال آنکه با همین پدیده کرونا نظم ظاهری مدنی و نظم ماشینی غرب که منشاء هویت تمدنی غرب بود به شدت با چالش جدی مواجه شده است. کرونا یک پدیده طبیعی در جهان طبیعی است که بازتاب‌ها و کارکردهایی در جهان انسانی و جهان تمدنی ایجاد می‌کند.

مهم‌ترین چالش کرونا جدا از خیلی از کمبودهایی که در جامعه غرب ایجاد شد، چالش‌های کارکردی است که برای تمدن غرب پیدا شده است. در چالش‌های کارکردی پاسخ‌های تمدن غرب به نیازهایی که در جهان تمدنی پیش می‌آید پاسخ‌های کاملی نیست و این پاسخ‌های ناقص یک چالش

کارکردی جدی برای تمدن غرب ایجاد می‌کند. کرونا یک پدیده طبیعی است

غربی‌ها در پیدایش و استمرار و پایان تمدنی، اصل‌های جعلی به نام اصل وحدت تمدنی برساختند؛ به این معنا که شروع و استمرار و پایان تمدن، صرفا با تمدن غربی است. معیارهایی را برای بررسی تمدن‌ها، به عنوان الگوهای مطالعاتی برای تحلیل و درک تمدن‌های جهانی، طراحی کردند که نهایت آن معرفی تمدن غرب به عنوان تمدن معیار می‌شد! در مرحله بعد می‌خواستند تمدن معیار را در دنیا به عنوان قاعده معرفی کنندکه تمدن‌های دیگر تابع و پیرو این تمدن شوند، اما یک پدیده طبیعی مثل کرونا معیارِ معیار بودن تمدن غرب را به هم زد. یعنی به دلیل این عدم پاسخگویی به خیلی از نیازهای تمدنی که الان در جهان غربی ایجاد شده، غرب به شدت با چالش جدیِ معیار بودن تمدن غرب برای جهان شرق و جهان اسلام و حتی خود غرب، مواجه است.

ولی کارکرد نظام تمدنی غرب، کارکرد نظام فرهنگی، سیاسی و اقتصادی تمدن غرب را نشانه گرفته و در این نشانه‌گیری با عدم پاسخ‌های جدی از طرف نظام‌های تمدنی غرب مواجه هستیم.

اساساً تمدن تنها نظامی است که قدرت پاسخ‌گویی به نظام نیازهای انسان را دارد. انسان‌ها به سمت تمدن می‌روند چون تمدن عالی‌ترین سطح نظام اجتماعی است. خیلی از نیازهای انسانی در سطح فردی یا خانوادگی یا اجتماعی یا منطقه‌ای، باید بر اساس یک نظام پاسخ داده شوند و تنها نظامی که قدرت پاسخ‌گویی نظام نیازهای انسانی در تمام سطوح را دارد، نظامی است که تمدن ایجاد می‌کند. بنابراین تمدن یک نظام سیاسی دارد برای اینکه به نیازهای سیاسی انسان از سطح فرد تا مقیاس جهانی پاسخ دهد. تمدن ایجاد می‌شود برای اینکه به نظام نیازهای اقتصادی انسان‌ها پاسخ دهد؛ یعنی انسان‌ها یک نظام سیاسی و فرهنگی و اقتصادی دارند که بر تمدن متمرکز می‌شود برای اینکه به نیازهای سیاسی و اقتصادی و فرهنگی انسان تمدنی پاسخ داده شود.

قدرت تمدن غرب برای اینکه به نیازهای سیاسی‌اش پاسخ دهد، به شدت کاهش پیدا کرده و این کاهش قدرت را هم کرونا به شدت تحت‌الشعاع قرار داده است. خیلی از نیازهای فرهنگ تمدن غرب و جامعه غرب که باید نظام فرهنگی به آنها پاسخ دهد، به دلیل سیطره کرونا تحت‌الشعاع قرار گرفته است. بنابراین کرونا باعث شده که قدرت پاسخ‌گویی نظام‌های اقتصادی سیاسی فرهنگیِ تمدن غرب به نظام نیازهایی که ایجاد کرده بود به شدت مختل و با چالش‌های جدی مواجه شود. مهم‌ترین شاخصِ ارزیابیِ کارکردی یک تمدن فعال میزان توانمندی آن تمدن در پاسخگویی به نظام نیازهای سیاسی فرهنگی اقتصادی است. کرونا باعث شد تمدن غرب با چالش کارکردی مواجه شود و توان کارکردی‌اش در جامعه غرب و جهان تمدنی به شدت کاهش پیدا کرده است.

چیزی که اکنون در عینیت تمدنی اتفاق می‌افتد این است که چالش طبیعی به نام کرونا، قدرت و توان تمدن غرب را به شدت تحت‌الشعاع قرار داده و با چالش جدی مواجه کرده است.

کرونا به عنوان چالشی طبیعی، چالش‌های تمدنی برای تمدن غرب ایجاد کرد که حداقل می‌شود نتایج این چالش‌ها را در حوزه چالش‌های معرفتی و هویتی و کارکردی برای تمدن غرب مشاهده نمود. در مباحث تمدنی سه عامل می‌تواند نقش مهم و اساس داشته باشد ولی در مطالعات تمدنی تنها عامل انسانی را مورد بررسی قرار می‌دهند؛ اما دو عامل دیگر که غالباً نادیده گرفته شده، یکی عوامل طبیعی و دیگری عامل متافیزیکی است و جا دارد که در مورد این دو عامل مهم و مغفول پایانامه‌ها و مقالاتی نگاشته شود.

کارکردهای فردی اخلاق دینی

در مواجهه با بیماری‌های فراگیر

با محوریت کرونا



دکتر محمد جواد فلاح

دانشیار دانشگاه معارف اسلامی

درآمد

دیدگاه‌های اخلاقی زمانی توانمندی و اعتبار خود را نشان می‌دهند که در شرایط بحرانی و دو راهه‌های اخلاقی، کارایی و اثر بخشی لازم را داشته باشند. امروزه ما با نظریات مختلف اخلاق هنجاری (Normative ethics) مواجهیم. دیدگاه‌های غایت‌گرا، وظیفه‌گرا و فضیلت‌محور هر کدام برای حل مسائل اخلاقی پیشنهاداتی را طرح و بر اساس نظریه خود نسخه‌های اخلاقی را تجویز می‌کنند.

در رویکرد فضیلت‌محور، فضایلی هستند که معیار عمل‌کرد اخلاقی‌اند. در نگاه غایت‌گرایانه نیز دیدگاه‌ها متفاوت است. غایت گاهی سود، لذت، منافع و گاهی نیز سعادت و فوز است؛ دیدگاه اسلامی به موارد اخیر نزدیک‌تر است. در وظیفه‌گرایی معیار کار اخلاقی انطباق با وظایف است؛ البته اینکه وظایف اخلاقی اعتبارشان از کجاست، خود مسئله‌ای مجزاست. این نظریات رایج اخلاقی در صحنه عمل باید نشان دهند که چقدر می‌تواند موجب پیشبرد اهداف اخلاقی در فرد و جامعه شوند.

پدیده کرونا ویروس یکی از میدان‌هایی است که دیدگاه‌های اخلاقی به شکل عینی و ملموس مورد محک قرار می‌گیرند و می‌توان کارآیی و اثربخشی هرکدام از نظریات موجود را بر اساس آن ارزیابی کرد. این رصد می‌تواند با نگاهی کارکردگرایانه در دو حوزه اخلاق فردی و اخلاق اجتماعی باشد. نکته‌ای که در این مجال بر آن پای می‌فشاریم اذعان به این است که دیدگاه اخلاقی برخاسته از دین می‌تواند با داشتن مبانی و مؤلفه‌های واقعی نسبت به دیگر رویکردها، موفق‌تر عمل کند به ویژه توجه و تمرکز ما بر آموزه‌های اخلاق اسلامی است که نشان می‌دهد چگونه مبانی، معیارها و نوع ضمانت اجرای اخلاقیات در شرایط بحرانی مثل بیماری‌های فراگیر کاراتر و مؤثرتر عمل می‌کنند.

مقصود از اخلاق دینی

وقتی از اخلاق دینی گفت‌وگو می‌کنیم، مقصود ما واقعاً چیست؟ در نگرشی اسلامی محوری‌ترین عناصر این نوع اخلاق توجه به مبدأ و معاد است که می‌توان بر مدار آن به همه عناصر و اجزای اخلاق دینی پرداخت. از سویی این دو نگره در مبانی ما تأثیر به‌سزایی دارد به ویژه این‌که این مبانی از منابع اصلی دین گرفته شده باشد. در اخلاق دینی- در اینجا اسلام- سهم عمده، توجه به مبدأ و حضور و تأثیر خداوند در زندگی انسان است. خدایی که در تمام افعال و سکنات و حرکات همه فعل و انفعالات هستی و انسان حضور و ظهور دارد؛ نه خدایی که نظاره‌گر صرف است و جهان را کوک کرده و این جهان است که بدون دستکاری و دخالت الهی کار خودش را انجام می‌دهد. اخلاق دینی را باید به منابع دینی پیوند داد که منعکس‌کننده و معرفی کننده مبانی نیز هست و با هم پیوند وثیقی دارند. این منابع شامل منابع اصلی یعنی آیات و روایات اسلامی و منابع تبعی شامل تفسیر سایر علوم مرتبط است که منابع اصلی از طریق ابزارها و منابعی مثل عقل بر اساس معیارهای مشخص قابل داوری است. این مبانی که شامل مبانی الهیاتی، انسان‌شناختی، ارزش‌شناسی، هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی است خط و مشی اصلی اخلاق را رقم زده و زمینه‌ساز رفتارهای ما خواهد شد. لذا کارکردهای اخلاق دینی را می‌توان بر اساس مبانی ذکر شده تفسیر نمود.

در ادامه به کارکردهای دین در حوزه‌های اخلاق فردی خواهیم پرداخت و تا حدی نشان خواهیم داد اخلاق مبتنی بر دین به ویژه در شرایط دشوار و بحرانی که خودمحوری فزونی می‌یابد کاراتر و مؤثرتر عمل می‌کند.

کارکردهای فردی اخلاق دینی

۱. **حوزه اخلاق بندگی؛** یکی از مسائلی که انسان همواره نسبت به آن دغدغه دارد، نوع ارتباط او با خداست این ارتباط بستگی به نوع نگرش افراد دارد و ممکن است در شرایط مختلف متفاوت باشد؛ به ویژه در بحران‌ها ممکن است تعامل و ارتباط انسان با خداوند دستخوش تغییر شود. گاهی انسان بلاها و مشکلات را از جانب خدا می‌داند لذا لب به اعتراض گشوده و از چرایی چنین مصیبت‌ها و بلایایی سخن می‌گوید. زندگی اخلاقی و معنوی انسان نیز در چنین شرایطی گاه دستخوش تغییراتی می‌گردد. این حوادث گاهی منشأ دوری و بغض به حق و گاه اسباب نزدیکی و قرب به خداوند می‌شود و انسان را به عنوان موجودی نیازمند بیش از پیش به خداوند نزدیک می‌کند. گزارش مواجهه انسان در خوشی‌ها و ناخوشی‌ها در سوره فجر آمده است: «فَأَمَّا الْإِنسانُ إِذا مَا ابْتَلاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَ نَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ* وَ أَمَّا إِذا مَا ابْتَلاهُ فَقَدَرَ عَلَيهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَهانَنِ؛[1] آری، آدمی این‌گونه است که وقتی پروردگارش او را می‌آزماید به این طریق که عزیزش می‌دارد و نعمتش می‌بخشد، گوید پروردگارم مرا عزیز داشته و

انجام هر کاری را بر من روا دانسته است و امّا وقتی او را می‌آزماید به این طریق که روزی را بر او تنگ می‌گیرد، گوید: پروردگارم مرا خوار شمرده است».

بر اساس آیه فوق حالات انسان‌ها در برابر بلایا متفاوت است از این‌رو در مواجهه با بلایی چون کرونا این پرسش مطرح است که در مواجهه با این بیماری ارتباط ما با خداوند چگونه است؟ تفسیری که از نوع مواجهه با خداوند در شرایط این بیماری صورت می‌پذیرد این است که این بیماری در ارتباط با خدا می‌تواند در زیست اخلاقی افراد تأثیرگذار باشد، کسی‌که این بیماری را جلوه رحمت خدا می‌داند در تعامل با خودش، هستی و جهان، نسبت به کسی‌که این بلا را جلوه غضب خداوند می‌بیند، متفاوت است. به هر روی کرونا و بیماری‌های فراگیر شبیه آن، همواره افراد را وارد چالش‌های مذهبی و دینی می‌سازد و افراد پرسش‌های مختلفی را در این زمینه به میان می‌آورند: آیا خداوند نسبت به انسان‌ها غضب کرده است؟ آیا این بیماری اسباب تنبیه و بیداری معنوی و دینی جوامع است؟ آیا این بیماری مظهر رحمت الهی است؟ آیا خدایی که این بیماری را به جان بشر انداخته، عادل است؟ انسان‌های ضعیف و فقیر چگونه می‌توانند با این بیماری کنار بیایند؟ آیا خداوند ناظر این بندگان نیست؟ این‌ها بخشی از سؤالاتی است که در حوزه دینی و الهیاتی قابل طرح است.

البته نکته دیگر حضور مردم در اماکن مذهبی مثل مساجد یا مراسم‌های معنوی برای انجام فرائض دینی و ارتباط با خداست. آیا انسان می‌تواند به خاطر چنین شرایطی از حضور در این اماکن پرهیز کند؟ نیاز معنوی و روحی با مسئله حفظ سلامتی چگونه قابل جمع است؟ یکی از چالش‌های اخلاقی مؤمنان در این شرایط، مسئله حضور در اماکن مقدس برای تسکین معنوی یا نشستن در خانه برای حفظ سلامتی و عدم انتقال بیماری است.

۲. خودشناسی اخلاقی؛ حوادث و اتفاقات ناگوار همیشه زمینه‌ساز ظهور خلقیات و ویژگی‌های درونی افراد است. به تعبیر حضرت امیر علیه‌السلام: «فِی تَقَلُّبِ الْأَحْوَالِ عِلْمُ جَوَاهِرِ الرِّجَالِ». بیماری مثل کرونا باعث می‌شود افراد به خودشناسی اخلاقی دست یابند؛ این‌که: چقدر صبورند، به چه اندازه ایثارگرند، تا چه حدی ترسو و خائفند، چه میزان راجی و امیدوار هستند و در نهایت در مواجهه با چنین شرایطی از چه ویژگی‌های اخلاقی و روحی برخوردارند و چگونه می‌توانند چنین شرایط دشواری را مدیریت کنند.

در شرایط عادی ما همواره اخلاقی عمل می‌کنیم؛ ولی در شرایط بحرانی مثل عصبانیت در محیط خانه، برآورده نشدن انتظارات و بسیاری از حوادث از جمله مرگ و رنج و نیز بیماری مثل کرونا بیشتر محک اخلاقی خواهیم خورد:

خوش بود گر محک تجربه آید به میان
تا سیه‌روی شود هر که در او غش باشد

یعنی وقتی میدان ابتلا و امتحان پیش آید بر اساس فرموده امام حسین علیه‌السلام: «فَإِذَا مُحِّصُوا بِالْبَلَاءِ قَلَّ الدَّيَّانُونَ». اتفاقاتی را که در جوامع مختلف از جمله جامعه غرب مشاهده می‌کنیم، نشانه نوعی خودخواهی و خودمحوری است که هر کس می‌خواهد تنها گلیم خود را از آب بیرون بکشد و عنایتی به حقوق دیگران ندارد. اما در نگاه دینی چنین خودمحوری مطرود است و این‌گونه نیست بلکه ما به حکم وظیفه باید مراقب دیگران باشیم و صفاتی چون احسان، گذشت و ایثار در چنین شرایط بحرانی سرلوحه امور ما باشد از این جهت افراد می‌فهمند که تا چه حد می‌توانند اخلاقی رفتار کنند. در اصل مسئله دین می‌تواند موجد چنین رفتاری باشد چرا که در چنین شرایطی ضمانت اخلاق حائز اهمیت است از این جهت ما در فضای کرونا با نوعی محک اخلاقی مواجهیم که در اخلاق فردی است مثلاً با توجه به شرایطی که پیش می‌آید، در معرض خدمت‌رسانی به کسانی واقع می‌شویم که از این وضعیت آسیب‌دیده‌اند هر چند که خودمان در معرض ابتلا به بیماری قرار بگیریم.



۳. خود مراقبتی؛ یکی از مشکلاتی که این‌روزها جامعه کرونازده ما را تهدید می‌کند، بی‌تفاوتی نسبت به خود و سلامتی خویش است. برخی افراد سهل انگارانه خود را در معرض این بیماری قرار داده و اصلاً توجهی به توصیه‌های ایمنی نمی‌کنند. این افراد جدای از این‌که خود را در معرض بیماری قرار می‌دهند، باعث می‌شوند دیگران نیز دچار مشکلاتی شده و به جهت اجتماعی نیز به دیگران لطمه می‌زنند. ما در تعامل با «خود» باید ارزش و قدر خویش را در نظر گرفته و با یک «خود احترامی» و «خود ارزشمندی» دوست باشیم. مهربانی با خود و مراقبت از سلامتی جسمی و روحی یکی از بایدهای اخلاق دینی است که همواره مورد توجه قرار دارد. این‌که قرآن می‌فرماید: «قُوا أَنْفُسَكُمْ» و «عَلَيكُمْ أَنْفُسَكُمْ» هم دلالت بر مراقبت روح و نفس دارد و هم دلالت بر مراقبت جسمی؛ که به عنوان یک اولویت در این کتاب الهی یاد شده است. عدم چنین مراقبت معنوی و روحی افراد را دچار افسردگی کرده، باعث می‌شود- آن‌چنان که در گزارش‌های رسانه‌ها آمده- افراد به‌خاطر خسته شدن از شرایط محدود کننده کرونا و حالت‌های وسواسی و افسردگی، خودکشی کنند یا به خود آسیب‌های جبران‌ناپذیری وارد کنند یا این‌که برخی افراد خود را از ترس این بیماری به شدت حبس و زندانی کرده‌اند.

۴. دل‌آرامی و اطمینان قلب؛ یکی از مسائلی که همواره می‌تواند افراد را در شرایط سخت و بحرانی آرام کند توجه به خداوند به عنوان عنصر امیدبخش است.

گزارش‌ها از شرایط روحی و روانی افراد در کشورهای مختلف، حاکی از بحران‌های روحی شدید مثل اضطراب، استرس، افسردگی و نگرانی به واسطه ظهور این بیماری است از این‌جهت دین می‌تواند زمینه‌ساز ارتباط معنوی انسان و خدا شده و با تفسیری که از ابتلائات و رنج‌های انسان ارائه می‌کند، زمینه‌ساز معنابخشی به زندگی و آرامش افراد گردد. بخش مهمی از اضطراب افراد در شرایط دشوار زندگی به ویژه کرونا، عدم دستیابی به معنای صحیح از زندگی است که در پرتو دین قابل تحقق است.

۵. امیدواری؛ یکی از مسائل مهمی که در شرایط بحرانی به ویژه در بیماری کرونا مهم است، مسئله امیدواری و عدم یأس است. این مسئله به ویژه درباره کسانی که گرفتار بیماری شده‌اند بیشتر حائز اهمیت است؛ افراد مسئولند از ایجاد حس ناامیدی برای چنین بیمارانی به شدت پرهیز کنند. اخلاق دینی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی در این زمینه نیز می‌تواند کارگشا باشد. البته روح امیدی که در تعالیم اسلامی آمده مبتنی بر رحمت و عنایت الهی است و در جهان‌بینی اسلامی مؤمنان همواره باید خود را در سایه رحمت الهی بدانند؛ چنانچه در آیه شریفه «وَ لا تَیأَسُوا مِنْ رَوْحِ‌اللهِ» را «أَیْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَتِهِ؛[۷] یعنی از رحمت خدا ناامید نشوید» معنا کرده‌اند.

در این صورت افراد به واسطه شرایط بحرانی همه چیز را تمام شده نمی‌انگارند و چشمشان به روزنه‌های خیر و رحمت از جانب خداوند است که زمینه فرج و گشایش را در سخت‌ترین شرایط فراهم می‌کند. معنای این سخن آن است که افراد در دشواری‌ها همواره نیازمند حمایت فوق‌العاده و برتر هستند که در نگاه دین این عنصر، خداوند است که می‌تواند امیدبخش افراد در این شرایط باشد. از این جهت در ایام کرونا میل به دینداری و ذکر و یاد خدا بیش از پیش به چشم می‌خورد.

نتیجه

از مهم‌ترین مسائلی که در بحران کرونا می‌توان از منظر اخلاقی به آن پرداخت، ارتباط افراد با خود و مدیریت تنهایی و مقابله با مسائلی چون ترس، ناامیدی، یأس و ایجاد انگیزه و امیدواری است.

یکی از مهم‌ترین عواملی که می‌تواند منجر به بهبود رابطه افراد با خودشان



در شرایط کرونا شود عنصر دین است. دین بر اساس مبانی الهیاتی و انسان‌شناختی، با ایجاد باورهای بنیادین به خداوند و تنظیم حیات انسان با حضور خداوند در صحنه زندگی، افراد را امیدوار و از ترس، استرس و نگرانی‌های بی‌جا می‌رهاند.

در اخلاق دینی ارتباط معنوی انسان با خداوند و تکریم خویشتن، می‌تواند زمینه‌ساز بهبود وضعیت روحی افراد شده و در مدیریت تنهایی و اضطراب مهارت‌های بیشتری کسب کنند. این ویژگی در اخلاق مبتنی بر دین نمود بیشتر و پایاتری دارد. از طرفی شرایط کرونا زمینه‌ساز محک اخلاقی افراد است تا بر اساس قرار گرفتن در چنین شرایط دشواری، نگرش‌ها و نقاط ضعف و قوت اخلاقی خود را بازشناسند.

پی‌نوشت‌ها

۱. فجر:۱۵و۱۶.

۲. الکافی، ج۸، ص۲۳، خطبة الوسیله.

۳. بحار الأنوار، ج۴۴، ص۳۸۳.

۴. تحریم:۶.

۵. مائده:۱۰۵.

۶. یوسف:۸۷.

۷. مجلسی، مرآة‌العقول، ج ۱۰، ص۴۶، ح۲۴.

کارکردهای اجتماعی اخلاق دینی

در مواجهه با بیماری‌های فراگیر با محوریت کرونا

دکتر محمدجواد فلاح
دانشیار دانشگاه معارف اسلامی



درآمد

ثمرات فردی که دین در مواجهه با بلایا پیش روی ما قرار می‌دهد باعث شکوفایی اخلاق فردی، نجات از تنهایی، امیدواری و دوری از ترس و اضطراب در شرایط بحرانی کروناست که در مقاله قبل، بیانش گذشت. اما کارکردهای اجتماعی کرونا نیز مهم است؛ چرا که نمونه‌های ایثار و گذشت یا فداکاری، بخشش، مددکاری، همدلی، همراهی، تعاون یا مشارکت و خیرخواهی در جامعه دینی و سکولار از منظر اخلاقی متفاوت است.

امروز در شرایط کرونا بخش مهمی از مدیریت این بحران را در گرو مواجهه اخلاقی مطلوب با این مسئله می‌دانیم که باور به دین و معتقدات مذهبی در این باب مؤثرند. قبل از ورود به کارکردهای اجتماعی دین دو نکته حائز اهمیت است:

نخست: انگیزه اخلاقی؛ در اخلاق اجتماعی که با رویکرد دیگرگرایانه مواجه هستیم انگیزه اخلاقی بسیار مهم است. چه چیزی ما را وادار می‌کند تا نسبت به دیگران از خود محوری فاصله گرفته و فارغ از منافع خود به دیگران بیاندیشیم؟ در وضعیت کرونا مصادیق بسیاری را می‌توان یافت که ما در آن نیاز به گذشت، ایثار، احسان و فداکاری نسبت به دیگران داریم. آنچه می‌تواند انگیزه اخلاقی انسان را در این باب سامان دهد، اخلاق مبتنی بر دین است چرا که در تعالیم دینی، مراعات دیگران مورد سفارش قرار گرفته و مورد رضایت الهی است. شخص دیندار که در صدد تأمین رضایت خداوند است و اخلاقی زیستن را نوعی فرمان‌برداری و عبادت تلقی می‌کند از انگیزه بیشتری در مواجهه با مسائل اخلاقی برخوردار است.

دیگرگرایی سطوحی دارد، سطح اولیه آن رعایت حقوق طرف مقابل است و در جایگاهی بالاتر و فراتر از رعایت حقوق آمران آن است که حق دیگری را بر خود مقدم داری و این اوج اخلاق است که عمل این سطح از اخلاق بدون وجود انگیزه‌های متعالی دشوار است.

دوم: ضمانت اجرای اخلاق؛ بسیاری از افراد در مقام عمل، داعیه دیگرگرایی و اخلاقی زیستن را دارند ولی در عمل به دام خودگرایی و منفعت‌گرایی فردی می‌افتند از این‌رو به نظر می‌رسد در میان نظریات اخلاقی، اخلاق دینی دست برتر را دارد چرا که آنچه ضمانت زیست اخلاقی افراد است حمایت دین و عمل‌کرد اخلاقی افراد مبتنی بر واقع‌گرایی اخلاقی است که بر اساس آن اعمال اخلاقی از حقائق ذاتی برخوردار و دارای اثر وضعی و حقیقی هستند.

مهم‌ترین اثر وضعی اخلاق، توسعه نفس و رسیدن به کمال حقیقی است. در کنار این مهم، ثمرات و نتایج مادی، معنوی، دنیوی و اخروی را نیز به همراه دارد. از این‌رو در قرآن بیان شده است که: «إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ» و یا آمده است: «وَ أَوْحَيْنا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرات» چرا که اثر واقعی در خیرات و عمل خیر بر اساس مشیت و اراده الهی است و خداوند چنین اثر وضعی را در افعال اخلاقی قرار داده که عاملین به آن به سمت سعادت هدایت شوند و کسانی‌که به آن عمل نمی‌کنند زمینه گمراهی خود را فراهم کنند.

به هر روی در اخلاق دینی، ضمانت اخلاق امری فراتر از عوامل انسانی است؛ از این‌رو افراد در عمل‌کرد اخلاقی‌شان مقاوم‌تر و وفادارتر هستند به ویژه در شرایط کرونا که نیاز بیشتری به عمل‌کرد اخلاقی تضمین شده داریم؛ در غیر این صورت معمولاً افراد در بحران‌ها دچار نوعی خودگرایی برای نجات خویش هستند و ممکن است حقوق دیگران را تضییع کنند چه رسد به آنکه بخواهند دیگران را بر خود مقدم دارند.

با توجه به این دو نکته، مهم‌ترین آثاری که عنصر دین به عنوان دستاورد اخلاقی در عرصه اجتماع در شرایط دشوار بیماری به ما ارزانی داشته را مرور می‌کنیم:

۱. امنیت عمومی؛ چگونه می‌توان به امنیت عمومی دست یافت؟ آیا سازمان‌ها و نهادهای نظامی و انتظامی می‌توانند چنین شرایطی را فراهم کنند؟ امروزه میزان فروش اسلحه در شرایط کرونا در کشورهای غربی بالا رفته است

زیرا در چنین شرایط بحرانی و کمبود مواد اولیه مورد نیاز، افراد در معرض سرقت و یا حمله‌های مسلحانه قرار می‌گیرند! این‌که افراد در چنین شرایطی خویشتن‌داری کنند و به اموال دیگران دست‌اندازی نکنند و دیگران را در معرض ناامنی قرار ندهند، مرهون چیست؟ البته مسئله امنیت هم نگاهی فردی و هم اجتماعی و هم رویکردی حاکمیتی و سیاسی دارد. در این بخش نیز دین می‌تواند به خویشتن‌داری و مراقبت دیگران کمک کند و افراد را نسبت به دارایی‌ها و اموال و داشته‌های دیگران مسئول و مورد بازخواست قرار دهد.

امنیت عمومی زمانی محقق می‌شود که افراد نه تنها به دیگران تعدی نکنند بلکه دیگران را برخود مقدم بدارند. توحش، تعدی، حمله، دزدی و غارت، محصول تفکری است که تنها منافع خود را منظور می‌کند و به دیگران به عنوان ابزار رسیدن به اهداف مادی می‌اندیشد. چنین تفکری را تعلقاً نگاه دینی بر نمی‌تابد و برای انسان‌ها ارزش و جایگاه کریمانه قائل است.

۲.تکریم و احترام؛ در نگاه انسان‌شناختی دین، کرامت انسان جایگاه ویژه‌ای دارد. انسان تعریف و تصویر شده در قرآن بر اساس آموزه: «وَ لَقَدْ كَرَّمْنا بَني‌آدَمَ»[۳]، و « إِنِّي جاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَليفَةً»[۴] تفسیری ارزش‌مدارانه در بردارد و انسان را در هرشرایطی از ارزش ذاتی کرامت بهره‌مند می‌داند. البته ممکن است این ارزش ذاتی به واسطه اعمال اختیاری خود انسان دستخوش نابودی شود. از سویی در قرآن بر اساس آموزه: «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ» انسان امانتدار الهی است چیزی که «فَأَبَيْنَ أَن يَحْمِلْنَهَا وَ أَشْفَقْنَ مِنْهَا وَ حَمَلَهَا الْإِنسَانُ»[۵] به جز انسان نتوانست آن را حمل کند:

باری که حملش ناید ز گردون
جز ما ضعیفان حامل ندارد[۶]

یعنی این بار امانتی که آسمان و زمین و کوه و هستی نتوانست، انسان حامل آن شد و چنین ارزشی در گرو فرا زمان و فرا مکان بودن انسان معنا می‌یابد.

چنین انسانی در بحران و شرایط سخت و دشوار نیز برخوردار از کرامت است چه بیمار باشد، چه سالم، حتی جسد چنین انسانی نیز دارای حرمت و احترام است. اما برخی دیدگاه‌های اخلاقی به ویژه سودگرایانی چون جرمی بنتام و جان استوارت میل، بر اساس سود و نفع در این زمینه درباره انسان‌ها تصمیم می‌گیرند، بر این اساس با سالمندانی که ممکن است منافعی به همراه نداشته بلکه ضرر و زیان برای جامعه داشته باشند چگونه باید تعامل کرد؛ به ویژه درشرایط سخت و بحرانی کرونا.

یکی از مصاحبه‌هایی که از جانب برخی متفکران غربی طرح شد بیانگر این مطلب بود که ما باید به‌خاطر آیندگان و نوادگانمان عرصه را خالی کنیم و فرصت‌های سلامتی را در اختیار آنان قرار دهیم ولی در نگاه دینی ما این‌گونه نیست. سالمندان، به ویژه وجودشان، آثار وضعی خاصی دارد. به عنوان نمونه پیامبر خدا ﷺ فرمود: «کهنسال در میان خاندانش همانند پیامبر در میان امت خویش است»[۷]. و در جای دیگری فرمود: «بزرگ شمردن ریش سفید مسلمان، بزرگ شمردن خداست»[۸]. و نیز می‌فرماید: «هر کس برتری پیر را به دلیل سنش بشناسد و او را احترام کند، خدا وی را از هراس روز قیامت در امان می‌دارد»[۹]. این مسئله در کلام امام علی ؑ نیز گوشزد شده که: «با خردسالان خانواده‌ات مهربان باش و پیرانشان را بزرگ بشمار»[۱۰]. این ارزش‌گذاری در کلام امام زین‌العابدین ؑ این‌گونه آمده است: «از حقوق هم‌کیشانت این است که(در نگاه تو) پیرمردانشان همانند پدرو جوانانشان بسان برادرانت و پیرزن‌هایشان همانند مادرت و کودکانشان همانند فرزندانت باشند»[۱۱]. از سویی امام جعفرصادق ؑ فرمود: «سه گروهند که حقشان را جز منافقانِ شناخته شده نادیده نمی‌گیرند: ریش سفید مسلمان، حافظ قرآن و پیشوای دادگر»[۱۲]. اما در جوامع سودگر بر اساس منافع ممکن است سالمندان به فراموشی سپرده شوند و مشاهده می‌کنیم که در این ایام کرونا برخی کشورها آشکارا از دادن خدمات به سالخوردگان و ناتوانان سر باز می‌زنند! در این زمینه باز اخلاق دینی نسخه متفاوتی را می‌پیچد چرا که نمی‌توان به بهانه اولویت جوانان جامعه، سالمندان را رها کرد و در مرگ آن‌ها تسهیل نمود. البته در موارد چالشی نیز باید به مسائل دینی در این زمینه توجه کرد. بخشی از کارکردهای اخلاق دینی اتفاقاً در همین دوراهه‌ها و چالش‌های اخلاقی است.

مسئله دیگر تکریم نیازمندان است که در شرایط دشوار کنونی نیازمند توجه بیشتری هستند در تعالیم اسلامی آمده است که به آن‌ها کریمانه کمک کنید بدون آنکه ابروی آن‌ها را در معرض خطر قرار دهید. این نگاه برخاسته از ارزش و کرامت انسانی است.

در فرهنگ اسلامی باید با احترام و تکریم، مایحتاج نیازمندان را به خانه و منزل آن‌ها برد نه آنکه آنان را در صف‌های طولانی مورد توهین و تحقیر قرار داد.

در باب اخلاق اجتماعی و نمودها و کارکردهای اخلاق دینی در این زمینه مسائل دیگری نیز مشهود است و می‌توان به تفصیل از آن یاد کرد.

ویژگی‌های اخلاقی از جمله، ایثار و از خودگذشتگی، بخشش و انفاق، مددکاری، مشارکت و تعاون، خیرخواهی، شفقت و دل‌سوزی از مواردی است که بر اساس آموزه‌های اخلاقی اسلام جایگاه ویژه‌ای دارند و حد و مرز اخلاقی انسان اخلاق‌مدار در شرایط بحرانی را به درستی ترسیم نموده است.

۳. کارکردهای سیاسی- حاکمیتی؛ این قسم را نیز می‌توان در بخش اجتماعی در نظر گرفت. مسئولیتی که حکومت‌ها نسبت به مردم خود و دیگر ملت‌ها دارند رفاه عمومی، ایجاد شرایط امنیت، مراقبت از مستضعفان، رسیدگی به بیماران و مبتلایان، توزیع منابع بیمارستانی و بهداشتی و پزشکی از مواردی است که بیشتر تحت مدیریت حکومت‌ها و سازمان‌های دولتی است که باید نسبت به آن اهتمام کافی داشته باشند.

نکته دیگر پای‌بندی اخلاقی به قراردادهای بین‌المللی در شرایط کنونی است که منفعت‌های برخی کشورها گاهی در چنین شرایطی مشهود است. دزدیدن محموله‌های ماسک توسط برخی کشورهای به‌اصطلاح مترقی مثال‌زدنی است که حتی رسانه‌ای شد یا اینکه برخی دولت‌ها آزمایش‌های لازم برای دستیابی به داروی کرونا را روی مردمان کشورهای فقیر آفریقایی تجویز و توصیه می‌کنند! این‌ها مسائلی است که باید مورد توجه قرار گیرد.

آنچه می‌توان از کارکردهای سیاسی و حکومتی دین در این شرایط دانست مسئولیت اخلاقی است که دین به عهده حکمرانان قرار داده است.

در دیدگاه اسلامی ظلم به هر شکلی ناپسند و زمینه افول یک حاکمیت را رقم خواهد زد، چه این ظلم به مردم تحت حکومت باشد چه مردم دیگر کشورهای ضعیف و مظلوم.

اگر حاکم و حکومتی مرتکب ظلمی بشود در حق امتی، ملتی یا کسانی، اثر وضعی آن اضمحلال آن حکومت و آن جامعه است. این‌که فرمودند: با کفر، ممکن است حکومتی باقی بماند ولی با ظلم در حق دیگران بقا و دوامی ندارد[۱۳] این نیز نشانه‌ای از سرچشمه اندیشه و نگرش دینی ماست.

نتیجه

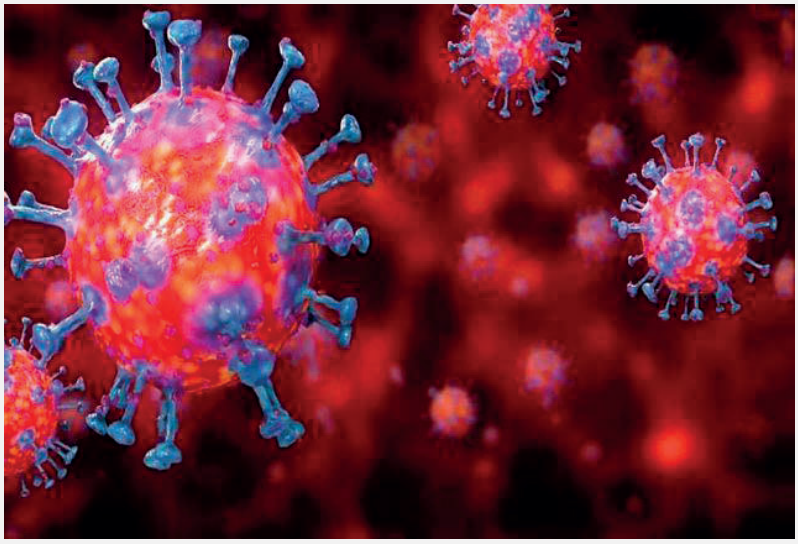
اخلاق دینی به واسطه مبانی تأثیرگذار در حوزه معرفتی و عاطفی انسان‌ها تأثیر متفاوتی نسبت به دیگر رویکردهای اخلاقی دارد از این‌رو کارکردهای اخلاقی رویکرد دینی در مواجهه با مسئله کرونا در مقام عمل و کنش‌های فردی و اجتماعی نیز متفاوت است. جدای از آرامش‌بخشی فردی و امیدواری به درمان بیماری در حوزه اجتماعی نیز اخلاق دینی می‌تواند موثر واقع شود.

مدیریت بحران که در چهار مرحله پیشگیری، آمادگی، مقابله و بازتوانی باید صورت بگیرد در گرو رفتار اجتماعی مردم، جامعه و شهروندان است که این نیز محتاج آموزه‌های متعالی دینی است تا بتواند زمینه نوعی همگرایی فردی و اجتماعی را رقم بزند.

اخلاق مبتنی بر حوزه دین با دو عنصر انگیزه‌بخشی اخلاقی و تأمین ضمانت لازم برای رفتارهای اخلاقی می‌تواند در این زمینه کارگشا باشد از این‌رو بخش عظیمی از رفتارهای اخلاقی در قبال خود و دیگران در گرو انگیزه‌های اخلاقی است که این انگیزه از آبشخور دین می‌تواند منجر به عزم و تصمیم اخلاقی و در نهایت رفتار اخلاقی شود؛ لذا افرادی که از توشه و توان کافی در حوزه ایمان و عمل صالح برخوردارند و به تعبیر قرآن به حیات طیّبه نایل شده‌اند، انگیزه و توان اخلاقی و به تعبیری انگیزه اخلاقی بیشتری برای حضور در عرصه‌های اخلاقی را دارند، به‌رغم دیدگاه‌هایی که اخلاق را مبتنی بر منافع و سود یا قراردادهای اجتماعی تفسیر کرده‌اند.

نکته دیگر، ضمانت فعل اخلاقی است که جنبه‌های دنیوی و اخروی آن از جانب خداوند تضمین شده است آموزه‌هایی مثل: «إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ»[۱۴] یا آیاتی چون: «مَنْ جاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثالِها»[۱۵] بیان کننده تضمین‌های دنیایی و آخرتی و متضمن جبران الهی این باب است. از سویی بر اساس مبانی دینی اسلام هر فعلی اثر وضعی خاص خود را دارد و تأثیرات آن در حیات فردی، اجتماعی و مادی و معنوی افراد ظهور خواهد یافت.

اخلاق دینی این نکته را رهنمون می‌سازد که به واسطه انجام کار اخلاقی یک قانون و سنت الهی رقم خواهد خورد که در ارتباط با زندگی مادی و معنوی شما خواهد بود:



این جهان کوه هست و فعل ما ندا
سوی ما آید نداها را صدا.[۱۶]

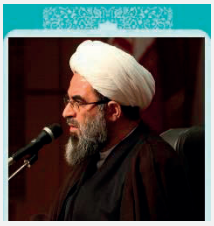
کرونا با همه مشکلاتش می‌تواند زمینه محک نظریه‌های اخلاقی در میدان عمل و تجربه باشد؛ از این‌رو حتی بر اساس آنچه درمیدان مبارزه با این ویروس در سر تاسر جهان ملاحظه می‌گردد، کارایی لازم در صحنه عمل از آن اخلاق مبتنی بر دین است؛ به ویژه آموزه‌های اسلامی که جایگاه ویژه‌ای در این زمینه دارند که ما بخشی از آن را به اختصار مرور کردیم.

پی‌نوشت‌ها:

۱. اسراء:۷.
۲. انبیاء:۷۳.
۳. اسراء:۷۰.
۴. بقره:۳۰.
۵. احزاب:۷۲.
۶. صغیر اصفهانی.
۷. «الشَّيْخُ فِي أَهْلِهِ كَالنَّبِيِّ فِي أُمَّتِهِ». بحارالأنوار، ج۷۲، ص ۱۳۷، ح۴.
۸. «مِنْ إِجْلَالِ اللَّهِ إِجْلَالُ ذِي الشَّيْبَةِ الْمُسْلِمِ». الکافی، ج۲، ص ۱۶۵، ح۱، بَابُ إِجْلَالِ الْكَبِيرِ.
۹. «مَنْ وَقَّرَ ذَا شَيْبَةٍ فِي الْإِسْلَامِ آمَنَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ فَزَعِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ». همان، ص ۶۵۸، بَابُ وُجُوبِ إِجْلَالِ ذِي الشَّيْبَةِ الْمُسْلِمِ.
۱۰. «وَ ارْحَمْ مِنْ أَهْلِكَ الصَّغِيرَ وَ وَقِّرِ مِنْهُمُ الْكَبِيرَ». بحارالأنوار، ج۷۲، ص۱۳۶، ح۱.
۱۱. «وَ أَنْ تَكُونَ شُيُوخُهُمْ بِمَنْزِلَةِ أَبِيكَ....». بحارالأنوار، ج۷۱، ص۹، رساله حقوق امام سجاد×.
۱۲. «ثَلَاثَةٌ لَا يَجْهَلُ حَقَّهُمْ إِلَّا مُنَافِقٌ مَعْرُوفٌ بِالنِّفَاقِ....». همان، ح۴.
۱۳. «الْمُلْكُ يَبْقَى بِالْعَدْلِ مَعَ الْكُفْرِ وَ لَا يَبْقَى الْجَوْرُ مَعَ الْإِيمَانِ». محمد شعیری، جامع‌الأخبار، ص ۱۱۹، فصل۷۵.
۱۴. اسراء:۷.
۱۵. انعام:۱۶۰.
۱۶. مولوی.



عاشورا از فقه و احکام جدا نیست!



آیت‌الله محمدجواد فاضل‌لنکرانی

به گزارش شبکه اجتهاد، آیت‌الله محمدجواد فاضل‌لنکرانی، رئیس مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم‌السلام در نشست علمی «پرسش‌های فقهی عزاداری در دوران کرونا»، به بیان مباحثی در حوزه فقه عزاداری و کرونا پرداخت و نسبت میان لزوم سلامتی نفس با احیای شعائر حسینی را تشریح کرد. وی در این نشست که به همت مرکز ملی پاسخگویی به سؤالات دینی و هیأت اندیشه‌ورز دین و سلامت حوزه علمیه خراسان برگزار گردیده، بیان داشت:

به عنوان مقدمه چند جمله بگویم؛ اولا کرونا یک قضیه‌ای است که چندماه است همه جهان را فراگرفته و همه امور را تحت‌الشعاع خود قرار داده است و این ویروس تنها مربوط به حوزه سلامت نمی‌شود بلکه اقتصاد، اجتماعات، سیاست و همه امور را تحت تأثیر خود قرار داده است.

مهم آن است که در نظام جمهوری اسلامی ایران در ماه رمضان بسیاری از مجالس و اجتماعات به دلیل شیوع این ویروس منحوس کرونا تعطیل شد؛ الان هم این مسأله از یک طرف و مسأله برگزاری مجالس عزاداری برای امام حسین علیه‌السلام از طرف دیگر به عنوان مسأله‌ای مهم مطرح شده است.

این مسأله نیز حائز اهمیت است که در این مدت روشن شد، بین علم و دین تعارضی وجود ندارد، چراکه بزرگان دین ما واقعیت‌های علمی را می‌پذیرند و به مقتضای آن مناسک دینی نیز تنظیم می‌شود؛ در چند ماه گذشته برای مراکز علمی، سیاسی و مدیران سراسر جهان ثابت شد که حوزه‌های علمیه منکر واقعیت‌های علمی و خارجی نیست بلکه به مقتضای وجود این واقعیت‌ها، مناسک دینی و اجتماعات مذهبی تنظیم شده است.

همچنین باید بار دیگر تأکید کنیم که این حرف زده نشود که کرونا یک دروغ است یا یک چیزی است که خواسته‌اند آن را بیش از اندازه بزرگ کنند؛ چراکه در خارج کشور هم وجود دارد و هر روز اخباری از آن به دست می‌رسد؛. همچنین گفته نشود که مثلاً این ویروس در برخی مکان‌ها مثل مساجد یا حرم‌ها یا مجالس عزاداری نمی‌رود، این حرف‌هایی که در فضای مجازی زده می‌شود و گاهی به

نام حوزه علمیه نیز گفته می‌شود هیچ پایه و اساس و ریشه‌ای ندارد، همچنانکه بنابر نقل معتبر، پیامبر گرامی اسلام ﷺ را به وسیله زهری که از سال‌ها قبل به ایشان خورانده بودند به شهادت رساندند،[1] یا امام حسن مجتبی علیه‌السلام به وسیله زهر مسموم شدند و به شهادت رسیدند. اصلاً خود ائمه علیهم‌السلام فرموده‌اند: «همه ما یا مسموم می‌شویم یا به وسیله شمشیر به شهادت می‌رسیم».[2] بنابراین نمی‌توان گفت این ویروس وارد مجالس اهل‌بیت علیهم‌السلام نمی‌شود یا کسی که مبتلا هست به این بهانه که به دیگران سرایت نمی‌کند، وارد مجالس بشود. در انتفاضه عراق همه به خاطر داریم زمانی که صدام و سربازان منحوس او به حرم امیرالمؤمنین علیه‌السلام و امام حسین علیه‌السلام حمله کردند، چگونه این حرم‌های مطهر را به گلوله بستند. پس اگر حرف شما درست باشد، این گلوله‌ها نباید بر حرم اثر می‌کرد؛ از این‌رو باید دانست که کرونا یک واقعیت است. البته از آن طرف به مجرد این‌که یک ویروس وجود دارد نباید مجالس امام حسین علیه‌السلام که اساس اسلام و انقلاب و هویت شیعه است ترک شود و این که بگوییم همه تنها در پای تلویزیون عزاداری و گریه کنند؛ قابل قبول نیست.

از طرف دیگر برخی در فضای مجازی مطرح می‌کنند که مباحث مربوط به عزاداری امام حسین علیه‌السلام و ائمه اطهار علیهم‌السلام نباید وارد حوزه فقه شود که این هم حرف درستی نیست. این که عزاداری و کربلا و عاشورا را از فقه جدا کنیم، یک تحریف بسیار بزرگ در قضیه عاشوراست؛ همچنان‌که وقتی ما بحث فقهی «جهاد ذبی»[3] را مطرح کردیم، آن را از قضیه عاشورا و امام حسین علیه‌السلام وام گرفتیم. حرکت امام حسین علیه‌السلام و قیام عاشورا اساساً یک بحث فقهی عمیق است و فقهای قدیم و جدید ما همه راجع به عزاداری نکات فقهی دقیقی گفته‌اند.

آن آقایی که در فضای مجازی به فقها می‌تازد و می‌گوید: امام حسین علیه‌السلام آقا بالاسر نمی‌خواهد، هیچ چیزی از فقه نفهمیده است. مگر فقها و مراجع و بزرگان دین ما خودشان را خادمِ خدام امام حسین علیه‌السلام نمی‌دانند؟! بنابراین این یک حرف شیطانی است که می‌خواهند ذهن مردم را نسبت به حوزه‌های علمیه و علما خراب کنند. اساساً مشکل مردم این بود که امام حسین علیه‌السلام تصریح کردند: مردم، بنده دنیا هستند و دین لقلقه زبان آن‌هاست؛[4] یعنی امام حسین علیه‌السلام می‌فرمایند: مردم چون دین را کنار گذاشته‌اند بدبخت شده‌اند، حال ما بگوییم کاری به حلال و حرام در حوزه عزاداری نداشته باشیم؟! بله عشق به سیدالشهدا علیه‌السلام بزرگ‌ترین و بالاترین محبت‌ها و عشق‌های جهان است؛ ولی عشق سرجای خود و رعایت همه جوانب دیگر نیز سرجای خود.

در پاسخ به این پرسش که اساساً برگزاری مراسم‌های عزاداری به خودی خود و در شرایط عادی چه حکم شرعی دارد؟ باید گفت: روایات فراوانی در ارتباط با زیارت امام حسین علیه‌السلام داریم که مرحوم صاحب وسائل‌الشیعه در ابواب مزار، باب‌های متعددی را در مورد زیارت حضرت سیدالشهدا علیه‌السلام مطرح کرده است.[5] بنابراین هر فقیهی که به این ابواب مراجعه کند، تأکید استحباب زیارت امام حسین علیه‌السلام را متوجه می‌شود؛ از جمله روایتی که می‌فرماید: «هر کس به زیارت امام حسین علیه‌السلام برود ملائکه تا لحظه‌ای که به خانه‌اش برگردد، او را مشایعت می‌کنند؛ اگر مریض شود به عیادت او می‌روند و اگر بمیرد در تشییع جنازه‌اش شرکت می‌کنند».[6] یا روایتی که می‌گوید: «هرکس امام حسین علیه‌السلام را در کربلا زیارت کند گویا خدا را در بالای عرش الهی زیارت کرده است».[7] حتی صاحب وسائل جلوتر رفته و مسأله وجوب کفایی زیارت امام حسین علیه‌السلام را نیز مطرح کرده است؛[8] اصلی‌ترین روایتی که وجوب را می‌رساند حدیثی از امام محمدباقر علیه‌السلام است که می‌فرمایند: «شیعیان ما را امر کنید به زیارت امام حسین علیه‌السلام که این زیارت بر هرکسی که ولایت او را پذیرفته است، واجب است»[9] به همین جهت جمعی از بزرگان از جمله مرحوم آیت‌الله گلپایگانی رحمه‌الله قائل به وجوب کفایی زیارت هستند.

اما سؤال این است که آیا می‌توانیم عناوین زیارت را به موضوع مجلس عزاداری سرایت دهیم؟ در ارتباط با موضوع مجلس گرفتن یا احیای امر اهل‌بیت علیهم‌السلام یا عزاداری بر امام حسین علیه‌السلام هفت عنوان مطرح می‌شود که اگر هم قائل به وجوب کفایی نشدیم باید استحباب مؤکد آن را بپذیریم:

عنوان اول مجموعه روایاتی است که ارزش و جایگاه «بکاء» و گریه بر امام حسین علیه‌السلام را نشان می‌دهد.

عنوان دوم مربوط به این است که عزاداری امام حسین علیه‌السلام از شعائر الهی و تعظیم شعائر هم واجب و لازم است.

عنوان سوم روایاتی است که تأکید می‌کند «رَحِمَ‌اللهُ مَنْ أَحْيَا أَمْرَنَا» و بدون شک مجلس امام حسین علیه‌السلام از مصادیق امر ائمه علیهم‌السلام است که احیای آن



مستحب است.

عنوان چهارم روایاتی است که می‌فرماید: «... يَفْرَحُونَ لِفَرَحِنَا وَ يَحْزَنُونَ لِحُزْنِنَا»[10] یعنی شیعیان ما کسانی هستند که در شادی ما اهل‌بیت علیهم‌السلام شاد و در عزای ما، اندوهگین هستند که این عنوان هم بر مجلس امام حسین علیه‌السلام صدق می‌کند.

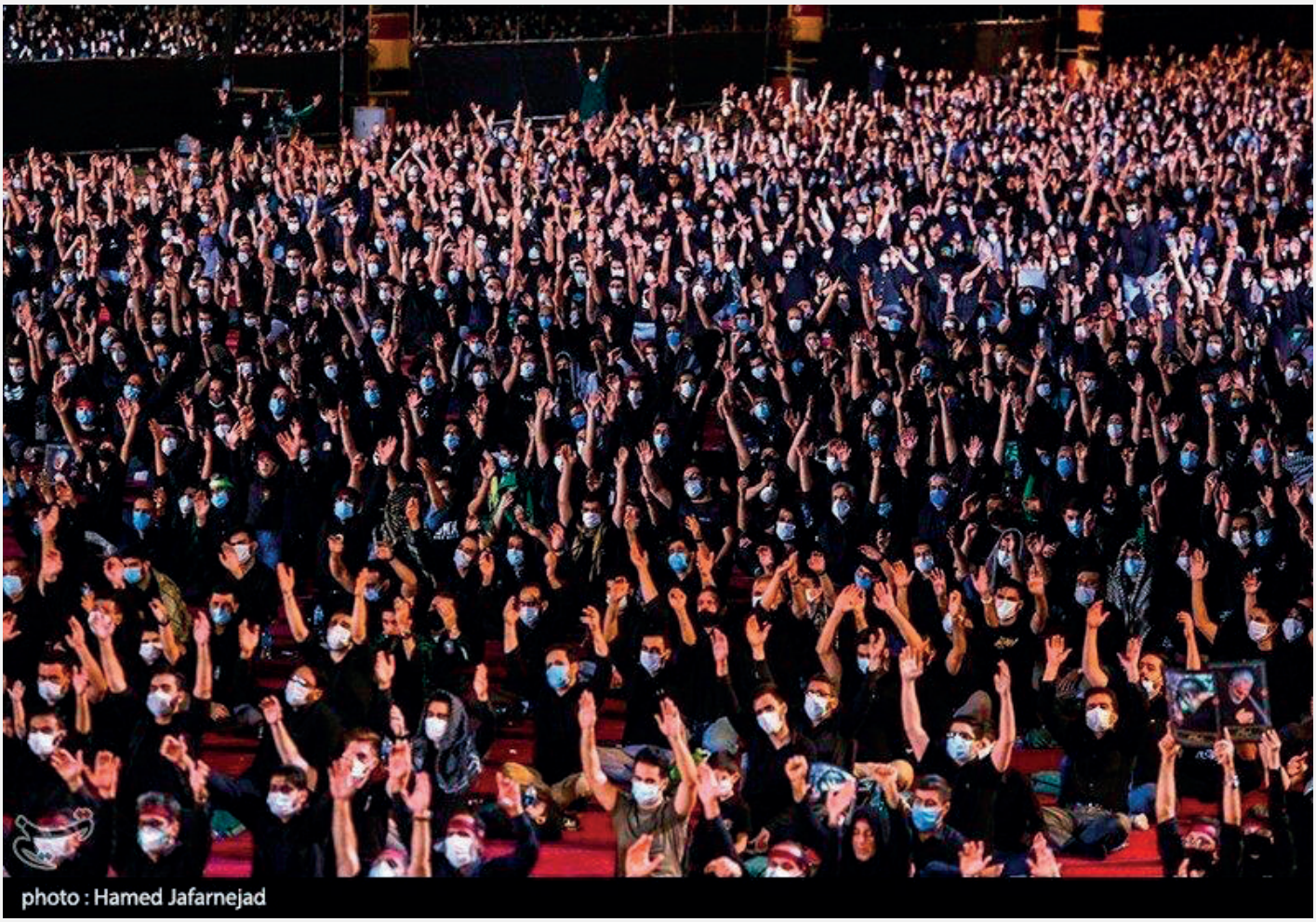
عنوان پنجم دستور خداوند به پیامبر اکرم ﷺ در قرآن کریم است که «قُلْ لا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْراً إِلاَّ الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبى»،[۱۲] وقتی از پیامبر ﷺ سؤال شد که قربای شما چه کسانی هستند، فرمودند: «آن‌ها علی و فاطمه و فرزندان ایشان هستند».[۱۳] بنابراین بدون شک گرفتن مجلس برای حضرت سیدالشهدا علیه‌السلام از مصادیق مودت ذی‌القربی است.

عنوان ششم وفاء به عهد است؛ امام هشتم شیعیان جهان، در مورد عهد و پیمانی که هر امامی بر گردن رهروان خود دارد، فرموده است:«...لِكُلِّ إِمَامٍ عَهْداً فِي عُنُقِ أَوْلِيَائِهِ وَ شِيعَتِهِ وَ إِنَّ مِنْ تَمَامِ الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ زِيَارَه قُبُورِهِمْ، فَمَنْ زَارَهُمْ رَغْبَه فِي زِيَارَتِهِمْ وَ تَصْدِيقاً بِمَا رَغِبُوا فِيهِ كَانَ أَئِمَّتُهُمْ شُفَعَاءَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَه؛[۱۴] برای هر امامی به گردن شیعیان و هوادارانش پیمانی است؛ از جمله وفای به این پیمان، زیارت قبور آنان است. پس هر کس از روی رغبت و پذیرش، آنان را زیارت کند، امامان در قیامت شفیع ایشان خواهند بود». و مجلس گرفتن و عزاداری برای امام حسین علیه‌السلام بر اساس همین وفای به عهد است.

عنوان هفتم همین است که عزاداری بر سیدالشهدا علیه‌السلام از مصادیق حبّ به امام حسین علیه‌السلام است که فرمود: «اَحَبَّ اللهُ مَنْ أَحَبَّ حُسَيْناً».[۱۵]

بنابراین از این هفت دلیل به روشنی استحباب مؤکد زیارت امام حسین علیه‌السلام فهمیده می‌شود. اما نکته مهم آن است که به عنوان اولی عزاداری بر امام حسین علیه‌السلام مستحب مؤکد است و نمی‌توانیم بگوییم اگر کسی به مجلس امام حسین علیه‌السلام نرفت دچار معصیت شده یا واجبی را ترک کرده است؛ اما به عنوان ثانوی در دنیای امروز که قوام، هویت و وجود شیعه و بقای اسلام به عزاداری است، وجوب پیدا می‌کند ولی وجوب آن کفایی است؛ یعنی اگر من به الکفایه در مجلس عزاداری شرکت کنند از عهده دیگران ساقط می‌شود.

برخی اعتقاد دارند که کیفیت عزاداری در گذشته باید همچنان ادامه داشته باشد؛ یعنی اهمیت عزاداری بر امام حسین علیه‌السلام تا حدی است که نباید از شکل و شمایل قبل عدول کرد؛ مثلاً آیا باید همچنان مجالس با شلوغی زیاد زیر فضای بسته برگزار شود؟! آنچه از کلمات فقها استفاده می‌شود این است که بر هر مسلمان و شیعه‌ای لازم است که عزاداری کند ولی کیفیت آن به اختلاف ازمنه و امکنه و شرایط و عرف هرجایی مختلف می‌شود. نمی‌توانیم بگوییم هرکسی به


photo : Hamed Jafarnejad

دلیل فرار از گرفتاری به کرونا وارد مجلس امام حسین علیه‌السلام نمی‌شود، پس شور حسینی ندارد! امروز دین نمی‌گوید که شور حسینی یعنی تجمعات غیرصحیح برای عزاداری؛ بلکه باید ضوابط رعایت شود و خالصانه انجام شود و هرچه ادب و خضوع انسان بیشتر شود ارزش بیشتری دارد. البته در برخی روایات تا ۱۲ عنوان برای نوع عزاداری مطرح شده که نوحه، فریاد و گریه ترغیب شده است.

شکی نیست که عقلاً و شرعاً حفظ جان خود و دیگران واجب است، از طرف دیگر متخصصان امور بهداشتی دستوراتی در ارتباط با برگزاری مجالس عزاداری داده‌اند؛ حال آیا کسی می‌تواند به عنوان تعظیم شعائر حسینی و اموری از این

دست جان خود و دیگران را با رعایت نکردن ضوابط و پروتکل‌ها به خطر بیاندازد؛ به عبارت دیگر در تزاحم بین وجوب حفظ جان و تحقق شعائر حسینی کدام یک ارجح است؟ اولا باید بدانیم که در این حوزه خلط‌ها و اشتباهات زیادی صورت می‌گیرد.

عزاداری یک امر مستحب مؤکد است که گفتیم در زمانه ما به عنوان ثانوی وجوب کفایی هم دارد؛ از طرف دیگر وجوب حفظ نفس عقلی و شرعی است و هیچ شکی در آن نیست و اساساً دین ما دینی است که کاملاً بر طبق ضوابط و ملاک‌های عقلی بنانهاده شده است و از این رو حفظ جان را جز در برخی موارد نظیر جهاد یا دفاع با شرایط خاص خودش، واجب شمرده است.

بحثی که این جا وارد شده است موضوع «نفی ضرر» است که در قالب قاعده «لا ضرر و لاضرار فی الاسلام» مطرح می‌شود، که می‌گویند: اگر می‌بینی با رفتن به مجلس امام حسین علیه‌السلام متحمل ضرر می‌شوی یا احتمال عقلایی می‌دهی که مرضی بر جان تو عارض می‌شود حق شرکت نداری؛ اما عرض می‌کنیم قاعده لاضرر هرچند یک قاعده مسلم فقهی است ولی از این جهت که خود انسان متحمل ضرر شود، ارتباطی به موضوع ما ندارد؛ بلکه مربوط به جایی است که بخواهد به دیگری ضرر وارد کند. این قاعده می‌گوید: اگر حکمی از احکام الهی از وجوب یا حرمت مستلزم ضرر شد، از انسان برداشته می‌شود. بله در عبارت «لاضرار» اگر آن را به معنای ضرر رساندن به دیگری بدانیم از این جهت به بحث ما ارتباط دارد، که در این صورت ما هم می‌گوییم اگر فردی مرض مسری مثل کرونا دارد و با حضورش در مجلس امام حسین علیه‌السلام باعث گرفتاری دیگران می‌شود، بدون شک حق شرکت ندارد و شرکت او در این مراسمات حرام است و اگر برود و موجب بیماری دیگران بشود ضامن است.

در قاعده لاضرر بحث می‌شود که آیا علم به وقوع ضرر لازم است یا ظن معتبر لازم است یا و لو ظن غیر معتبر هم باشد کافی است؟ عده‌ای مثل مرحوم صاحب جواهر این مسأله را تقویت می‌کند که هرجا خوف ضرر هم باشد، هرچند علم و ظن هم نباشد، انسان نباید به سمت آن برود. اما باید توجه داشت که مسأله خوف ضرر با موضوع قاعده لاضرر تفاوت می‌کند و یک مسأله دیگری است. مثلا شما اگر احتمال هرچند خیلی ضعیف بدهید که در غذا سم ریخته شده است حق خوردن آن را ندارید و لازم نیست ک علم یا ظن به آن داشته باشید. از این‌رو عرض می‌کنیم که در فقه گاهی این مسائل با هم خلط می‌شود؛ الان از مراجع تقلید سؤال می‌کنند، جایی که احتمال عقلایی می‌دهیم که ویروس کرونا وجود داشته باشد، حق شرکت داریم؟ آن‌ها هم می‌گویند خیر. درست هم می‌گویند. ولی ما می‌گوییم اگر ضوابط و پروتکل‌ها رعایت شود این احتمال آن قدر ضعیف می‌شود که دیگر عقلایی نیست و نمی‌توان به آن اعتماد کرد.

مراجع تقلید اصلاً بر همین اساس تأکید زیادی بر رعایت مسائل بهداشتی دارند، بنابراین اسلام می‌گوید: در جایی‌که خوف ضرر می‌دهید وارد نشوید و اجتناب کنید. ولی گاهی مقصود مهم است چون ما یک‌سری ادله‌ای آوردیم که ثابت شد عزاداری از افضل قُربات است و مستحب مؤکد بلکه به عنوان ثانوی واجب کفایی است، از طرف دیگر حفظ‌النفس هم لازم است. حال اگر پروتکل‌ها رعایت شود خوف ضرری وجود نخواهد داشت و این امر به این اندازه مهم یعنی عزاداری باید پابرجا باقی بماند. پس به طور کلی قاعده لاضرر جریان ندارد و بحث خوف ضرر هم با وجود رعایت مسائل بهداشتی، منتفی است.

از طرف دیگر برخی می‌گویند: در موضوع مورد بحث ما تزاحم مطرح است یعنی از یک طرف عزاداری را داریم که مستحب است و از طرف دیگر حفظ جان را داریم که واجب است و مستحب در برابر واجب تاب استقامت ندارد و کنار می‌رود. ما گفتیم که عزاداری امام حسین علیه‌السلام از عنوان ثانوی وجوب کفایی دارد؛ حال باز هم شاید گفته شود از طرفی القای نفس در تهلکه حرام است و حفظ نفس واجب است و یک‌طرف هم وجوب ثانوی عزاداری امام حسین علیه‌السلام وجود دارد؛ پس تزاحم می‌شود و باید سراغ مرجحات باب تزاحم برویم در حالی‌که این‌جا تزاحم واقع نمی‌شود چون تزاحم در جایی است که جمع بین این دو ممکن نباشد در حالی‌که این جا امکان دارد، یعنی یک فرد می‌تواند به خوبی عزاداری کند و رعایت ضوابط بهداشتی را بکند و جان خود را حفظ کند بنابراین اصلا مرجحات باب تزاحم مطرح نمی‌شود.



باز این نکته مطرح است که آیا این‌جا تعارض هست؟ برخی در کتب فقهی خود گفته‌اند مثلاً استحباب زیارت حضرت رضا علیه‌السلام آیا مقید به مسأله عدم وجود خوف می‌شود یا نه؟ در این‌جا تعارض و تقییدی وجود ندارد چون حفظ نفس و زیارت امام رضا علیه‌السلام یا عزاداری در عالم جعل تعارضی با هم ندارند که بخواهد یکی مقید در دیگری شود. این‌که می‌گویند «الجمع مهما امکن»، در باب تعارض است و ربطی به تزاحم ندارد، بنابراین این‌جا نه تزاحم است چون جمع ممکن است و نه تعارض است چون تنافی در عالم جعل ندارد. حال اگر کسی بداند یا احتمال عقلایی بدهد که اگر به مجلسی برود کرونا می‌گیرد یا به دیگری انتقال می‌دهد؛ اگر می‌داند که انتقال می‌دهد که قطعاً حرام است و ضامن است. اگر کسی گفت که من می‌روم و احتمال می‌دهم که مبتلا شوم و اگر خدایی ناکرده

مبتلا شد آیا ثواب عزاداری او کالعدم می‌شود؟ خیر در این‌جا هم ثواب عزاداری را برده و هم گناه کرده که می‌دانسته مرتکب می‌شود ولی رفته است مثل کسی‌که در حال نماز به نامحرم نگاه می‌کند که هم از ثواب نماز برخوردار شده و هم از باب نگاه به نامحرم اگر توبه نکند، عقاب می‌شود.

بنابراین می‌توان گفت در این‌جا باب اجتماع امر و نهی مطرح می‌شود و اصلا تزاحمی نیست. حتی اگر بگوییم تزاحم هست در شرایطی که دشمنان کمر به نابودی دین بسته‌اند و عزاداری یکی از اصلی‌ترین سنگرهای تشیع و دین به حساب بیاید، آن وقت حتی بر حفظ جان هم مقدم می‌شود و از طرف دیگر تعارضی هم وجود ندارد بلکه اجتماع امر و نهی است؛ یعنی یک امر به عزاداری داریم و یک نهی به عدم مریض شدن که فرد می‌تواند در این‌جا هم ثواب کند و هم گناه، یعنی اگر می‌داند که موجب سرایت می‌شود و برود خطا و گناه کرده ولی ثواب عزاداری‌اش محفوظ است.

برخی در فضای مجازی می‌گویند: حرم‌ها و مجالس امام حسین علیه‌السلام و زیارت‌گاه‌ها خودشان شفاخانه هستند و اصلاً بیماری و موضوعاتی مثل کرونا در حرم‌ها و مجالس امام حسین علیه‌السلام راه ندارد! بله ائمه اطهار علیهم‌السلام دارای مقامات بسیار زیادی هستند؛ آن‌ها به حال و گذشته و آینده آگاهند، یکی از مقامات آن‌ها در زمان حیات و پس از شهادتشان همین است که به اذن خدا مریض‌ها را شفا می‌دهند، اما باید بدانیم این شفای مریض در حالت عادی نبوده بلکه وقتی است که آن‌ها بخواهند کرامت و معجزه‌ای از خود نشان بدهند.

اساساً زندگی ائمه اطهار علیهم‌السلام بر اساس علم لدنی آن‌ها نبوده است بلکه بر اساس علم عادی بشر بوده؛ همچنانکه می‌شد گاهی یکی از ائمه از اطرافیان خود سؤال می‌کردند: « فلانی کجاست؟» یعنی از علم انسان عادی استفاده می‌کردند در حالی‌که اگر می‌خواستند، می‌توانستند از علم لدنی خودشان استفاده کنند و بدانند که کجاست. بنابراین ائمه اطهار علیهم‌السلام در زندگی‌شان مثل دیگران بودند، گرسنه و تشنه می‌شدند و حتی وقتی مریض می‌شدند سراغ پزشک می‌رفتند. تا جایی‌که خود امیرالمؤمنین علیه‌السلام وقتی ضربت خوردند، دستور دادند که طبیب مسیحی بالای سر ایشان حاضر شود. بنابراین کسانی‌که می‌گویند: حرم، دارالشفاست، آیا خود ائمه علیهم‌السلام می‌گفتند وقتی مریض شدید نزد پزشک نروید و فقط سراغ ما بیایید؟! آیا اصحاب ائمه وقتی مریض می‌شدند اول سراغ طبیب می‌رفتند یا سراغ امام؟! این که بگوییم هرکس ویروس گرفته کافی است به حرم اهل‌بیت علیهم‌السلام برود و خود را قرنطینه نکند یا وارد مجلس اهل بیت علیهم‌السلام شود! این جز تحقیر اهل‌بیت علیهم‌السلام و امام حسین علیه‌السلام چیز دیگری نیست. ائمه علیهم‌السلام معدن علم هستند ولی شاگردان خودشان را نزد اساتید دیگری حتی از مذاهب دیگر می‌فرستادند؛ امام معصوم واسطه در توحید و قرب به خداست و نباید با مسائل کوچکی مقام آن‌ها را تحقیر کنیم. این‌ها دین را موهوم می‌کند و با ادله و منابع ما سازگاری ندارد. همچنان که فقهای ما دستور داده‌اند که اگر انسان بیماری با وارد شدن به جامعه موجب بیماری دیگران شد، ضامن است و اگر دیگران بمیرند باید دیه هم بپردازد. چون فقه به وضوح می‌گوید: اگر کسی مرض مسری دارد حق مبتلا کردن دیگران را ندارد.

پی‌نوشت‌ها:

۱. در برخی روایات آمده است که غذای مسموم، پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله را از مسموم بودن خود این‌گونه آگاه کرده است«يَا رَسُولَ‌اللَّهِ لَا تَأْكُلْنِي فَإِنِّي مَسْمُومَةٌ».(بحارالأنوار، ج۱۷، ص ۲۹۵) و امام حسن مجتبیعلیه‌السلام فرموده است«يَا قَوْمِ إِنِّي أَمُوتُ بِالسَّمِّ كَمَا مَاتَ رَسُولُ اللَّهِصلی‌الله‌علیه‌وآله». بحارالأنوار، ج۴۳، ص ۳۲۷

۲. «مَا مِنَّا إِلَّا مَسْمُومٌ أَوْ مَقْتُولٌ». همان، ج۲۷، ص ۲۱۷، ح۱۹.

۳ . جهاد برای دفاع از کیان اسلام (یا جلوگیری از استیلا بر سرزمین مسلمانان)، واجب عینی است که منوط به اذن امام‌علیه‌السلام نبوده و در آن تفاوتی میان مرد و زن، بیمار و سالم وجود ندارد. این نوع جهاد را جهاد ذبی گویند. محمدجواد فاضل لنکرانی، جهاد ذبّی(دفاع از کیان اسلام)

۴ . «النَّاسُ عَبِيدُ الدُّنْيَا وَ الدِّينُ لَعِقٌ عَلَى أَلْسِنَتِهِمْ». بحارالأنوار ، ج۴۴، ص۳۸۳.

۵. صاحب وسائل‌الشیعه، باب ۳۷ از أَبْوَابُ الْمَزَارِ وَ مَا يُنَاسِبُه را با عنوان «بَابُ تَأَكُّدِ اسْتِحْبَابِ زِيَارَةِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ× وَ وُجُوبِهَا كِفَايَةً». (وسائل‌الشیعه، ج۱۴، ص۴۰۹). و باب ۴۴ را «بَابُ وُجُوبِ زِيَارَةِ الْحُسَيْنِ وَ الْأَئِمَّةِعلیهم‌السلام عَلَى شِيعَتِهِمْ كِفَايَةً» گذاشته است. وسائل‌الشیعهٔ، ج۱۴، ص ۴۴۳.

۶. «وَ شَيَّعَهُ الْمَلَائِكَةُ». بحارالأنوار، ج۹۶، ص۱۰، ح۸.

۷.«مَنْ زَارَ الْحُسَيْنَ× يَوْمَ عَرَفَةَ كَانَ كَمَنْ زَارَ اللَّهَ فِي عَرْشِهِ» کامل‌الزیارات، ص۱۷۲، ح۹ باب ۹۰.

۸. وسائل‌الشیعه، ج۱۴، ص۴۴۳، باب۴۴ بَابُ وُجُوبِ زِيَارَةِ الْحُسَيْنِ وَ الْأَئِمَّةِ علیهم‌السلام عَلَى شِيعَتِهِمْ كِفَايَةً.

۹.«مُرُوا شِيعَتَنَا بِزِيَارَةِ قَبْرِ الْحُسَيْنِعلیه‌السلام فَإِنَّ إِتْيَانَهُ مُفْتَرَضٌ عَلَى كُلِّ مُؤْمِنٍ يُقِرُّ لِلْحُسَيْنِ بِالْإِمَامَةِ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ». بحارالأنوار، ج۹۸، ص۳، ح۸.

۱۰. بحارالأنوار، ج۲، ص۱۵۱، ح۳۰.

۱۱. همان، ج۴۴، ص۲۸۷، ح۲۶.

۱۲. شوری:۲۳.

۱۳.«مَنْ قَرَابَتُكَ الَّذِينَ افْتَرَضَ اللَّهُ عَلَيْنَا مَوَدَّتَهُمْ؟ قَالَ: عَلِيٌّ وَ فَاطِمَةُ وَ وُلْدُهُمَا». بحارالأنوار، ج۲۳، ص۲۴۱، ح۱۲.

۱۴. همان، ج۹۷، ص ۱۱۶، ح۱.

۱۵. همان، ج۳۷، ص۷۴.

کتابشناسی دین و کرونا

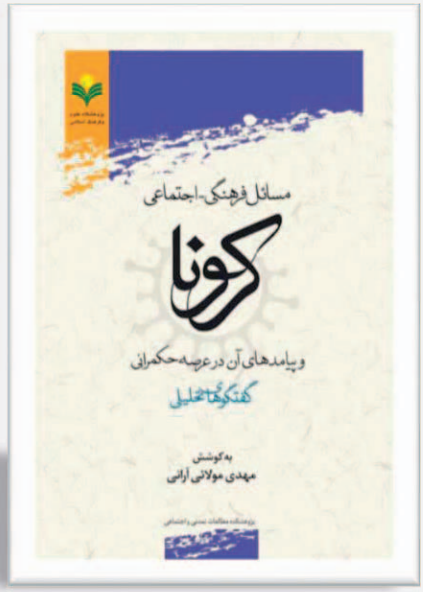
دکتر ابوذر رجبی
استادیار دانشگاه معارف اسلامی



گرچه از زمان شیوع بیماری کرونا تاکنون کتاب‌های متعددی درباره آن و مسائل پیرامونی‌اش نوشته شده، اما چشم‌انداز مطلوبی از آثار ناظر به چالش‌های حوزه علوم انسانی و به خصوص الهیات در این زمینه وجود ندارد. البته تحقیق علمی، زمان‌بر بوده و انشاءالله این امر تا چندی دیگر جبران خواهد شد؛ اما با توجه به حجم شبهات ناظر به حوزه الهیات انتظار آن بود که متولیان امر و متفکران دغدغه مند، جدی‌تر از این پا به میدان گذاشته و عرصه پژوهش را با آثار فاخر زینت دهند.

گفتنی است که یادداشت‌های کوتاه در فضاهای رسانه ای مکتوب و مجازی درخور تقدیر است و در این حوزه فعال بودن متألهان و کلام پژوهان جوان شایسته یاد و تشکر است. در این میان نباید از برگزاری همایش‌های مجازی و وبیناری صورت گرفته هم غافل بود. برخی از مراکز حوزوی و دانشگاهی گام‌های خوبی در این حوزه برداشتند و اتفاقا پاره ای از آنان نیز با پالایشی تبدیل به اثر مکتوب شده که در ادامه گزارشی از آن‌ها ارائه خواهد شد.

هدف از این نوشتار صرفاً معرفی توصیفی و البته اجمالی از آثار پژوهشی مکتوب درباره کرونا و مسائل ناظر به الهیات است که با استقصای نویسنده تاکنون به حوزه نشر راه یافته است. البته در برخی از عناوین مستقیماً نام دین و الهیات نیامده، اما محتوای اثر ناظر به باورهای دینی در مواجهه با ویروس کروناست.



کتاب «مسائل فرهنگی اجتماعی کرونا و پیامدهای آن در عرصه حکمرانی»

این اثر گفت‌وگوهای تحلیلی است که به کوشش مهدی مولایی آرانی، در اوائل تابستان سال جاری/۱۳۹۹ توسط پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی در ۳۹۱ صفحه به بازار نشر راه یافته است.

گروه مطالعات فرهنگی اجتماعی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی به همراه تعدادی از مراکز علمی از بدو شیوع بیماری کرونا، وبینارهایی را در چهار محور «دینداری اجتماعی»، «علوم اسلامی»، «خدمات اجتماعی» و «حکمرانی» با حضور ۳۶ نفر از صاحب‌نظران در بازه زمانی ۲۰ فروردین تا ۲۸ اردیبهشت سال ۹۹ برگزار کرد. سخنرانی‌های ارائه شده در این وبینار بعد از پیاده شدن و ویرایش علمی، تبدیل به کتاب یادشده گردید.

در بخش اول اثر که ناظر به دینداری اجتماعی و کروناست، با این عناوین روبرو می‌شویم: تأثیر کرونا بر مناسک رمضان؛ آینده دینداری؛ تعطیلی و بازگشایی حرم‌های مطهر؛ چگونگی تعامل حوزه علمیه با ستاد ملی کرونا؛ مواجهه حوزه علمیه با علم پزشکی مدرن.

دو موضوع «فرصت‌ها و چالش‌های کرونا برای فقه» و «کرونا و مسئله شرّ در عالم» در بخش مربوط به علوم اسلامی در این اثر طرح شده اند. در بخش خدمات اجتماعی کرونا به مسائل مهمی ازجمله فعالیت گروه‌های جهادی طلبه، تناسب خدمات اجتماعی و هویت طلاب اشاره می‌شود. شاید بتوان مهم‌ترین بخش کتاب را قسمت پایانی یعنی مسئله‌های حکمرانی به خصوص مسائل ناظر به فضای مجازی دانست؛ چراکه کمتر در آثار دیگر از این بحث می‌توان سراغ گرفت. چالش‌های حکمرانی در مواجهه با کرونا، انقلاب صنعتی چهارم، کرونا و نظام حکمرانی، فضای مجازی و مسئله‌های حکمرانی از جمله مسائل مطرح شده در این بخش هستند.



کتاب «فلسفه و بحران کرونا»

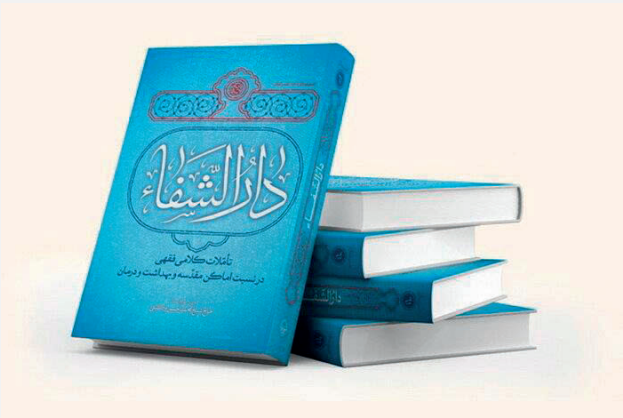
این اثر که توسط حمیدرضا آیت‌اللهی با همکاری «انتشارات پژوهشگاه فضای مجازی» و «انتشارات دانشگاه امام صادق علیه‌السلام» گردآوری شد، تابستان سال۱۳۹۹ در ۲۱۷ صفحه به چاپ رسید. کتاب با مقدمه نسبتاً طولانی از آقای دکتر آیت‌اللهی شروع می‌شود. مجموعه‌ای از فلسفه‌ورزی برخی اندیشمندان درباره بحران کرونا را می‌توان در این اثر مشاهده کرد. گردآورنده کتاب در مقدمه به چگونگی فلسفه‌ورزی درباره بحران کرونا اشاره می‌کند. اثر از دوازده فصل شکل گرفته که هر فصل را نویسنده یا نویسندگانی برعهده دارند.

عناوین فصول عبارت است از: کرونا و قدرت فلسفیدن؛ کرونا مجالی برای تفکر فلسفی: تعیین گستره بازی بود و نمود در دانش ابژکتیو و سوبژکتیو؛ چالش کرونا و برجسته‌سازی پرسش‌های عمیق فلسفی؛ بحران کرونا و مواجهه با مرگ فلسفه؛ تحلیل هایدگری از تأثیر ویروس کووید ۱۹؛ کرونا و مطالعات علم و فناوری: چگونه یک غیر انسان جهان را تغییر می‌دهد؟!؛ بحران کرونا: بستری برای بازنگری در مسئله علم و دین از منظر «دین عامیانه»؛ فعل خداوند و بلای کرونا؛ کرونا: علم یا دعا؟؛ توصیه‌های رواقی برای روزگارِ کرونایی؛ تأملاتی درباره چالش‌های اخلاقی بحران ویروس کرونا؛ «شروع» مواجهه با ویروس کرونا کجاست؟



کتاب «کرونا و دل مشغولی‌های ذهنی»

این کتاب که از نوع کتاب‌های جیبی است به مهم‌ترین مسائل الهیاتی کرونا اشاره می‌کند. محمدباقر پورامینی، نویسنده آن و اداره تولیدات فرهنگی آستان قدس رضوی به کمک مؤسسه بوستان کتاب آن را در تابستان سال جاری، روانه نشر کرده است. البته بیشتر مطالب کتاب به صورت تلگرافی و فشرده و در حد اطلاعات اجمالی به مخاطب به نگارش درآمده است. سرفصل‌های مهم مطرح شده در اثر عبارت است از: در این روزهای سخت، به دعا محتاجیم؛ چرا دامن گیر بلا شده ایم؟ چگونه دعا کنیم؟ مبارزه با کرونا با دعا یا دانش پزشکی، محرومیت از زیارت.



کتاب «دارالشفاء؛» تأملات کلامی فقهی در نسبت اماکن مقدسه و بهداشت و درمان

این اثر که مربوط به دروس فقهی محمدحسن وکیلی است، به یکی از چالش‌های مهم در ایام کرونا درباره اماکن مقدسه و حرم‌های مطهر است. اثر یادشده، بهار سال جاری/۱۳۹۹ در ۲۵۶ صفحه به صورت الکترونیکی به چاپ رسیده است. می‌دانیم که ستاد ملی کرونا به صورت رسمی به تعطیلی مشاهد شریفه و اماکن امام زادگان نظر داد. آقای وکیلی در این اثر به نقد و بررسی نظری درباره رفتارهای ستاد کرونا دراین باره می‌پردازد. این اثر به موضوعاتی از این قبیل اشاره می‌کند: آیا واقعاً بازبودن اماکن مذهبی، خطر جانی قابل توجهی دارد؟؛ بررسی ادله حرمت تعطیلی حرم‌های مطهر؛ ضریب اهمیت سلامتی چقدر است؟»، «آیا اماکن مذهبی شفابخش است؟؛ نظام اسباب و علل استثناپذیر است یا نه؟؛ ضریب اهمیت زیارت از منظر اسلام چه مقدار است؟؛ چالش‌های دانش پزشکی مدرن کجاست؟؛ اعتبار نداشتن آراء پزشکان در خارج از حیطه تجربه.



کتاب «پاسخ به شبهات کرونا»

در ایام کرونا چه از ناحیه ملحدان و چه روشنفکران دینی، و حتی برخی اذهان عمومی شبهاتی ناظر به باورها، ارزش‌ها و نمادهای دینی و مذهبی مطرح شده اند. اگرچه برخی از آن‌ها جدید نبوده و در تراث گذشته نیز متکلمان به آن‌ها پاسخ داده اند، اما کرونا بهانه ای برای طرح مجدد آن‌ها گردید. مرکز مطالعات و پاسخ‌گویی به شبهات حوزه‌های علمیه قم در کتاب یادشده به مهم‌ترین این شبهات اشاره و پاسخ می‌دهد.

کتاب، تابستان امسال/۱۳۹۹ در ۱۱۹ صفحه و طی سه فصل توسط مرکز مطالعات حوزه به چاپ رسیده است. مبارزه با دین و مناسک مذهبی؛ قم‌هراسی و تقدس زدایی از حرم و حوزه؛ هجوم به نظام اسلامی، از عناوین سه فصل این کتاب هستند که ذیل هر فصل چندین بحث فرعی دیگر مطرح می‌شود.



کتاب «پرسش‌های دختر، پاسخ‌های پدر: پاسخ به شبهات دینی در روزگار کرونا»

درباره شبهات دینی ناظر به کرونا غیر از کتاب مرکز مطالعات حوزه علمیه قم، کتاب دیگری به کوشش جمعی از طلاب حوزه علمیه مشهد و انتشارات به‌نشر، در تابستان سال جاری/۱۳۹۹ روانه بازار نشر گردید. کتاب به شکل پرسش‌هایی است که از سوی دختر از پدر درباره دین و کرونا مطرح شده است. برخی از پرسش‌های دختر از پدر از این قرار است: در قبال این ویروس چه باید کرد؟ آیا در تقابل علم و دین، دین شکست می‌خورد یا علم؟ چرا حرم‌های مطهر در ایام کرونا تعطیل شده اند؟

این اثر به همت انتشارات بِه‌نشر آستان قدس رضوی با شمارگان ۵۰۰ نسخه عرضه شده است.



کتاب «جنگ روانی کرونا»

این اثر نیز توسط مرکز مطالعات و پاسخ‌گویی به شبهات حوزه‌های علمیه قم به چاپ رسیده است. رسانه‌های معاند و مخالف اسلام و نظام جمهوری اسلامی ایران همواره پس از وقوع هر حادثه انسانی یا طبیعی با بهره جستن از شگردهایی می‌کوشند مردم را به باورهای دینی و ارزشی خود بدبین کرده و پایه‌های اعتماد عمومی را ویران سازند.

کتاب «جنگ روانی کرونا» به بررسی و تبیین برخی از شگردهای خبررسانی رسانه‌های دشمن در روزهای شیوع بیماری کرونا می‌پردازد. هدف از این مجموعه بالابردن سطح سواد رسانه و توانمندسازی خوانندگان در گزینش و پردازش اخبار است.

ساختار کتاب از یک مقدمه و ۵۸ عنوان ناظر به جنگ روانی شکل گرفته و در نهایت توصیه‌هایی برای رها شدن از دام جنگ روانی ارائه می‌دهد. کتاب در ۴۸ صفحه تنظیم شده است.

در این اثر ابتدا توضیح مختصری درباره برخی از شگردهای خبررسانی در جنگ روانی می‌آید و مخاطبان را با مهم‌ترین شگردهای به کارگرفته شده در خبررسانی مغرضانه این روزها در فضای مجازی و شبکه‌های ماهواره ای آشنا می‌کند. نویسندگان اثر با هدف کاربردی تر شدن مطالب، ابتدا هر یک از شگردهای خبررسانی توضیح داده و سپس با ذکر مثالی از میان انبوه خبرهایی که این روزها به بهانهٔ شیوع ویروس کرونا در فضای رسانه‌ای منتشر شده و جز تخریب امنیت روانی مردم هدفی نداشته است، مفهوم مورد نظر را تبیین می‌کنند.

تأملاتی بر

دینداری در روزگار کرونایی

گزیده‌خوانی نقطه نظرات اندیشمندان

ایمان باید تجلّی عملی داشته باشد

حجت‌الاسلام دکتر ادگاردو اسعد معروف به شیخ سهیل، (مبلغ مسلمان آرژانتینی و فعال عرصه تبلیغ دین اسلام) در پنجاه و نهمین نشست از سلسله نشست‌های مجازی کرونا و زندگی مؤمنانه که ۱۶ شهریور به همت دانشکده الهیات پردیس فارابی دانشگاه تهران و جهاد دانشگاهی واحد قم برگزار شد، به مبحث صبر و استقامت در برابر سختی‌ها و ناملایمات در دوران کرونا پرداخت و تأکید کرد: یکی از صفات زندگی مؤمنانه این است که تحلیل و تفسیر واقعی از بلا داشته باشد و بداند زندگی دنیا برای امتحان است. وی گفت: متأسفانه آنچه با عنوان ایمان، در تصور مردم است این است که ایمان را یک بحث صرف قلبی، تفکری یا ذهنی و عقلی می‌دانند. این تعاریف که ایمان معرفت و ادراک حقیقت و یقین در قلب و تعهد انسان در مقابل واقعیت است،درست است اما آنچه ایمان به‌عنوان یک ارزش در تجربه بشری می‌تواند معرفی شود، زندگی با ایمان است یعنی ایمانی که اقتضائات و تجلیات عملی دارد. ایمان باید تبدیل به عمل صالح شود و به همین دلیل قرآن کریم هنگام سخن گفتن از ایمان در کنار آن عمل صالح را آورده است.

ما مسلمانان که ادعای ایمان و زندگی مؤمنانه داریم باید چگونگی رفتار با واقعیت‌ها را بدانیم؛ موضع‌گیری انسان مؤمن در برابر بلا و مصیبت منفی و زشت نیست و در مقابل هر واقعیت باید به‌گونه‌ای مدیریت کنیم که آن را به‌صورت منفی تفسیر نکنیم. پیامبر اکرم ﷺ به ما می‌آموزد: «بنده در مقابل نعمت‌ها شکر، در مقابل قضا و تقدیر الهی تسلیم، و در مقابل بلا صبر باشد»؛[۱] چون اسلام یک منظومه فکری و عملی است که قوانین و ارزش‌هایی دارد و برای هر لحظه زندگی، تعالیمی آورده است.

مبلغ مسلمان آرژانتینی با اشاره به اینکه صبر برای تعالی، تکامل و رشد انسان مفید است، ادامه داد: صبر از مفاهیم مهم زندگی مؤمنانه است و روایت است که نصف ایمان صبر و نصف آن شکر است.[۲] انسان باید درک کند که وجودش برای امتحان است و آسایش کامل در این دنیا وجود ندارد. صبر همان انضباط نفس است. بلا، فقر و مرگ جزیی از تجربه بشری است و خلق حیات و این زندگی دنیایی امتحان است. به نظر بنده دوره انسان‌شناسی عملی و فرصت تأمل و ذکر موت است؛ مرگ در این ایام آن‌قدر طبیعی شده که ما هر روز مجبوریم به آن فکر کنیم. فکر و خیال ما این بود که دنیا زیبا و جذاب است اما با آمدن کرونا زشتی دنیا برای همه انسان‌ها ملموس شده است که این درس عملی دنیاشناسی است که در روایات آمده بود که دنیا موقت و بد است.

وقتی انسان ضعیف و موقتی بودن خودش را در این دنیا به‌صورت عینی مشاهده کرد، باید به سمت جایی برود که خلأ وجود ندارد و به خدایی مرتبط شویم که همه خلأها و ضعف‌ها را جبران کند و وقتی به خدا مرتبط شدیم مرگ و حیات برایمان فرقی ندارد. منبع: ایکنا



شجاعت اخلاقی و عقلانی پزشکان

دکتر صادق میراحمدی، (استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه شهرکرد) در کنفرانس «اخلاق، الهیات و بلایای فراگیر» که به همت دانشکده الهیات و ادیان دانشگاه شهید بهشتی در ۱۸ شهریورماه به صورت آنلاین برگزار شد، با ارائه بحثی پیرامون «بررسی شجاعت اخلاقی و عقلانی پزشکان در مواجهه با بیماران کرونا» اظهار کرد: کرونا، ویروسی جدید با سرعت انتقال بسیار بالاست که هیچ انسانی در برابر آن ایمن نیست، اما از برخی از افراد به عنوان گروه‌های آسیب‌پذیر یا بیشتر در معرض خطر ابتلا به این ویروس نام برده می‌شود. یکی از این گروه‌ها پزشکان و مراقبان سلامت‌اند که از بیماران کووید ۱۹ مراقبت می‌کنند.

فضیلت شجاعت یکی از موضوعات حائز اهمیت در مراقبت‌های پزشکی از این نوع بیماران است. دلیل تفکیک فضیلت شجاعت، به دو قسم اخلاقی و عقلانی، قوای مختلف نفس، انگیزه و غایت است. بحث درباره شجاعت، تاریخچه‌ای به اندازه تاریخ فلسفه دارد. در فلسفه ارسطویی، شجاعت به عنوان حد وسط بین جبن و تهور تعریف می‌شود. بر اساس این تعریف، پزشکی که در مواجهه با بیماران کووید ۱۹ قرار دارد و آن را جدی نمی‌گیرد، این فرد بی‌باک و بی‌پرواست. در مقابل نیز آن پزشکی که به درمان و معاینه بیمار مبتلا به کرونا امتناع می‌کند و در بیمارستان حاضر نمی‌شود، از شجاعت اخلاقی بی‌بهره است.

اگر پزشکی هدف شجاعت خود را یک غایت عقلانی قرار دهد؛ یعنی به دنبال به دست آوردن معرفت و دانشی درباره بیماری ناشناخته واگیردار باشد، در این صورت وی دارای شجاعت عقلانی است. شخصی که دارای فضیلت شجاعت عقلانی است، انگیزه‌هایی جهت رسیدن به معرفت و حقیقت دارد که باعث تمایز از دیگر شجاعت‌ها می‌شود. پزشکان زیادی هستند که سلامتی و جان خود را به خطر می‌اندازند و دغدغه آن‌ها تنها رسیدن به حقیقت است. کسی‌که دارای شجاعت عقلانی است، انگیزه کسب معرفت دارد. این نوع شجاعت

تسهیل‌کننده دیگر فضایل نیز هست.

شجاعت اخلاقی و عقلانی برای کسانی که با سلامت مردم سر و کار دارند، در مواجهه با بیماران ناشناخته بسیار ضروری است و برخورداری از آن‌ها ضرورت دارد. پیشنهاد می‌شود کارگاه‌های آموزشی برای پزشکان برگزار شود و نگاه آنان را به مفهوم شجاعت عقلانی و اخلاقی جلب کند. منبع: ایکنا



قرنطینه در اسلام

دکتر مریم خوشدل روحانی، (استادیار دانشگاه شهید بهشتی) نیز در کنفرانس «اخلاق، الهیات و بلایای فراگیر» در باب «اخلاق قرنطینه» و بیان داشت: انتهای سال ۲۰۱۹ جهان با بیماری کرونا درگیر می‌شود و پروتکل‌های جدیدی از سوی دولت‌ها مطرح می‌گردد. ابتدا قرنطینه و سپس فاصله‌گذاری اجتماعی. کلمه و مفهوم قرنطینه اصطلاحاً به شرایطی گفته می‌شود که بیماران یا کالاها در جای مشخصی دور از افراد سالم قرار بگیرند و در لاتین در مفهوم چهل روز، کاربرد دارد. اواسط قرن ۱۴ که مسافران و کشتی‌های مشکوک به طاعون (مرگ سیاه) خواستند وارد کرواسی شوند، با این مفهوم مواجه شدند که باید به مدت ۳۰ روز در منطقه‌ای قرنطینه شوند. در آن سال، ۳۰٪ جمعیت جهان به دلیل ابتلا به طاعون جان خود را از دست دادند. بارزترین شکل قرنطینه را در قرن ۱۷ میلادی مشاهده می‌کنیم که انگلستان به واسطه شیوع طاعون تحت تأثیر بیماری قرار گرفت و دچار بحران شد و بارزترین بیماری نیز همزمان با قرن ۱۹ آغاز شد و آن بیماری آنفولانزا بود که موجب مرگ و میر در کل جهان شد. در سال ۲۰۰۳ هم که بیماری سارس فراگیر شد میزان کشندگی بیشتری داشت، اما به دلیل مقابله سریع گسترش نیافت.

قبل از میلاد مسیح، دانشمندانی توصیه به قرنطینه‌های هفت روزه متناوب می‌کردند که مرتب تکرار می‌شد. درباره قرنطینه در جهان اسلام، مستمسک خوبی مشاهده می‌شود که آمریکایی‌ها نیز از آن استفاده کرده‌اند. پیامبر اکرم ﷺ توصیه می‌کنند که اگر طاعون (مرض مسری) در شهر و منطقه شما شیوع پیدا کرده، از آنجا خارج نشوید»[۲] در بین دانشمندان مسلمان هم ابن‌سینا توصیه‌هایی برای قرنطینه بیماران مبتلا به سل داشته است. منبع: ایکنا



تنگنای وحشتناک اخلاق پزشکی

دکتر شقاقی (عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی) در کنفرانس «اخلاق، الهیات و بلایای فراگیر» با بیان تنگناها و چالش‌های اخلاقی بسیاری که با ورود این ویروس به وجود آمده، اظهار کرد: افشای راز بیماران و رسیدگی به بیمار از جمله چالش‌هایی هستند که بین نقش حرفه‌ای و اصول عام اخلاقی قرار می‌گیرند. اینکه در موقعیت‌های دشوار چگونه سیاستگذاری شده و در بیمارستان‌ها چگونه به آن‌ها عمل می‌شود، جهت‌گیری‌های اخلاقی در استفاده از فرصت‌ها را برای ما مشخص می‌کند.

رویه‌هایی که پزشکان برخی کشورها برای نجات بیماران اعلام کرده‌اند، این است که همیشه اولویت رسیدگی با بدحال‌ترین بیماران است؛ اگر دو فرد بدحال وجود داشته باشند، اولویت با بیماری است که از شانس نجات بیشتری برخوردار باشد و در واقع شانس زنده ماندن و مقاومت بیشتری داشته باشد. این موضوع یک تنگنای اخلاقی بوده و قرار گرفتن در چنین موقعیتی، برای هر پزشکی وحشتناک است.

منطق این تنگنا شبیه منطق بقای اصلح است؛ که عامل زنده ماندن در آن به استعدادها و نقشه ژنتیکی افراد بستگی دارد. متأسفانه منطق بیماری کرونا نیز بسیار شخصی بوده و به نقشه ژنتیکی فرد وابسته است و هر فردی که از استعداد مقاومتی بیشتری در برابر بیماری برخوردار باشد، شانس بیشتری برای زنده ماندن دارد!

در جوامع پادشاهی، افراد از فرصت‌های مساوی برخوردار نیستند و اصولاً استعداد هم در آن‌ها نقشی ایفا نمی‌کند، بلکه این موقعیت‌های تاریخی هستند که به افراد شانس بقا و ادامه می‌دهد؛ لذا در این جامعه نیز عدالت وجود ندارد.

در جوامعی هم که اقتصاد بازار حاکم بوده و مالکیت فردی را به رسمیت می‌شناسند، به همه افراد فرصت‌های یکسانی داده می‌شود، اما در این جامعه همه افراد نیز نمی‌توانند از شانس برنده شدن برخوردار شوند؛ چرا که از استعدادهای مناسبی برخوردار نیستند و این تفاوت استعدادها موجب ناعدالتی می‌شود. نقشه ژنتیکی افراد در برابر بیماری نیز چنین است و این وضعیت در واقع یک چالش اخلاقی محسوب می‌شود. منبع: ایکنا

ترابط طب و حکمت الهی

دکتر غلامرضا اعوانی، (چهره ماندگار و استاد برجسته فلسفه)، در کنفرانس «اخلاق، الهیات و بلایای فراگیر» به ایراد سخن با موضوع «ترابط طب و حکمت

الهی» پرداخت و اظهار داشت: همان‌گونه که روح انسان مظهر تمام اسماء حسنای الهی است، بدن او نیز با آن روح مطابقت دارد. لذا این جامعیت وجود انسان، در بدن او هم پیداست بنابراین طب، شریف‌ترین علم است.

قدما هرگونه علمی را حکمت می‌دانستند، اما طب را به صورت خاص حکمت تلقی می‌کردند؛ برای اینکه هر علمی موضوعی دارد، مثلاً موضوع علم ریاضی، کمیّت است. اما علم پزشکی علمی است که موضوع آن شریف‌ترین موجود یعنی بدن و نفس انسان است.

ایثار یعنی ترجیح دادن چیزی بر چیز دیگر. ایثار حقیقی این است که قرآن می‌فرماید: «وَيُؤْثِرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»[۴] یعنی کسانی که دیگران را بر خود ترجیح می‌دهند. در اینجا هم این ایثار مراتبی دارد و بالاترین مرتبه‌اش فدا کردن جان برای دیگری است که انصافاً پزشکان و پرستاران ما، این کار را به درستی انجام داده‌اند و آنچه ما به زبان می‌گوییم آن‌ها به عمل انجام می‌دهند.

آیه‌ای در قرآن است که در تورات هم آمده و قرآن آن را از تورات نقل می‌کند که تمام انبیاء علیهم‌السلام بر این بودند: «مِنْ أَجْلِ ذَلِكَ كَتَبْنَا عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنَّهُ مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا وَلَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُنَا بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ إِنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ بَعْدَ ذَلِكَ فِي الْأَرْضِ لَمُسْرِفُونَ»[۵] ما بر بنی‌اسرائیل واجب کردیم که اگر کسی را بکشند، بدون اینکه فسادی در زمین کرده باشد، در حقیقت کشتن یک فرد بی‌گناه مانند کشتن همه نوع بشر است و زنده کردن یک نفر هم به منزله زنده کردن تمام بشر است. تمام فرستاده‌ها/ پیامبران ما با بیّنه آمدند. پس این یک اعتبار جهانی دارد و اختصاص به تورات و قرآن هم ندارد، بلکه آموزه انبیاء علیهم‌السلام است.

اما علت فلسفی این که قتل یک نفر به منزله قتل جمیع افراد است، چیست؟ در قرآن فرمود: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ»[۶] یعنی ای مردم تقوا پیشه کنید نسبت به پروردگاری که شما را از یک نفس و حقیقت واحده خلق کرده است و فرمود: «مَا خَلْقُكُمْ وَلَا بَعْثُكُمْ إِلَّا كَنَفْسٍ وَاحِدَةٍ إِنَّ اللهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ»[۷] بنابراین ما یک حقیقت هستیم.



همچنین یک دلیل منطقی هم داریم که معنای انسان تقسیم‌پذیر نیست و وقتی می‌گوییم زید انسان است، تمام حقیقت انسانیت در آن تحقق دارد. قرآن جامع‌ترین تعریف را از انسان دارد، تعریفی که در هیچ کتاب فلسفی هم نیامده است و آن اینکه «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا»[۸] انسان مظهر تمامی اسماء و صفات الهی است و این تعبیر یعنی انسان مظهر همه اسماء است. بنابراین حقیقت الهی



است و کشتن ناحق یک نفر مخالفت و منازعت با مقام ربوبیت است و مانند این است که او مقام ربوبیت را زیر سؤال برده است.

اما در مورد کرونا هم باید بگوییم که از جنود خداست. فرمود: «وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللهُ عَزِيزًا حَكِيمًا»[۹] انسان امروز چنان در برابر خدا سرکش شد که لازم شد یک زنگ خطری برای او به وجود آید تا متوجه باشد که خدا و آخرت را فراموش کرده و آنچنان به علوم زمینی روی آورده که باعث نسیانش شده است. اما خداوند فرمود: «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ أُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»[۱۰] یعنی مانند کسانی نباشید که خدا را فراموش کردند و خدا هم کاری کرد که خودشان را فراموش کنند. منبع: ایکنا

اخلاق مواجهه با شرّ

دکتر محسن جوادی، (استاد دانشگاه) در کنفرانس «اخلاق، الهیات و بلایای فراگیر» با موضوع «اخلاق مواجهه با شر» اظهار کرد: دو نوع شر داریم؛ شر اختیاری و شر طبیعی، اما در هر نوع از این شرور، انسان دو وظیفه اخلاقی دارد اول اینکه نگذارد شری رخ دهد و دوم اینکه اگر شری به وجود آمد، نسبت به دفع آن بی‌تفاوت نباشد.

در مورد چیستی شر بحث‌های زیادی شده است. شر مفهومی است که در تقابل با خیرات قرار دارد. اگر جایی به هر دلیلی، عاملی یک خیری را از زندگی انسان حذف کند، می‌گوییم شر واقع شده است و برخی که در مورد انسان خیری را مطرح می‌کنند، شر عبارت از درد و رنج و الم می‌شود؛ اما چون معمولاً دیدگاه‌های مذهبی و اسلامی نگاه متنوع و متکثری به خیرات آدم دارند که می‌توان به سلامت، دین، اخلاق، عزت و کرامت اشاره کرد، هر چیزی که در تقابل با اینها باشد، شر است. هر کجا خیری برای انسان وجود داشته باشد، از آن زاویه، شری هم برای او وجود دارد.

در زندگی با شرور زیادی اعم از طبیعی، اخلاقی و ... درگیر هستیم. معمولاً شرور را دو دسته می‌کنند و آنجایی که یک اختیار و مداخله اختیاری انسان منشأ شر می‌شود، ولو از جنس بیماری باشد، به آن شرور اختیاری و اخلاقی می‌گویند؛ اما جایی که مداخله‌ای از ناحیه انسان نیست، شرّ طبیعی نام‌گذاری می‌شود.

وقتی شر اختیاری رخ می‌دهد که منشأ اصلی آن نیز سوءاختیار است و کسی سلامت کسی را می‌گیرد، حتی اگر به عمد هم نباشد و خطا و سهل‌انگاری رخ داده باشد. اما سئوال این است که در مواجهه با این مسئله وظیفه ما چیست؟ نمی‌توان گفت اتفاقی افتاده و تمام شده یا بگوییم همه به اراده خدا بستگی دارد و من در مسیر خدا بوده‌ام و تمام. بلکه در مقابل شرور اختیاری یا شروری که منشأ آنها اختیار و سوءاختیار انسان است دو وظیفه اخلاقی یاد شده را داریم. سپس قبل از وقوع شر نباید اجازه بدهیم که اتفاقی بیفتد. وقتی شر رخ داد، باید آن را جبران کنیم و به وضعیت خیر اولیه برگردانیم و اگر ضرر زدیم جبران کنیم.

در فقه اسلامی می‌گویند عاقله باید جبران کند. یعنی اصل جبران ضرر وجود دارد. فلسفه احکام دیه و قصاص نیز این است که خیری فوت شده است لذا این خیر به این اندازه ارزشمند است و باید جبران شود و برگردد که یک اصل مهم اخلاقی و برای حفظ خیرات انسانی است.

اما در شرور طبیعی فرض را بر این می‌گذاریم که مداخله انسانی در کار کرونا نیست و یک پدیده کلان طبیعی است که فراگیر شده شری برای همه انسان‌ها به وجود آورده و سلامت و جان انسان را تهدید می‌کند. در حقیقت ما شر را طبیعی فرض می‌کنیم. اما نکته‌ای که در بحث مقابله با شرور اختیاری وجود داشت، اینجا هم هست. یعنی نمی‌توان گفت چون دخالتی نداشتم وظیفه اخلاقی هم ندارم. اتفاقی که در کرونا افتاده و ممکن است سوءبرداشتی از آموزه‌های دینی شود، این است که می‌گویند مداخله انسانی نبوده و لذا وظیفه اخلاقی نداریم تلاشی هم برای برطرف کردن آن بشود و باید رضا به قضای الهی بدهیم! که در اینجا ممکن است، برخی از آموزه‌ها بد برداشت شوند و عده‌ای بگویند صرفاً باید راضی باشیم یا بگویند این عذاب الهی است و فقط باید عبرت بگیریم، ولی نباید کاری کنیم.

قبول دارم که در کل شرور یکی از آموزه‌های اصلی اسلام این است که انسان تند نرود و صبر داشته باشد؛ اما چنین نیست که باید با این قضیه کنار آید تا زمانی که خود به خود گشایشی ایجاد شود و فرجی رخ دهد! ما وظایف پیشگیرانه‌ای داریم که کفایی هم هست و وظایف محققان است. لذا این یک وظیفه اخلاقی است و باید جلوی شیوع را بگیرند. اما یک وظیفه اخلاقی هم بعد از این است و منافاتی هم با صبر و تحمل و درس آموختن از این حادثه ندارد؛ چه اینکه همه حوادث ممکن است عقاب الهی باشند، اما نباید نشست و گریه کرد که عقاب است و وظیفه‌ای شامل حال ما نمی‌شود. لذا باید در گام اول، وظایف مقدم بر وقوع را انجام دهیم یعنی جلوی ادامه این مشکل را بگیریم و جبران کنیم. بنابراین مواجهه با کرونا با فضیلتی مانند صبر و تحمل منافاتی ندارد. منبع: ایکنا

اقدامات پزشکی انجام مقدمات فعل الهی

آیت‌الله سیدمصطفی محقق‌داماد در کنفرانس «اخلاق، الهیات و بلایای



فراگیر» با موضوع «ایثار در حرفه پزشکی» به ایراد سخن پرداخت و اظهار کرد: عملیات پزشکی که به درمان منتهی می‌شود، مقدمات فعل الهی است. لذا یکی از وجوه قدسیت حرفه پزشکی این است که همه دست‌اندرکاران امور پزشکی، انجام‌دهنده مقدمات فعلی هستند که خدا مستقیم به دست خود انجام می‌دهد و آن شفاست.

پزشکی یکی از حرفه‌هایی است که متصف به وصف قدسیت می‌شود و می‌توان آن را حرفه مقدس پزشکی خواند. قدسیت پزشکی به دلیل جهات عدیده‌ای است؛ اولین جهت آن است که یکی از اسماء فعلی حق‌تعالی یعنی نام شافی، به دست طبیب تحقق پیدا می‌کند. در قرآن مجید و داستان حضرت ابراهیم علیه‌السلام آمده است که وقتی طرف مقابل از او پرسید که خدای تو کیست؟ ایشان در مقام تعریف حق متعال فرمود خدای من صفاتی دارد، یکی از آن‌ها این است که «وَ إِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ»[1] یعنی فعل شفای بیمار از افعالی است که بدون واسطه به دست حق تعالی انجام می‌شود. البته همه افعال در جهان افعال الله است، اما رابطه خدا و جهان این‌گونه است که افعال الهی با واسطه انجام می‌شود، اما شفا و چند فعل دیگر است که مستقیماً خدا به خودش نسبت می‌دهد. بنابراین عملیات پزشکی اعم از دارو دادن یا سایر تلاش‌های کادر پزشکی که به شفا و درمان منتهی می‌شود، انجام مقدمات فعل الهی است. لذا جهت اول قدسیت حرفه پزشکی این است که دست‌اندرکاران امر پزشکی اعم از طبیب، پرستار، خدمت‌گزار، محقق دارو و هر کسی که به نحوی در کار پزشکی خدمت می‌کند، دست‌اندرکار مقدمات فعلی است که خدا مستقیم به دست خود انجام می‌دهد و آن شفاست.

جهت دیگر این است که کادر پزشکی با حیات انسانی سر و کار دارد. همه جانداران، موجودات زنده هستند، اما دارای روح الهی نیستند و حیاتشان غیر از روح الهی است. حیات بشری تنها حیاتی است که خداوند خطاب به ملائکه در موردش آورده است: «فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ»[2] ای فرشتگان، چون آفرینش انسان را به پایان بردم و از روح خود در آن دمیدم، در برابر او سجده کنید. بنابراین کادر پزشکی حامی روح الهی است و با روح الهی سروکار دارد. تا اینجا معلوم شد دست طبیب که مشغول دارو و درمان می‌شود، دست خداست که از آستین طبیب بیرون می‌آید.

از همه اینها که بگذریم جسم انسانی با سایر موجودات متفاوت است. همه

جهان مخلوق خداست، اما انسان به قدرت مستقیم خدا و به تعبیر قرآن به دو دست او آفریده شده است. «قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا مَنَعَكَ أَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ بِيَدَيَّ أَسْتَكْبَرْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْعَالِينَ»[۳] ای ابلیس، چه چیز تو را از سجده کردن در برابر آنچه من با دو دست خود آفریدم منع کرد؟ ولی می‌خواهم عرض کنم اینها یک طرف است و جهت دیگری که شاید از جهات دیگر اهمیتش کمتر نیست، موضوع ایثار کادر پزشکی و خدمت‌گزاران پزشکی در انجام وظیفه خویش است. منبع: ایکنا

کرونا از مناسک جمعی تقدس‌زدایی نکرد

حجت‌الاسلام دکتر مجتبی سپاهی (عضو هیئت علمی گروه معارف اسلامی دانشگاه اصفهان)، در گفت‌وگویی درباره تأثیر کرونا بر دینداری اظهار کرد: دین عرصه‌های مختلفی دارد. انسان‌ها وقتی دینی را انتخاب و به مناسک آن عمل می‌کنند و خود را مقید به دستورات و شرایع آن می‌دانند، این جزء درون‌مایه اصلی دین است. علاوه بر این، هر دینی علاوه بر آداب فردی، یک‌سری مناسک جمعی و اجتماعی نیز دارد.

کرونا در عرصه دینداری فردی نمی‌تواند ضربه‌ای به دینداران وارد کند، چون ویروسی ضد اجتماع است و فرقی ندارد که این اجتماع برای مناسک دینی باشد یا برای هر اجتماع دیگری. در واقع کرونا جنبه‌های زندگی اجتماعی را مورد هجمه قرار داده است و نمی‌تواند در عرصه‌های فردی دینداری خللی ایجاد کند؛ یعنی هر کس می‌تواند جنبه‌های فردی دین را به نحو احسن انجام دهد. اگر برگزاری مناسک اجتماعی با حفظ جان تعارض پیدا کند، آموزه‌های دینی به ما می‌گویند که حفظ جان انسان واجب‌تر است.

با شیوع کرونا بسیاری از مناسک دینی مثل نماز جماعت و نماز جمعه تحت‌الشعاع قرار گرفته است. کرونا در حوزه اجتماعی و تأثیرپذیری افراد از یکدیگر و بیان احکام و معرفت‌افزایی چهره به چهره و جنب و جوش مراسم عبادی در اجتماعات حضوری، تأثیر منفی از خود به جا گذاشته و قطعاً جامعه دینی از این منظر دچار زیان فوق‌العاده‌ای شده است. بر این اساس اگر دینداری را صرفاً در حوزه اجتماعی آن معنا کنیم، طبیعتاً با وجود کرونا با یک‌سری سستی‌ها مواجه شده‌ایم؛ ولی فراموش نکنیم دین ساحت‌های مختلفی دارد که یک ساحت آن دینداری فردی است و چه‌بسا انسان در این عرصه بتواند قوی‌تر ظاهر شود.

اگر دینداری انسان آگاهانه و عمیق باشد، قطعاً به آموزه‌های آن نیز آگاهانه عمل می‌کند، ولی برخی انسان‌ها دینداری خود را از اجتماعات گرفته‌اند. به همین دلیل با وجود کرونا بین آن‌ها و اجتماع قطع ارتباط شده است.

این سؤال که آیا کرونا و محدودیت‌های ناشی از آن باعث تقدس‌زدایی از مناسک دینی نمی‌شود؟ باید گفت نه چنین اتفاقی نمی‌افتد، زیرا دین نیز هیچ‌کدام از این مراسم و اجتماعات را مقدس ندانسته است. دین برای اینکه ترویج پیدا کند، از عرصه اجتماعات استفاده می‌کند، ولی اجتماع به‌ماهو اجتماع، هیچ‌گاه به عنوان امر مقدس تلقی نمی‌شود. اگر اجتماعی باعث شود که بیماری‌ای مثل کووید ۱۹ شیوع پیدا کند و بخشی از جامعه دچار بیماری شوند و فوت کنند، قطعاً هیچ عالم دینی و گزاره دینی آن را تأیید نمی‌کند. حتی در گزاره‌های دینی ما در قرآن و سنت اهل‌بیت علیهم‌السلام به ما گفته نشده است در هر شرایطی باید اجتماعات را برگزار کنید. بنابراین اجتماعات، مقدس نیستند بلکه حقیقت و حرکت به سوی حق و دریافت آن و عمل به فرمان خداوند آن هم به صورت صحیح، امر مقدسی است.

امام عمل ما را در نظر می‌گیرد و انتظار رفتار عاقلانه از ما دارد. حبّ خدا، پیامبر و ائمه علیهم‌السلام نسبت به انسان‌ها بر اساس یک چارچوب است، ولی ما برداشت‌های غلط و سهل‌انگارانه در این خصوص داریم و توجه نمی‌کنیم که دعوت اهل‌بیت علیهم‌السلام به عاقلانه فکر و رفتار کردن، زیرک بودن و معرفت صحیح است. آنها اصلاً دوست ندارند که ما احساساتی شویم و بر اساس احساسات عمل کنیم، مثل اینکه چون کسی می‌خواهد به مجلس امام حسین علیه‌السلام برود، بگوید کرونا نمی‌تواند کاری کند یا سردر هیئت اطلاعیه بزنند که بدون ماسک وارد شوید یا فردی روحانی بگوید که ما باید فدایی شویم! هیچ منطق عقلی و دینی پشت این سخنان و حرکات نیست و ناشی از جهالت جامع‌الاطراف یا عناد و لجاجت است. منبع: ایکنا

مسئولیت کیفری و مدنی ناقلان ویروس کرونا



پنجاه و ششمین نشست از سلسله نشست‌های علمی فرهنگی چالش کرونا و زندگی مؤمنانه با موضوع " مسئولیت کیفری و مدنی ناقلان ویروس کرونا" به همت دانشکده الهیات پردیس فارابی دانشگاه تهران و جهاد دانشگاهی واحد استان قم با حضور دکتر سید محمد حسینی، عضو هیئت‌علمی پردیس فارابی دانشگاه تهران و وزیر اسبق فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزار شد. وی اظهار کرد: مسئله، التزام شخص به پاسخ‌گویی اعمال و رفتار زیانبارش در قبال دیگران است و اگر رفتاری انجام داد که به دیگران ضرر و زیانی وارد کرد باید پاسخ‌گو باشد؛ به عنوان مثال ساختمانش را بدون رعایت مسائل ایمنی گودبرداری کرده و باعث ریزش ساختمان دیگری شده است ضامن است و باید جوابگوی ضرر و زیان وارده باشد و اگر مسئله کیفری شد مجازات مطرح می‌شود و جبران خسارت نیز در بحث‌های مدنی مطرح می‌شود.

فعل یا ترک فعل در شرایط تخلف از یک قرارداد یا ناقض قوانین است و مسئولیت مدنی مسئولیت خسارت وارده بر شخص است و باید این خسارت یا توسط خود فرد یا توسط دیگری جبران شود؛ اما در مسئولیت کیفری اصل بر

شخصی بودن مسئولیت می‌باشد یعنی خود فرد مطرح است و او را محاکمه و مجازات می‌کنند نه فرد دیگری. در امور کیفری نیت متهم و هدفش مهم است یعنی باید سوءنیت و قصد داشته باشد اما در مسئولیت مدنی سوءنیت نیست اما ضرری وارد کرده است و باید جبران کند و ضرر رسانی فرد صغیر یا مجنون را نیز باید دیگری به‌عنوان مسئول او جبران خسارت کند.

در مسئله کرونا قراردادی میان افراد وجود ندارد. در مباحث زیان و جبران زیان غیر قراردادی، چهار مسئله: فعل زیان‌آور، ضرر واردشده، فعل باید موجب خسارت شده باشد یعنی رابطه علت و معلولی وجود داشته باشد و مورد چهارم احراز مقصر بودن فرد، موردتوجه است. به عنوان مثال در اداره‌ای اعلام می‌شود طبق قانون ستاد مقابله با کرونا، فردی که به بیماری کرونا مبتلا شده در محل کار حضور پیدا نکند، اما شخص برخلاف آن عمل کرده و با حضورش موجب ابتلای دیگران و همکارانش می‌شود. فردی که باعث تسری این ویروس به دیگری شده آسیب‌زده و حتی در مواردی ممکن است باعث مرگ دیگری شود مسئولیت مدنی دارد اگر باعث مرگ او شده باید دیه بپردازد، یا خساراتی که مازاد بر دیه است .مثلاً فرد بیمار چند روز در بیمارستان بوده و هزینه‌ای پرداخت کرده.

باید فرد عامل انتقال ویروس کرونا این موارد را جبران کند. قاعده لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام معروف است و در این شرایط بیماری کرونا طبق این قاعده یعنی باید مراقبت شود.

جبران خسارت در مورد فردی است که از بیماری خودش اطلاع دارد؛ البته این سخن به این معنا نیست فردی که اطلاع از بیماری خود ندارد هیچ مسئولیتی نیز ندارد، بلکه باید به توصیه‌های ستاد مقابله با کرونا گوش دهد. برای تحقق جرم انتقال ویروس کرونا غفلت هم کافی است که منظور از غفلت، بی‌احتیاطی است و این فرد باید مجازات شود.

ماده ۶۶۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ که در آن گفته‌شده هر اقدامی که تهدید علیه بهداشت عمومی شناخته شود از قبیل آلوده کردن آب آشامیدنی یا توزیع آب آشامیدنی آلوده، دفع غیربهداشتی فضولات انسانی و دام، ریختن مواد سموم کننده در رودخانه، زباله در خیابان، کشتار غیرمجاز دام و دیگر مسائل ممنوع است و مرتکبین طبق قوانین خاص مشمول مجازات شدیدتری نباشند، به حبس تا یک سال محکوم خواهند شد. منبع: ایسنا

---

۱. فَعَلَیْهِ فِی اَلْبَلاَءِ مِنَ اَللَّهِ اَلصَّبْرُ فَرِیضَةٌ ، بحارالانوار، ج ۶۸، ص ۴۳، ح ۴۱.

۲. بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۱۵۱، ح۹۹.

۳. بحارالانوار، ج ۶، ص ۱۲۲، ح۵.

۴. حشر: ۹.

۵. مائده: ۳۲.

۶. نساء: ۱.

۷. لقمان: ۲۸.

۸. بقره: ۳۱.

۹. فتح: ۷.

۱۰. حشر: ۱۹.

۱۱. شعراء: ۸۰.

۱۲. حجر: ۲۹ و ص۷۲.

۱۳. ص: ۷۵.

توصیه های رهبر انقلاب درباره

مقابله با کرونا

رهبر انقلاب اسلامی، در تاریخ ۹۸/۱۲/۱۳ با توجه به شیوع بیماری کرونا، توصیه هایی در این زمینه نمودند که پایگاه اطلاع رسانی KHAMENEI.IR در این اطلاع نگاشت، آنها را مرور می کند.

KHAMENEI.IR
دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای

توسل به پروردگار و درخواست کمک الهی

- طلب شفاعت و وساطت از نبی مکرم اسلام و ائمه‌ی اطهار (علیهم‌السلام)
- خواندن دعای هفتم صحیفه‌ی سجادیه

همکاری همه‌ی دستگاه‌های کشور با وزارت بهداشت و در اختیار آنها گذاشتن همه‌ی امکانات

عمل به توصیه‌های مجموعه‌های مسئول

- هر چیزی که کمک کند به سلامت جامعه یک حسنه است و هر چیزی که کمک کند به شیوع این بیماری، یک سیئه است



مسئله را کوچک نگیریم اما خیلی هم بزرگش نکنیم

ان‌شاءالله خیلی طولانی نخواهد بود، تجربیاتی که به دست می‌آوریم میتواند یک دستاورد باشد و بلا را تبدیل کند به نعمت

بدتر از کرونا

Covid1948

امروز دنیا یک به یک تعداد قربانیان کرونا را در سراسر جهان می شمارد، امّا هیچ کس نپرسیده و نمیپرسد قاتل و مسئول صدها هزار شهید و اسیر و مفقود در کشورهایی که آمریکا و اروپا در آن آتش جنگ را روشن کرده اند کیست؟ نهادهای به اصطلاح حقوق بشری مُرده اند.

سید علی خامنه‌ای
۹۹/۳/۲
رهبر انقلاب

KHAMENEI.IR
دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای

